تاریخ نقاشی در ایران

تالیف

دکتر زکی محمد حسن مصری

ترجمهٔ

ابوالقاسم سحاب

اسفند ۱۳۲۸

چاپ دانش

بنام خدای بخشاینده مهربان

کتاب (التصویر فی الاسلام عند الفرس) که این بنده نگارنده ابوالقاسم سحاب آنرا بنام (تاریخ نقاشی درایران) ترجمه نموده ام کتابی است نفیس و زیبا و شامل مطالبی مفید و دل پسند در این فن که بخامه شیوا و قلم توانای استاد دانشمند آن دکتر زکی محمد حسن مصری امین دارالاثار العربیه مصر (موزه ملی) دراثر تتبع و تحقیق وبررسی وتدقیق در آثار نفیسه کتابهای خطی و آثارادبی ایرانی در کتابخانه و موزه های اروپا و مصر آنرا از روی ذوق و قریحه فنی و حسن سلیقه و استعداد هنرپیشگی و تخصصی که داشته تألیف و تدوین نموده و قسمت های جالب توجهی را بسلیقه خود پسندیده و انتخاب کرده و در ضمن شواهد و دلائلی از برای اثبات مدعا و ابراز منظور خود طی صفحات کتاب از آثار فنی و هنری اساتید این فن بمناسبت و موقعیت هر دوره از ادوار جمع آوری و پیوست کرده که موجب مزایا و مرجحات و امتیاز مخصوصی از برای مؤلفه خود گردیده و مندرجات کتاب را با محتویات فنی وهنری وضمائم آثاری منطبق ومنضم نموده وبمورد طبع وانتشار آورده . این استاد هنرپیشه در حقیقت خدمتی بزرگ و شایان تقدیر نسبت بمیهن عزیز ما ایران انجام داده واین هدیه نفیس را نه تنها بایران بلکه بجهانیان ارزانی داشته اینك زحمت و همت ومساعی جمیله دکتر دانشمند مورد تقدیر و منظور نظر وزارت فرهنك ایران گردیده وبانظر وتصویب شورای عالی فرهنك بترجمه این کتاب تصمیم اتخاذ نمودند و میخواستند کتاب نامبرده بفارسی ترجمه وطبع شده و مورد مطالعه و استفاده همگانی گردد .

این بنده از آنجاکه در آغاز نشر این نسخه نفیس در سال ۱۳۱۶ خورشیدی آنرا ترجمه نموده و حاضر داشته و در صدد بدست آوردن مجال از برای طبع آن

بودم مراتب را بمقام وزارت فرهنك گزارش داده و تقاضای چاپ ترجمه خود را از آنمقام نمودم ازحسن اتفاق این تقاضا مورد قبول واقع شده و باداره کل نگارش دستور داده شدکه درچاپ نسخه ترجمه موجوده اقدام نمایند.

اکنون این بنده با تجدید نظر درترجمه واصلاحات لازمه در پاره اصطلاحات و واژه های معمولی و دقت نظر درتصحیح و تحسین مطالب با اظهار تشکر ازتقدیر اولیای امور بطبع ونشرترجمه کتاب نامبرده مبادرت واقدام نموده ومراقبت خود را تاحدی که ممکن است نسبت بچاپ وتهیه وتدارك موجبات آن ازهرجهت بکارزده وامید است که زحمات من بنده هم مورد توجه وقبول واقع شودوازاین راه نیز خدمتی بفرهنك میهن عزیز خود نموده باشم.

در پایان پوشیده نماندکه نگارنده بنوبت خود درآخر کتاب تذییلی نگاشته و برای مزید استفاده خوانندگان قسمتی از آثار نفیسه وشاهکارهای فنی وهنری اساتید هنر پیشه و نقاشان ایرانی را که جزو مفاخر و ذخایر کتابخانه های مهمه این کشور است باتصاویر و نمونهٔ از آن مآثر گرد آورده و باین کتاب بعنوان پایان پیوست نمود.

وبالله التوفیق.

ابوالقاسم سحاب اسفند ۱۳۲۸

هو

آقای دکر زکی محمد حسن مؤلف کتـاب « التصویر فی‌الاسلام » و امین‌دارالاثار العربیه (موزه) مصر و دکتر در ادبیات از دانشکده پاریس و دارای دیپلم آثار ملل آسیـائی و اسلامی از آموزشگاه لوور پاریس وگواهی‌ـ نامه آموزشگـاه زبان شرقی در فرانسه و لیسانس ادبیـات از دانشگاه مصر و دیپلم مدرسه دانش سرای عـالی قاهره و معاون علمی سابق موزه برلن میباشد که کتاب او بوسیله چاپخـانه « لجنة التالیف و الترجمة و النشر مصر» در ۱۳۵٤ (۱۹۳٦) چاپ شده و منتشر گردید .

آغاز کتاب بقلم مؤلف

بسم الله الرحمن الرحیم

و بعد این کتابی است کوچك، امیدوارم که من در آن توفیق یافته و نیازمندی یکسانی راکه میخواهند درپیدایش هنر نقاشی ایران وتطور وتغییراتی راکه دراین فن پیدا شده بررسی وتحقیق نمایند بقدر امکان رفع نمایم و این هنر که درتمامی دنیای اسلامی بویژه کشور ایران که بیشتر از دیگر ملل مسلمان توجه خاص به پیشه وهنر نقاشی داشته وبیشتر از دیگران گوی سبقت را دراین میدان ربوده بخوانندگان کتاب خاطر نشان سازم .

اما هنر نقاشی که در سواحل نیل جلوه وبروز نموده و ترقی و پیشرفت کرده من برای بیان آن فصولی چند درکتاب (عهدالفن الاسلامی فیمصر) خود ترتیب داده ونگاشته ام ونیز برای ظهوراین هنر بعنوان نقاشی اسلامی درهند کتابی جداگانه ترتیب داده ام که بزودی آنرا درآینده انتشار خواهم داد .

ضمناً من ازاستاد خودم دکترعبدالوهاب عزام تشکرات خالصانه خودرا اظهار میدارم که لطف ومرحمت خودرا درمراجعه باصول این کتاب مبذول داشته همانطور که از اساتید اعضاء لجنه تألیف و ترجمه ونشر بویژه از استاد بزرگوار خودم احمد امین ابراز امتنان مینمایم که توجه خودرا در باره چاپ این کتاب بکار برده .

و باز من صرف نظر نمیکنم ازاینکه خودرا مدیون قدرشناسی وتشویق استاد بزرگ، دانشمند جاستون وایت میدانم .

زکی محمد حسن

بنام خدا

آغاز کتاب

بقلم خاورشناس بزرگ استاد جاستون وایت(۱)
مدیر موزه دارالاثارعربی درمصر

برای این بنده نیازی نیست که من بخوانندگان مصری دکترزکی محمد حسن را معرفی کنم کتاب مهمی راکه او پیش از این راجــع بدولت طولونی تألیف نموده درآن کتاب چندان رعایتی ازجهت بیداری همگانی درمصر نشده بودزیراکه کتاب مزبور را بزبان فرانسه نوشته ولیکن دکترزکی را جزاین چاره نبودکه کتاب خود را بآن زبان بنویسد چونکه این کتاب رابرای گرفتن پایه گواهی نامه و دکترای خودازسربون نگاشته و باوجود این کتاب مذکور بخوبی گواهی میدهد که دکتر زکی زمام زبان فرانسه را در دست گرفته وکاملا آنرا مانند زبان مادری خود میداند.

ولی نگارنده خیلی میل دارد دکترزکی کتاب تألیفی خودراکه تاریخی بدیع و ممتاز است مجدداً بزبان عربی نقل و ترجمه نماید تااینکه دانشمندان مصری که از زبان فرانسه اطلاع ندارند درحدود قدرت خود بتوانند از آن بهره مند شده وبفهمند که مؤلف تا چه پایه توانسته موضوع را بپروراند واشاراتی وافی وشامل درهرمورد بنماید و هم احساسات وطن پرستی او را کــه در وجود من نفوذی زیاد نموده چاره-جوئی کند.

دکتر زکی وقتی بمصر بازگشت کرد که تحصیلاتی خیلی مفید و سودمند در فرانسه وآلمان و انگلستان و اسپانیا نموده بود و باو امانت دارالاثارالعربیه (موزه باستانی مصر) واگذار شدکه شایسته این کار و سزاوار تحقیق و جستجو دراین آثار بود واول اندیشه دکتراین بودکه نتیجه تحصیلات خودرا بعدازبازگشت بوطن خویش بروز دهد لذا جزء اول ازکتاب تاریخ فنون اسلامی در مصر را تألیف نمود و موزه

۱- Justen Weith

باستانی مصر فوری در صدد طبع ونشراین نسخه نفیس بهزینه خود بر آمده و آنرا بچاپ رسانید و آن نخستین کتاب ازنوع خود در زبان عربی است .

دکتر زکی موفق شد ، هموطنـان خود را بتحقیقات و کنکاشی که دانشمندان اروپائی دراین موضوع نموده اند خبردار سازد واز بهره ای که خود از آن برده آنانرا نیز بهره‌ور نماید وحق آن است که نباید دانشمندان عربی زبان از تصانیف و نگارش خاورشناسان ومستشرقین بی‌اطلاع بمانند و اگر برای موافقت بانگارشات آنها نباشد لااقل جهت آگهی ازکشف و اظهار اشتباهاتی بوده باشد که برای آنان رخ نموده چنانکه مستشرقین هم نتوانسته اند ازکتابهائی که بعربی نوشته شده چشم پوشی و صرف نظر نمایند .

بدینجهت من که اصولا شخصی باختری واروپائی‌هستم ولیکن ارتباطی باشرق پیدا نموده وجستجو وتحقیقاتی زیادکرده ـ ازاین راه‌که مدیر دارالآثارعربی میباشم باخوشی ونشاطی بهم آمیخته ومخلوط خواهان آنم بخوانندگان مصری معرفی این تألیف جدید را که دکتر زکی نموده تقدیم دارم .

در واقع گراورها وتصاویر نسخه‌های‌خطی‌این کتاب‌ازنفیس‌ترین‌نسخ وزیباترین کتب‌ادوار فنون اسلامی‌است که بیشتر ازهمه چیز میتوان از آن بهره مند و کامیاب گردید دکترزکی حسن دراثر مزایا و محسناتی‌که ما باو سراغ داریم این موضوع را بانظری دقیق وروشن بما نمایش داده بطوری‌که برمامعلوم میدارد استاد مذکور این موضوع رابی‌اندازه دوستدار وطالب است و جای‌تردید نیست که ذوق بی‌اندازه و شیفتگی و عشق وعلاقه او باین صور وکثرت تاثر و شگفت او باین‌کار برای وی راه کنجکاوی و تعمق را سهل و ساده و طریق بحث وکنکاش را جهت او مستقیم و هموار نموده .

خوانندگان خواهند دید که دکتر زکی‌کتـاب خود را در آغاز بمقدمه لازم تاریخی شروع نموده و در آن مقدمه تاریخ ایران را بنحو اختصار بمورد و نگارش آورده وپس‌از طرح مقدمه وارد بحث وتحقیق پیدایش و ظهور فن نقاشی اسلامی و جریان‌آن‌گردیده و تحولاتی راکه این فن درکشور ایران پیدا نموده ومراتبی‌راکه

قرنها پیموده یا عواملی که در آن تأثیر کرده . در این کتاب شرح و بسط داده . مؤلف موفق شده که هنرستانهای مختلفه را طبقه بندی نموده سپس بیان و تشریح نماید و خصایص ومشخصات هردوره را بموردبیان وتفصیل بگذارد ونیز اساتید وهنروراني راکه در هنر نقاشي و صورتکشي نبوغ یافته و بحد کمال رسیده اند یا هر یك که دارای این عطیه الهی و مواهب یزدانی بوده معرفی و توصیف نماید بویژه ازسرآمد هنروران وزعیم وپیشوای ایشان استاد بهزاد وبخشایشی که ازفیض خدای آفریدگار باو شده تعریف نموده وقلمفرسائی نماید .

اینك بالاترین آرزوی من این است که خوانندگان مصری درخواندن این مؤلفه جدید همان چیزیرا درك نموده وبدست بیاورندکه من ازخواندن آن استفاده نموده وبهره مندگردیدم .

جاستون وایت ـ قاهره در فوریه ۱۹۳۶

مقدمه ایکه بخامه دکترعبدالوهاب عزام براین کتاب نگاشته شده :

۱ـ ازآنجاکه‌اسلام اساساً کشیدن‌صورت‌ذی‌روح رابواسطه خاتمه‌دادن بعمل بت‌پرستی درتمام مظاهر ونمایش‌آن حرام فرموده وازاینجهت مسلمانان صدر اسلام درصدد کشیدن صورت انسان وحیوان که دارای روح وجانند بر نیامده وبنقاشی آن توجه نداشتند ولی‌موقعی‌که تمدن آنهاکمال یافت‌وتمایل‌خودرا بجانب نقاشی‌و نوشتن خط و کشیدن‌صورت‌نباتات وجماد آشکار نمودند این هنررا‌باعلی درجه‌کمال زیبائی و بها رسانیدند .

علاوه براین‌مسلمین بمرور زمان درکشیدن صور موجودات ذی روح وساختن مجسمه یا هیاکل‌سایه دار بخود اجازه داده . مخصوصاً در دوره های اخیر قرن هفتم هجری وبعدازآن باین کار اقدامی شگفت نمودند .

در کاخ «عمرا» که بقایای آثاری آن اخیراً در سرزمین شام پیدا شده وگمان میرود که بانی‌آن یکی از امرا وسران اموی بوده صور ونقوش بسیاری از حیوان و نبات دیده میشود .

بنی‌امیه تنها بکشیدن صور نبات وجماد اکتفا نکرده بلکه آثارجمیله وبدیعه ونقش و نگار زیبای‌آن زمان درکاشیها و موزائیك یاسنگهای رنگین‌دیده میشودکه دیوارهای جامع بزرگ اموی دمشق بآنان زینت‌شده وهنوز باقی است .

چنانکه‌گفته اند منصور خلیفه عباسی وقتی‌که بغداد را بنا نمود امرداد بریکی ازگنبدهای‌آنجا هیکل سواری قرار دادندکه بوزش باد حرکت مینمود وازاین‌قبیل آثاردرسامرا وآثرهائی دیگر ازخلفاء فاطمیین در مصر کشف شده‌که صور بسیاری از حیوانات درآنان مشاهده‌میشود ونیز درابنیه وآثاراندلس واسپانیا ازاین‌قبیل‌صوری بسیارنمودارو موجود است .

کتب خطی مصور اسلامی زیباترین نمونه ونیکوترین آثار را ازفنون جمیله و صنایع مستظرفه درخط ونقش وتذهیب وتزیین ورنك‌کاری بما نشان میدهد وصفحات آنان فراخترین میدان‌ووسیعترین‌فضا برای‌کشیدن‌صور موجودات روان‌دار بوده‌که روزگاری دراز مسلمین از آن دوری مینمودند .

قرن هفتم هجری مردم عراق (بین النهرین) در نقش ونگارکتب جهت نمایش بعضی از قصص و روایات باافسانه و حکایات حریص ترین مردم بودند و در پیشرفت این‌هنرکوششی بسزا مینمودند وبهترین نمونه دراین خصوص نسخه مقامات حریری است ٠

صورتگران بکشیدن‌صور ونقوش‌کتاب « نوادر ابوزید سروجی» اقدام نموده و ازجامه و پوشش‌گوناگون آن زمان ورسوم وعادات مردم‌آن دوره صورتهائی زیاد کشیدند وهم اکنون درکتابخانه ملی پاریس نسخهٔ ازمقامات حریری وجود داردکه درصفحات آن بالغ بصدتصویرکشیده شده ونقاشی این نسخه درنیمه قرن‌هفتم هجری انجام‌گرفته .

درمصروشام هم درآن دوره اهتمامی زیاد بنقاشی‌کتب شده سپس این فن در ایران جلوه و خود نمائی‌کرده و نقاشهای ایرانی در حدودی معین نایستاده بلکه از پیامبران وصحابه هم صورت‌هاکشیدند و برای‌هنرنقاشی درایران دوره هائی متداوله وپیاپی بواسطه تأثیرفن چینی بوده وهنروران‌بمرور زمان درترقی وپیشرفت‌این هنر اهتمام نموده اند .

سلاطینی‌که سلطنت ایشان درکشورایران امتداد ودوام یافته‌آنها نیزهرکدام بنوبت خود در پیشرفت این هنر رعایت اهتمام را بجا آورده وازآنجمله : ایلخانیان تیموریان وصفویه بوده‌اند وتقریباً بقایای‌آثار تمام این ازمنه وادوارچگونگی اهتمام مردم را دراین باب‌نموده وگویای‌آن بوده ونیز درجه رغبت وتمایل ایشان‌را بتزیین وآرایش‌کتب وتصویر صورآن نشان میدهد .

سمرقند و هرات در زمان تیمور و شاهرخ و بایسنقر و سلطان حسین بایقرا و وزیر او امیرعلیشیر نوائی مجمع نویسندگان بلند پایه وکانون هنر و مرکز هنروران و نقاشان زبردست و سرآمد بوده و این دوره بنام نقاش عالی مقام و استاد مشهور «بهزاد» تمام میشود ٠

در دوره صفویه فن نقاشی رونق وشکوهی‌تمام یافته وگلهای‌رنگارنگ وزیبای آن شکفتن‌گرفت زیراکه‌شاهان این‌خانواده ودودمان‌نسبت‌باین هنرتوجهی‌بخصوص

نموده‌ودرپیشرفت‌وترویج آن کوشش ومساعی‌زیاد بخرج‌دادند مخصوصاً «شاه‌طهماسب اول» (۹۳۰-۹۸٤) و «شاه عباس‌کبیر» (۹۸۵ - ۱۰۳۸) بیشتر از دیگران باین عمل اهتمام داشته و از دارندگان پیشه وهنر تشویق وقدردانی مینمودند .

در زمان شاه عباس عمارات سلطنتی اصفهان و کاخهای بلند پایه آن بآیات و علاماتی‌از نقوش وتصاویرزینت‌گرفته بودکه من‌نمونه وبقایای‌آنرا درکاخ چهل‌ستون وسایرعمارات و ابنیه وکاخهای باشکوه اصفهان مشاهده نموده ام لیکن دراین دوره وزمان بودکه‌دربرابرنقاشی ایران نقاشی دیگری خودنمائی نمود وآن‌نمونه نقاشی اروپائی‌بودکه‌بین‌کاراستادان‌ایرانی آشکاراوعیان‌گردیده‌ودرکاخ‌چهل‌ستون‌هم‌اکنون صور و نقش ونگاری‌دیده میشودکه سفرا وایلچیان اروپا درموقع تشرف بحضورشاه عباس‌ونیزمیدان‌جنگ‌وهنگامه‌های جنگی‌درآن‌بنانقاشی‌شده‌وگویاکه‌آن‌به‌بینندگان تصاویر ونقوش‌کاخ ورسایل فرانسه را نشان میدهد .

این عصردرخشان ودوره‌طلائی دلفریب‌وروح بخش‌نقاشی‌رادست وقلم توانای رضای عباسی نقاشی وهنرنمائی نموده و بعد ازاین استاد برای نقاشی ایرانی تحولات وتغییراتی‌عجیب دست داده‌که متدرجاً آنرا بجانب انحطاط وپستی گرائیده ودچار ضعف و سستی نموده است .

پس‌از آن‌دربرابرنقاشی‌ایرانی نقاشی‌دوره‌وعصراسلامی‌هند وغیره آن‌قرارگرفته که هرکدام درمورد خود شایسته و درخور تحقیقات و بازرسی کامل خواهند بود .

۲ - اروپائیان در باره تحقیق و رسیدگی نقاشی عصراسلامی و ابنیه وعمارات ایندوره توجهی زیاد نموده کتب‌خطی مصور و نقاشی شده وبرخی ازنقوش وتصاویر فردی را گردآورده و آنرا با تاریخ برابری و تطبیق داده اند و برای این رشته از هنر وفن ادوار اسلامی تاریخی مرتب وروشن نگاشته و تنظیم نموده اند از آنجمله « ارنولد» وهمکار اوکتابی مخصوص راجع‌به فن کتاب‌شناسی و تشخیص‌آن نگاشته وآنرا به « کتاب اسلامی» نام نهاده اند .

۳ - مسلمین هم در این زمان برای بررسی وتحقیق فنون اسلامی از اروپائیها پیروی و تقلید نموده و باینکار اهتمام مینمایند از جمله وزارت فرهنگ مصر چون

دانش‌جوئی را برای بررسی بفنون اسلامی برگزیده که شایسته ترین شاگرد فارغ - التحصیل از دانشکده ادبیات و دانش سرای عالی مصربوده و او را بپاریس فرستاده این جوان مجدداً درآنجا بتحصیل کمال پرداخته تا بدرجه (دکترا) و اجتهاد رسیده سپس رشته تحقیق ومطالعات خودرا در موزه های آلمان و دیگرجا تکمیل نموده و بمصر مراجعت کرده و با موفقیتی که یافته در صدد برآمده زبان عربی را بآنچه که ازکتب فنی اسلامی نیازمند است کمك و دستیاری کند، این دانش‌جوی جوان همکار محترم ما (دکتر زکی محمد حسن) است .

مشارالیه ابتدا بنام «الفن الاسلامی فی‌مصر) کتابی نوشته که جزء اول آن انتشار یافته سپس این کتاب را که ما تقدیم وپیشکش بخوانندگان خود میکنیم بنام(کتاب التصویر فی الاسلام عندالفرس) یا این کتاب نگاشته .

ما بهمت بلند دکترزکی محمدحسن ونبوغ واستعداد کامل او امیدواری زیاد داریم وآرزومندیم که مشارالیه مساعی خودرا دربهره مندی خوانندگان عربی زبان هر اوقات که در این موضوع بنوبت خود بحث میکند مبذول دارد و خدا برای او هردشواری را سهل وآسان فرموده و موفقیت ویرا در هرکاری که خواهان آن است فراهم سازد .

عبدالوهاب عزام - بغداد ۲۸ شوال ۱۳٥٤ ژانویه ۱۹۳٦

مقدمه تاریخی

فلات ایران ازطرف غرب برود دجله وفرات ارتباط یافته وازطرف شرق برود سند محدود میشود وازجنوب بخلیج فارس ودریای عربستان وازشمال بدریای قزوین (بحرخزر)وررودجیحون پیوسته وبااین وصف ایران‌شامل‌کشورکنونی آن وافغانستان وبلوچستان وجنوب ترکستان روس خواهد شد .

برای اینکه دوخانواده کیانی و آکمنید . (هخامنشی‌ها) وساسانی بزرگترین خاندان سلطنتی که دراین کشورسلطنت نموده ودرقسمت فارس و جنوب غربی ایران نشوونما داشته‌اند . این نام برتمام ایران غلبه یافته ونزد یونان وروم وعرب و اروپا بنام پرس یا (فارس) معروف گردیده بود (۱)

لفظ (ایران) ازکلمه (آری) جدا شده ایران کشور ایرانیانی است که آنها قسمتی ازنژادآرین میباشند واین نژاد ازمراکزآسیا بجانب میهن‌نوین خود مهاجرت نموده در آنجا سکنی گرفته اند

درتمدن مللی که اززمان خیلی قدیم درایران سکنی داشته‌اند ابداً هیچگونه محل تردید نیست‌وهنوزآثارتمدن این ملت دربسیاری ازنقاط نموداراست .

« سراوزیل شاین » و « پرفسورهرتسفلد » قطعاتی از ظروف سفالی ظریف که سازشی محکم واستواردارد یافته‌وبدست‌آورده‌اندکه آنان‌بنقوش ورسومی زیبا ازخطوط واشکال هندسی زینت شده بود وعلمای‌آثاری درتعیین زمانی که این‌ظروف در آن ساخته شده اختلاف دارند و شاید بهترین عقیده وآراء ایشان آن باشد که چیزهای نامبرده درهزارسوم یا چهارم پیش ازمیلاد مسیح درست شده .

---

۱ - بموجب اعلامیه دولت شاهنشاهی واژه پرس با ایران تبدیل یافته و بتمام کشور های جهان این نام رسمی اخطار واعلام گردید . (مترجم)

کاوش کاران (حفاران) علاوه براین بنوع دیگری ازظروف آگاهی یافته‌اندکه بیشتردرحدود نهاوند (۲) بدست آمده برای این ظروف ظرافت و زیبائی نوع سابق وخوبی ساخت آن نبوده وبسیاری ازعلمای فنی باستان شناس آنرا باواخرهزارسوم پیش ازمیلاد نسبت میدهند .

کنگره صنایع ایران در لندن سال ۱۹۳۱ باعث شهرت چیزهائی از ظروف و اسلحه وزینت آلات وغیره برنزی گردیدکه در لرستان پیدا شده وباستان شناسان در تاریخ آن اختلاف زیاد نموده‌اند ولی باوجود این بیشترازآنها راجع بهزارسال قبل ازمیلاد است .

بااینکه تاریخ ایران قبل ازقیام کورس (Cyrus) یکرشته افسانه های بهم‌پیچیده و غامض است معذلك آنچه راکه ما میدانیم این است ، در قرن ششم پیش از میلاد درجانب غربی ایران دودسته ازنژادآرین : میدی‌ها درشمال ـ پارتها درجنوب جاو مکان داشته‌اند .

اما میدیها پیش از این درزمانی دور و دراز باین مرز وبوم مهاجرت نموده و آمیزش آنان باآشوربان وبابلیها که‌ساکنین‌قسمت‌جزیره‌وعراق‌بودند عاملی‌بزرك‌وقوی در ترقی و پیشرفت ایشان شده وازاینراه نوشتن آموخته و ازدانش ومدنیت بمقامی بلند وجایگاهی ارجمند رسیدند و‌اولی نکشیدکه بواسطه نیرو واهمیت خود فارس را مطیع خویش کرده وآنرا بدادن باج وخراج مجبوروملزم نمودند .

اگرچه دوره سکونت فارسیها درایران وجاگزیدن آنان دراین حدود تازه‌تر ازدیگران بوده ولی‌باوجود این سستی و ضعف ایشان چندان ادامه ودوام پیدا ننمود زیرا کورس نامبرده توانست که باآنها وحدت کامله داده وبین ایشان طرح یگانگی و اتحاد بریزد سپس اوبا مردم شمال ایران نبرد و کارزار نموده ـ میدی را شکست داد و بر پایتخت آن که اکباتان (همدان) بود مستولی شده آن دو کشوررا یکی گردانید و بعد از آن توانست که در ۵۵۰ قبل ازمیلاد دولت کیانی را تأسیس نماید .

۲ ـ این ظروف مربوط بحفاری است که در تپه زیان (گیان) توسط گریشمان بعمل آمده وگیان یکی ازآبادی های مهم نهاوند است . (مترجم)

دولت کیان

(۵۵۹ ـ ۳۳۱ ق م)

کورس سلطنت خود را ازطرف مشرق تا رود سند امتداد داده بعد ازشکست لیدی ودستگیری (کروسس پادشاه ایشان) آسیای صغیررا بکشور خود ضمیمه نمود پس از آن برکلدانیان غلبه یافت وبابل را فتح نمود (۵۳۹ ق م) بعد از آن جانشینان وی هم مانند اورفتار نمودند .

کامبیز پسر کورس دره۳۰ه قبل ازمیلاد مصررا گرفته وبعد از آن ایران ویونان را بهم پیوست سپس بین ایران و یونان زد و خورد های معروف وفتح وشکست های چندی روی داده وحملات ایران برکشور یونان مکرر گردیدوایران برای یونان دیگر مستعمراتی باقی نگذاشت (۵۰۰ تا ٤۷۹ ق م) .

دولت کیان همواره بر قرار وپایدار بود تا اینکه اسکندر مقدونی پیدا شده بدولت وپادشاهی این دودمان خاتمه داد (۳۳٤ ـ ۳۳۱ ق م) .

آرین ها در ادوار پیشین تجلیات ومظاهر طبیعت را پرستش مینمودند وبوجود نزاع وکشمکش بین قوای مختلفه طبیعت عقیده داشتند تا اینکه درهزار اول قبل از میلاد «زردشت» پیدا شده ونیروی خیررا بخدای یگانه بنام «اهورامزدا» نسبت داد و ازادواح این دو نیرو وحدتی قرار داد که آنرا «اهریمن» است ومیگفت که این دو قوه پیوسته بایکدیگر در کشمکش ونزاع اند آفرینش خوب و با فایده از اهورامزدا و بدایش بدیها و گزندها از اهریمن است . انسان بایدکه روح خیر را کمک و یاری کرده از روح شر پرهیز نماید واز آن دوری کند ونیز بایدکه بروزجزا وپاداش بازپسین عقیده‌مند باشد .

زردشت در آموزش مذهبی خود احترام و ستایشی را که آرین ها از آتش نموده وآنرا مقدس میشمردند تأیید نمود او آتش را نکته و رمز اندیشه و روشنی دانست و افروختن آتش را در آتشکده ها هنگام سوگواری از بزرگترین مظاهر مهمه دیانت خود قرار داد .

اسکندر و جانشینان او

۳۳۰ - ۲۴۸ق

اسکندردولت‌ایران را بهم زده وفتوحات اوراهی‌وسیع‌برای نشرتمدن یونانی در شرق نزدیك وشمال هندوستان باز نمود وبزرگترین چیزی‌راکه او درنظرداشت توحید سلطنت و گماشتن مستشاران دولت بیگانه در شرق و غرب بوده تا اینکه امپراطوری گیتی را تحت قدرت ونفوذ خود درآورده باشد .

اسکندر پس از فتح ایران دختر دارای سوم را ازدواج نمود ، سرداران اوهم از وی پیروی کرده بسیاری ازایشان با بانوان ایرانی زناشوئی نمودند لیکن چیزی نگذشت‌که اجل دست بگریبان او شده و بعد از وی کشور پهناورش ببخشهائی تقسیم‌گردید که امور آنرا سرداران اسکندر اداره مینمودند و یکی از ایشان که سلوکوس نام (Seleucus) داشت‌چیزی‌که قابل ذکرباشد نرسید ولی طولی‌نکشید‌که بین جانشینان اسکندر نزاع درگرفت وسلوکوس بخش‌خود رابانتیوکوس پیوسته از اینراه بر بابل استیلا یافت .

بعد ازآن انتیوکوس خواست‌که تنها وارث اسکندر شود ولیکن سلوکوس بر او غالب شده و سلطنت خودرا بربیشتر قسمت آسیا که از خانواده مقدونی باقی مانده بود امتداد داد وتمدن یونان در دورهٔ حکومت او و جانشینانش درتمام قلمرو خاور میانه وشرق نزدیك منتشر گردید .

پارتها(Les Parthes)

(۲۵۰ ق‌م ۲۲۶ م)

درنیمه قرن سوم قبل از میلاد دستهٔ از آرین‌ها درخراسان سکنی داشتندکه به پارت‌یا پارتیامعروف‌بودند وآنها ازمراکز آسیا بآنجا روی‌آورده وجایگاه گزیدند پادشاه ایشان ارشاکس Arsakes یا ارشاك توانست‌که کشور خود را استقلال دهد .

پارتهاهمواره باجانشینان سلوکوس نزاع بوده تااینکه قسمت غربی ایران وحدود شرقی بلادجزیره را از آنها انتزاع نمودند سپس با رم داخل جنك ونبردشده ارمنستان وقسمت غربی بلاد جزیره را گرفتند ودر دوره مهردادکبیر (۱۷۴-۱۳۶) امپراطوری پارتها بدورترین مرزوحدودخودرسیده وبااینکه آنچه تصورمیرودپارتها ایرانی بوده‌اند معذلك تمدن ایرانی درتمام دورهٔ ایشان جز درطبقات توده ملت کار فرما نبوده وبین درباریها و بزرگان و رجال دولت تمدن یونان چیرگی داشته وانتساب پارتها بکیانیان و الحاق این انتساب آنان دارای اثری زیاد نبوده وآنها را برنك تمدن قوی و مهم یونان که اسکندر وجانشینان آن بایران آورده بودند رنگین بود .

ساسانیان (Les Sassanides)
(۶۴۱ - ۲۲۶)

ساسانیان منتسب بساسان اندکه مردی پیشگو بوده و او را ازکاهنان استخر تصور نموده‌اند واین خاندان علاوه براین نسب خودرا بکیانیان میرسانند .

(در اوایل قرن سوم قبل از میلاد) در ایران چندین خانواده های کوچك حکومت مینمودندکه آنها در برابر پارتها تسلیم بوده و اظهـار فروتنی مینمودند . عرب این دوره را بدوره ملوك‌الطوایفی (فئودالیته) نام نهاده است .

سرسلسله این خانواده های کوچك « بابك » نامی بود که در حدود فارس حکومت داشته سپس پیشرفت کرده ودست اندازی بکشور همسایگان خود نمود و نواده او(اردشیر) توانست که اردوان اشکانی آخرین پادشاه اشکانیان در ایران را شکست داده و بزور و نیرو تخت و تاج اورا گرفته و سلطنت خانواده ساسانیان را تشکیل دهد وآنهاوارث چیزهائی شوندکه ازپارتها بارث ویادگار مانده بود وآن نزاع وکشمکش بین ایران و روم و بیزانطین بوده .

اردشیر باروم درباره ارمنستـان داخل جنگ شده وهمیشه این جنك وجدال بین دودولت امپراطوری بزرك ایران وروم تا دوره انقراض دولت ساسانیان بر قرار بود و گاهگاه فترت هائی کم وکوتاه دراین میانه رخ می‌نمود .

پوشیده نیست که بزرگی‌وشوکت ایران باستان دردوره ساسانیان تجدید شده وکشورایران راهی راکه آنزمان درتمدن جدید وعظمت خود پیمود تنها دردوره این خانواده بوده وشاهان این دودمان قهرمانانی بودندکه از ایران وتمدن‌آن در برابر روم ویونان در مغرب زمین دفاع مینمودند وبرضد قبایل هیاطله (مغول ـ ترك ها) درشرق بودند.

مابین شاهان ساسانی ازهمه مشهورتر(شاپوراول) است‌که باسوریه وشام جنگ نموده وبا رومیها۲٦۰بارنبردکرد ونیروی روم‌را شکستی سخت داد شاپوروالرین‌امپراطور روم را اسیر نموده بایران آورد و ایرانیان یادگاراین حادثه شگفت را باخطوطی برجسته وخوانا روی تخته سنگها برای یادگاری همیشگی و دوام رسم نموده اند.

هم ازایشان «بهرام‌پنجم» است‌که بدستیاری «نعمان» پادشاه حیره بتخت ایران قدم‌نهاده ودرصید وشکاراورا مهارتی‌زیادبود واورا بهرام‌گورلقب داده‌اند(لفظ گورفارسی ومعنی‌آن خروحشی است)بزرگترین سعی وکوشش بهرام‌گورجلوگیری ازقبایلی بودکه بحدود شمال وشرق دولت امپراطوری وی حمله آورده وکشور اورا درآنحدود دچار تهاجم مینمودند.

در۵۳۱ «انوشیروان عادل»که درستایش ونیایش اوشعرای‌عرب شعرهاسروده‌اند به‌تخت‌شاهی ایران‌نشسته: قوانین‌کشوری‌را اصلاح‌ـمالیات را منظم ـامنیت رابرقرار نمود ولشکروی درحدود شرق وغرب فاتح شده سوریه را مطیع‌وفرمانبردار نمودند و اودایره سلطنت خودرا تاکشور یمن وسعت داد.

پرویز دوم سوریه را تا شام ومصر وآسیای صغیرمطیع نموده و نیز توانست‌که تقریباً برقسطنطنیه استیلا یابد ولی هرقل امپراطور روم بهلوگیری آن قیام نموده و نیروی‌ایران دربازد جزیره شکستی بزرگ خورد، در نتیجه آنچه راکه پرویز گرفته بود مسترد گردانید.

از آنجاکه امپراطوری ساسانیان مولود نهضتی میهنی وکشوری و مذهبی بود در دورهٔ سلطنت این خانواده حکومتی ملی و ایرانی در این کشور برقرار گردید و در آن دوره دیانت مقامی اعلی پیدا نمود سلاطین این خاندان توانستند آئین و

ونظامات اداری را که داریوش دردورهٔ کیانیان ترتیب داده بود دوباره بکار برده و اجرا نمایند و اهمیت و احترامات حکومت مرکزی را در نفوس‌حکام وفرمانروایان اقالیم وشهرها جای داده و انتشاردهند ودین زردشت با پایه استوار باین جنبش پاك ونهضت مقدس ارتباط یافته ومذهب رسمی دولت‌گردیده‌ضمناً نفوذ رجال مذهبی‌زیاد شد و این‌کثرت نفوذ تقریباً اسباب خطرانتظامات‌کشور گردید لذا شاهان ساسانی در قرن چهارم میلادی درصدد برآمدندکه این‌قوه‌را جلوگیری‌کنند ولی بعضی ازایشان فدای راه این مساعی شده وجان خودرا درسراینکار دادند اردشیرثانی (۳۷۶-۳۸۳) نیز ازسلطنت خلع گردید .

شاپورسوم (۳۸۳-۳۸۸) ویزدگرد اول(۳۹۹-۴۲۰) وهرمزاول (۲۷۲-۲۷۳) مذهب مانی راکه مذهبی بهم‌آمیخته ومخلوط از دیانت زردشت و مسیحی بود قبول نمود واساس‌آن‌مذهب این‌بودکه دنیا ازدواصل : نور وظلمت پیدا شده بدین‌تفصیل که از نور هرچیز خوب بوجودآمده و از ظلمت هر امرشری پدیدگردیده ولیکن آمیزش خیر و شر در این دنیا شری است که بایستی هرکس از آن رهائی جسته و رستگاری پیدا کند .

مانویت مردم را بزهد و بی میلی بدنیا خوانده ازدواج وزن گرفتن را شتاب زدگی‌بجانب فنا میدانست لذا آنرا حرام‌گردانید، مانویها به پیامبری عیسی وزردشت اعتراف نموده ، عقیده داشتند باینکه مانی پیغمبری است که عیسی بآمدن او مژده داده ولیکن تعلیمات مانویها در ایران پیشرفتی زیاد ننمود و آنان موفقیتی تمام در کیش وآئین‌خود نیافتند وقتی‌که هرمز وفات یافت بهرام اول جانشین او (۲۷۳-۲۷۶) مانی نیزکشته شده پیروان اونیزازهم پاشیده و پراکنده گردیدند .

آخرین تن‌که ازشاهان ایران بکیش زردشت درآمد قباد اول (۴۸۸-۵۳۱) بودکه او آئین مزدك را پیروی نمودواو مردی ثنوی مذهب بوده وبوجود خیروشر اعتقاد داشت لیکن‌مزدك دراثرتعلیمات اشتراکی‌واباحه اموال وزنان ازکیش‌زردشت جدا شده بود وقباد برای‌کم‌کردن نفوذ اشراف ورجال مذهبی ومؤبدها وبرای‌ازبین بردن قدرت ونفوذ ایشان خودرا باین عقیده نسبت داد ولی باوجود این مغلوب شده

واورا ازتخت وتاج بر کنار نمودند. قباد پس از چندی ازروش وطریقه مزدك دست کشیده و دیگربار بر اورنك شاهی برقرارگردید.

تعجب در این است با وجود اینکه در رأس دولت ساسانی خانوادهٔ ای قرار گرفته بودند که مورد تقدیس و تکریم ملت بود و مردم آنان را مانند خدایـان پرستش مینمودند و ازپرتووجود ایشان طبقه اشراف بنفوذ و قدرتی تمام بهره ور و متنعم شده بودند وآنها برسراسر کشور تسلط داشته و مأمورین شایسته کشوری و سرداران بزرك لشگری تربیت نموده و بیرون میدادند رجال مذهبی هم‌به‌تبلیغات و تعلیمات زردشت وترویج آن مواظبت داشته آئین وکیش زردشت را نگهبان وحافظ بودند ودرنظر ایشان چیزی جز دفع و رفع موانع عموم نهضت اصلاحی نبود معذلك مقدمات ووسائل زوال وانقراض ایندولت فراهم آمد.

ازجمله موجبات زوال دولت ساسانیان نزاعی بودکه چند قرن بین ایران‌وروم ادامه داشته ونتیجه آن ضعیف شدن دولت ساسانی درموقع پیدایش وظهوردین مبین اسلام وشروع‌دعوت اسلامی گردید، سستی وضعف‌دولت ساسانیان نیروی ایرانرا از ایستادگی وپافشاری دربرابر نیروی اسلام بازداشته و طوری شد هنگامی که مسلمین شروع بفتوحات مهمه‌نمودند پی‌درپی آنهاضعف‌وناپایداری‌خودراآشکار کرده‌وشکست هاخوردند وطولی‌نکشیدکه نفوذ مسلمین برتمام‌کشورایران امتدادیافت ورشته‌دولت با عظمت ساسانی بکلی از هم گسیخته ومنقرض گردید.

فتوحات اسلامی

قوه ایمانی مسلمین و تعصب اسلامی و رغبت آنها دربسط ونشراین دیانت و اعتقاد ایشان بغنماء وقدرومعرفت آنان ازنعمت و راحت وزیادی ثروت ایران و مصر وشام خلاصه‌موجبات مذکوروغیرآن بزرگترین‌عامل‌پیشرفت وبهترین مشوق مسلمین درفتوحات مهمه ووسیع آن حدود شده‌چنانکه ضعف ملل‌عظیمه هم آنهارا درآنوقت برای پیشرفت‌کار کمك مینمود.

ایران درشرق وروم درشمال ـ کشورایران بدست اعراب سقوط نموده واساساً جزومتصرفات وپیرو اوامر خلفاگردید ، خلفا برای امور کشوری آن از طرف خود ولات وحکامی روانه مینمودند واین ترتیب تااوایل قرن سوم (نهم میلادی) برقراربود .

سیاست بنی امیه وکارهای برجسته ایشان بالابردن شأن عرب ومقام دولت اسلامی بوده ودر دوره آنها دولت اسلام ازتمام جهات صبغه و رنك عربی بخودگرفت و ایران درزمان بنی امیه دورمهمی بازی ننموده وکاری ازپیش نبرد .

پس از آن بنی عباس آمده ودردورهٔ ایشان متدرجاً سلطنت بدست ایرانیان افتاد و و از میان آنها خانواده های جدیدی قیام نمودندولی طولی نکشیدکه عصرطلائی دولت بنی عباس اعلان انقراض وافول خود را داده و آثار تجزیه در ارکان و عناصر دولت اسلامی روی نمود ـ حکام هرجاطمع باستقلال خودبرده ودم ازخودسری زدند وقدیمتراز همه آنها طاهریان واولاد صفاربودندکه برای خود حکومتی نیمه مستقل تشکیل دادند

دودولت
طاهریان ۲۰۵ ـ ۲۵۹ هجری (۸۲۰م ـ ۸۷۲م)
صفاریان ۲۵٤ ـ ۲۹۰ « (۸٦۷م ـ ۹۰۳م)

طاهریان منسوب بطاهربن حسین مشهوربذو الیمینین اندکه یکی از سرداران بزرك مأمون بودهواورا برای ایالت خراسان برگزیده بود، حکومت دردودمان طاهر زیاده ازپنجاه سال دوام یافت تا پسران صفاربکارایشان خاتمه دادند ونخستین کارآنها این بودکه سرسلسله ایشان یعقوب بن لیث صفارکه کاراو روی گری بود عهده دار حکومت سیستان شده وسلطنت او درهرات وفارس امتداد یافت سپس طاهریان را شکست داده ، برخراسان نیزمسلط گردید وخواست تابغداد را بگیرد ـ موفق برادر خلیفه اورا منهزم نموده و یعقوب دره٢٦٥ وفات یافت ـ پس از یعقوب برادرش عمرو لیث جانشین او شد . ولیکن طولی نکشید که ساسانیان دولت صفاری را بهمزده و منقرض نمودند .

دولت سامانی

(۹۹۹-۸۷۴)-۳۸۹-۲۶۱

سامان مردی ایرانی وازاشراف وبزرگان بلخ بودکه درزمان دولت بنی‌عباس قبول اسلام نموده و چهار نفر از نوادگان اودر خدمت مأمون پیدا شده اظهار لیاقت کردند • خلیفه آنها را والی ماوراء النهر فرمود و بهر کدام حکومتی را واگذار کرد •

یکی ازایشان حاکم فراغنه وسمرقند وکاشغرشده ، پسرش توانست که بعد از اواز حدود هند تانزدیکی بغداد را تحت قلمرو خوددر آورد وقدرت خودرا در آنجا بسط وتوسعه دهد .

بخارا دردوره حکومت این خانواده بعلمای بزرك و اساتید متتبع و هوشمند اشتهارزیادیافته وسامانیان برای زنده نمودن ادبیات ایرانی وترویج آداب ورسوم آن بذل مساعی نمودند .

آنها نسب خود را بپهلوان ایرانی «بهرام چوبینه» پیوسته و در زمان ایشان جنبش ملی برای پیشرفت زبان فارسی شروع شد :

رودکی رکن شعرای‌اولیه ایران‌در آنزمان ظهوریافت . دقیقی نیز برای‌امیرنوح پسر نصر سامانی منظومهٔ مفصلی ساخته‌که در آن گزارش وحوادث ایران رادرزمان یکی ازپادشاهان بطور افسانه حکایت مینمود .

فردوسی‌این منظومه را درشاهنامه خود داخل نموده واین‌شاعر بزرك باافتخار زندگانی ادبی خودرا درخدمت شاهان سامانی شروع نمود .

پسران بویه

(۱۰۵۶-۹۴۴)-۴۴۸-۴۲۰

موقعی که سامانیان درخاور ایران حکومت داشتند درقسمت باختراین کشور

پسران بویه پیدا شدند که مدعی بودند آنها ازنسل و خانواده ساسانیانند .

بویه رئیس قبیله بزرگی بودکه درحدود بحرخزرسکنی‌داشته و تابع سامانیان بودند .

علی پسر بویه ابتدا برای مرداویج که از آل زیار بود خراج‌گذ رشده وطولی نکشید که او ازدیلم سپاهی بدور خود جمع نمود ونفوذ خویش‌را بکمك ودستیاری برادران خویش درجنوب ایران برقرار داشت و طوری شدکه خلیفه ناچارگردید ، در ولایاتیکه آنها گرفته بودند حکومت ایشان را تصدیق واعتراف نماید و بدین ترتیب سلطنت آل‌بویه درجنوب ایران برقرارشد سپس نفوذ ایشان توسعه پیدا نموده تا بغداد امتداد یافت ودر۳۲٤(۹٤۷) آنها داخل بغداد شدند ، خلیفه بیکی ازایشان لقب امیرالامرائی داده و برای‌آل بویه درامورودولت و در بارخلافت جایگاه ومقامی عالی فراهم‌آمد

مشهورترازهمگی آل‌بویه «عضدالدوله» است (۳۳۸ر۳۷۲) که دائره تجارت را توسعه داده و بپاسداری و توجه علوم و فنون معروف گردیده و دانش و هنر را تعمیم نمود .

دولت غزنویها

(۳۵۱-۵۸۲ھ) ۹۶۲-۱۱۸۶

در این بین ترکها در امپراطوری بزرك اسلامی دست بکارزده و دور مهمی را بازی‌نمودند نفوذ ترکها از زمانی شروع شدکه خلفای بنی عباس و سلاطین خاندان ایرانی غلامان ترك را در دربار خود بخدمت گماشته و از ایشان سپاهیان مزدور و جیره خوارگرفتند ونیز سقوط دولت سامانی در اواخر قرن چهارم هجری اجازه داد که سیادت وفرمانروائی کشور ایران ازایرانیان بترکهای آسیای مرکزی انتقال یابد و ایران تا قرن دهم حکومت خود را از ترکها یا مغول قرار دهد ولی با وجود این عناصرترك بین‌ایرانیان مستهلك شده رنك ایرانی بخودگرفت بطوریکه‌آنها خود را بصبغهٔ ایرانی جلوه میدادند تابجائی که میتوان گفت خانواده‌هائیکه پی‌درپی برتخت

سلطنت ایران قرار گرفته‌اند (ازقرن دهم تا قرن بیستم) حکومت ملی ایرانی بوده و آنها را بهمین واسطه‌جزء دول ایرانی بشمار آورده‌اند وبا این‌وصف اعم اینکه اصل ایشان ازترك یا ایرانی بوده باشد آنها بسلاطین ایران اشتهار یافته اند.

اولین‌دولت ترك که درایران حکومت نموده غزنویانند وعلت‌پیدایش‌حکومت آنها این بود که غلامی ترك موسوم بالبتکین در خدمت عبدالملك سامانی ترقی و پیشرفت نموده وبعد از وفات او بکوههای افغانستان پناه برده از سلطنت سامانیان سرپیچید و طولی نکشید که غزنویها حکومت کوچکی در غزنین افغانستان تشکیل دادند ولیکن‌مؤسس‌حقیقی‌خانواده غزنوی‌داماد وی سبکتکین است که خلیفه‌حکومت اورا تصدیق نمود و او بعنوان جهاد به پنجاب رفته بنای جهادگذارد، پسرش محمود بعد از او فرصت‌یافته‌دولت سامانی‌را منحل نمود و خراسان‌را ضمیمه متصرفات خود کرده، عراق عجم وگرگان را نیز ازآل بویه انتزاع نمود و سپاهیان او در پنجاب پیشرفتی زیادکردند ودین اسلام را بهند بردو کشوراو ازطرفی‌تا حدود لاهورکشیده شده وازجهت دیگرازسمرقند تا اصفهان را نیز بتصرف خود درآورد.

سلطان محمود اگرچه سنی متعصب بوده و جماعت معتزله را اذیت و آزار مینمود ومؤلفات علمای معتزله را میسوزانید ولی باوجود این دولت ایران در دوره سلطنت او باوج عزت رسیده و در باروی همواره جایگاه شعرای فارسی زبان بود. «فردوسی» کتاب‌شاهنامه بزرگترین تاریخ افسانه ایران‌را برای سلطان محمودبرشته نظم درآورده وتقدیم او نمود.

سلاجقه

(۴۲۹ - ۷۰۰ھ) - (۱۰۴۷ - ۱۳۰۰)

گفته شدکه دولت خلفای عباسی ازآغاز قرن دهم میلادی چگونه رو بضعف نهاده و طوری بود که نفوذ ایشان از حدود عراق تجاوز نمینمود و چگونه غلامان جیره‌خوار ترك درخدمت خلفا فزونی یافته وبتدریج قدرت سیاسی را ازآنها گرفته و نفوذ ملی ترکها درتمام حدود ونواحی سلطنت امپراطوری اسلامی زیادگردید.

سلاجقه که باین اسم شناخته شده‌اند نسب ایشان بسلجوق میرسدکه زعیم و

قائداین طایفه ورئیس قبیله ترکمان حدود ماوراءالنهر بوده واوتوانسته‌که نفوذ خود را برخراسان برقرار دارد و بعد از وی قوه سلاجقه زیاد گردیدتا اینکه طغرل بیك نواده سلجوق بر ولایات غزنویان استیلا یافته سپس بجـانب بغداد شتافت و در ٤٤٧ (۱۰۵۵م) ببغدادورود نموده وبحکومت شیعی آل بویه خاتمه داد .

خلیفه وقت هم رشته امور سیاسی وکشور داری رابعهده او واگذاشته وبدین طریق سلاجقه نفوذ خود را زیاد نموده دارای حکومت ایران و عراق وآسیای صغیر وشام گردیدند .

در دورهٔ سلطنت الب‌ارسلان‌که جانشین طغرل بیك بود سلاجقه در ملاذگرد بدولت بیزانطین شکستی سخت‌داده (٤٦٤)ـ(۱۰۷۱) ارمنستان را بتصرف خود در آوردند وجلوایشان برای حمله بردن بآسیای صغیر وتهدید قسطنطنیه بازگردید .

دولت سلاجقه در زمان ملکشاه و وزیر او نظام‌الملك‌که آندو اهتمامی زیاد برعیت پروری و دادگستری و احترام و مهربانی بعلما و شعرا داشتند باوج عزت و کمال رسید ودردوره این شاه ووزیرمدارس ودانشگاهها و مؤسسات دانشی متعددی پیدا شده و نظام‌الملك از اینگونه بنگاهها در چندین جا بنا وتأسیس نمود .

وقتی‌که ملکشاه وفات یافت (٤٨٥ـ۱۰۹۲) دولت او ضعیف شده و متصرفات وی مابین پسران وخویشان اوکه مشاغل حکومتی داشته وعنوان أتابیکان بر ایشان اطلاق میشد تقسیم گردید .

با این وصف جای تردید نیست تمام مدتی راکه سلاجقه ازآغاز دخول‌ایشان ببغداد تا زمان‌وفات سلطان سنجر(۵۵۲ هـ ـ (۱۰۵۷ م) درایران حکومت نموده‌اند ازخجسته ترین زمانها وبرجسته ترین دوره وعصرترقی فنون و هنرایرانی بوده و از اشخاص نامی وبرگزیده دورهٔ سلاجقه :

امام محمد غزالی ـ حکیم عمرخیام ـ دونفرحکیم مشهور وفیلسوف دانشمندان معروف میباشند .

دولت خوارزمشاهیان

(۴۷۰-۶۱۷) - (۱۰۷۷-۱۲۲۰)

در آغاز کار این خانواده - انوشتکین که از طرف ملکشاه سلجوقی عامل خوارزم بود وفات نمود و پسرش جانشین او گردید او خواست که با سلاجقه بمخالفت قیام کند .

سلطان سنجر اورا از خوارزم رانده ومتواری نمود ولیکن دیگر بار که بایران بازگشت کرد او وجانشینان وی نفوذ خودرا درایران فزونی داده سپس بمذهب شیعه در آمد و آنان قصد داشتند که بخلافت بنی عباس خاتمه دهند ولی چنگیزخان با سپاهیان مغول مزاحم احوال ایشان شده نگذاشتند که حکومت خودرا ادامه بدهند .

در دوره حکومت این خانواده نیز بسیاری از ادبای فارسی زبان و شعرای ایرانی مانند نظامی وشیخ عطار ودیگران بظهور رسیدند .

مغول‌ها

(۶۵۶ - ۷۴۶ ه (۱۲۵۸ - ۱۳۳۶ م)

دستهٔ ازمغول بامر وفرمان چنگیزخان قسمت ماوراء النهر و بلاد شرقی ایران را در۶۱۸ هجری (۱۲۲۱م) بتصرف خود درآورده ومغولها به هر نقطهٔ از نقاط که میرسیدند آنجارا خراب وویران مینمودند وفتنه مغول بزرگترین بلای ناگهانی است که در تاریخ ایران بروز نموده واین کشوررا کاملا بجانب خرابی وویرانی کشانید .

ما بین مغول کسی که قدم ایشان را درکشور ایران استوار نمود هلاکو خان بوده که درنیمه قرن ۷ هجری (۱۳ میلادی) ازطرف برادر بزرگتر خود در این کشور حکمرانی مینمود و در۶۵۶ ببغداد استیلا یافته مستعصم خلیفهٔ عباسی را بقتل رسانید و دراین کشور بنا و تشکیل خانواده‌ای داد که تا سال ۷۳۶ حکومت مینمودند و آن خانواده ایلخانی ومغول است .

اصطکاك مغول باافرادملت ایرانی سبب تهذیب اخلاق ایشان‌شده ووضع اداری وآمیزش آنها بعدازهلاکوخان‌دارای یك‌سلسله متانت‌ورشد وپیشرفت گردید وطولی نکشیدکه مغول دین اسلام را قبول نموده و زیاد حریص بودندکه خودرا بعموزاده های خود مغولهای بودائی چین اتصال و ارتباط دهند و بدین جهت دوره حکومت این خانواده درایران نسبت بفنون وهنروزندگانی اجتماعی وتربیتی ازدیگر دوره ها امتیاز یافته

موفقیت وپیشرفت‌اصول‌ملوك‌الطوایفی درایران موجب انقراض‌دولت‌جانشینان هلاکو شد و دولت مغول پس از پنجاه سال حکومت و فرمانروائی سقوط نموده و بدولتهای‌کوچك محلی چندی تقسیم گردید ماند :

دولت آل مظفر درفارس‌وکرمان (۷۱۳-۷۹۵)-(۱۳۱۳-۱۳۹۳) ودولت‌کرت درهرات ودولت‌جلایردرعراق وغیره‌ازدولی‌است‌که تا ظهورتیمورلنك دوام نموده و فتوحات امیرتیمور درآخر قرن هشتم هجری (۱٤ میلادی) بتمامی‌آنان خاتمه داد .

تیمورلنك و جانشینان او

۷۷۱-۹۰۶(۱۳۶۹-۱۵۰۰)

تیمورلنك در بلاد ماوراءالنهرسال(۷۳٦-۱۳۳۵)متولدشده واوازخانواده‌اصیل ترك وازبزرك زادگان ترکستان است .

تیمورموقعی که نفوذ خودرا درمیهن خویش برقراروپایدارنمود ازآنجا بجانب ایران حرکت‌کرده حکامی‌راکه دراین‌کشور بطرز ملوك‌الطوایفی‌حکومت مینمودند بهم زده وهمه را تحت یك‌سلطنت درآورد سپس بجانب روسیه رهسپارشده تامسکو پیشرفت نمود پس‌ازآن بهند حمله‌کرده وفتوحات خودرا درآنجا ادامه داد تا اینکه دهلی را در۸۰۱ هجری (۱۳۹۸) بتصرف خود درآورد وطولی نکشید که در حدود آنقره (آنکارا) هم بایزید سلطان عثمانی شکستی فاحش داد (۸۰٤هجری-۱٤۰۲)

تیمورلنك درفتوحات خود خرابی‌ها زده و در بیرحمی و وحشیگری خودرا بمنتهی‌درجه رسانیده بود ولیکن‌اگرکه شیراز ودهلی ودمشق وبغدادرا خراب‌نمود

این‌عمل او برای آن بود که پایتخت خود جلوه و شکوه و عظمت وجلال داده باشد چنانکه امروزه مقبره و آرامگاه او که یکی ازعجایب فنی معماری دوره اسلامی‌است درسمرقند برپا است ومورد توجه عموم مردم دنیا میباشد.

بعد از وفات تیمور در ۸۰۷ـ۱۴۰۵ بین ورثه اونزاع درگرفته و در آخرکار چهارمین پسراو (شاهرخ) توانست که خویشان‌ونزدیکان خود را وادارکند تاحکومت ویرا تصدیق نمایند واو بدین‌طریق بتخت ایران برقرارگردید سپس بلاد ماوراءالنهر را نیز بتصرف خود درآورده ، هرات را پای تخت خویش قرار داد و عده زیادی از شعرا وهنروران را بهرات‌کشانیده ادب وهنردردوره اووجانشینانش رونق وشکوهی تمام یافت.

دولت صفویه

(۹۰۷ـ۱۱۴۸ـ(۱۵۰۲ ۱۷۳۶)

سلاطین صفویه به « شیخ صفی‌الدین »منسوب اندکه یکی‌ازاولیاء و مرشدان اردبیل بوده وشاه اسمعیل نواده او بعدها دارای قدرت و نیروشده خانواده ترکمان راکه درمغرب ایران حکومت داشتند « آق‌قوینلو وقراقوینلو» شکست‌داده ومنقرض گردانید ودرسال (۹۰۷ (۱۵۰۲) خانواده ابرا تأسیس نمودکه ازآن تاریخ تا۱۱۴۸ هجری (۱۷۳۶ م) درایران حکومت وسلطنت داشتند.

نسب صفویه بحضرت علی‌بن‌ابیطالب‌علیه السلام پیوسته ومذهب‌شیعی درزمان سلطنت ودوره حکومت این خانواده «مذهب رسمی کشور پهناور ایران گردید.

عثمانیان که پهلوانان ترك نژاد بوده و پیروی از مذهب تسنن مینمودند نمی گذاشتندکه کلمهٔ آنان یکی شده و نفوذشان زیاد گردد لذا ازآن ببعد اختلاف و کشمکشی طولانی وشدید بین این دوفرقه پدیدارگردید.

سلطان سلیم در ۹۲۰ (۱۵۱٤) بانیروی زیاد خود بجانب تبریز پایتخت شاه اسمعیل آمده سپاه ایرانرا شکستی سخت داد ودراثرآن‌قوای عثمانی بقسمت غربی دولت امپراطوری صفویه مسلط‌گردیدند ـ بدترازهمه آنکه قبایل ترکمان نیزهمواره

درقسمت شرقی‌ایران بجنك وجدال‌ودست اندازی بآنحدودمشغول‌بودند شاه‌طهماسب (۹۳۰ـ۹۸۴ هجری) دردوره سلطنت خود همواره با ایندو خطربزرك مواجه بود.

عصرطلائی‌خاندان صفویه دوره سلطنت (شاه عباس‌کبیر) است(۹۹۵ـ۱۰۳۸ه) زمانی‌که شاه عباس بتخت سلطنت نشست ایران ازهرطرف دچارمخاطرات شده بود چنانکه ترکمانان و ازبك حدود شرقی شمالی را تهدید نموده و ترکها بآذربایجان استیلا یافته بودند شاه عباس توانست‌که دوباره‌کشور از دست رفته رابخودبرگرداند لذا فتوحات خویش را ادامه داد و ترکها را هم از بغداد رانده آنجا را تصرف نمود (۱۰۳۲ـ۱۶۲۳) سپس بواسطه ایجاد روابط حسنه بین خود و دول اروپا ترکها را دچار مضیقه‌گردانیده ، در اثراین ارتباط نظاماتی جدید در امورکشوری و لشکری برقرار نمود.

ازمهمترین حوادث‌سلطنت شاه عباس انتقال پایتخت او باصفهان بود که دراثر آن شهر مزبور را زیب و شکوه داده ابنیه عالی و مساجد و معابد وکاخهای دلگشا درآنجا بنانمود وراه آمدوشد را بجانب این‌شهرزیبا از هرطرف وهرجا بازگردانیده اروپائیان از دول و ملل مختلفه باصفهان آمدند عظمت و جلال پایتخت وکشور شاهنشاهی را دیده وگزارش آنرا بمورد نگارش‌آوردندوازآن شرح ووصف‌نمودند

جانشینان شاه عباس بااینکه روش‌خودسری راگزیده وبخوشی ونشاط‌سرگرم گردیدند معذلك‌سیاست‌شاه‌را پیروی نمودندآنهااگرچه نتوانستند ازبغدادنگهداری کنند ودولت عثمانی آنرا بخود برگردانید : ولی‌شهرهای‌دیگراین کشوررانگاهداری نمودند وازشاه عباس درطرفداری ازارباب هنر وتشویق کارگران وترویج پیشه وهنر تقلید نموده ودرطرح روابط حسنه بادول اروپا اهتمام زیاد بخرج دادند.

دراواخرعوامل ضعف‌بدولت صفویه راه یافته وموجبات انقراض درآن رخنه نمود تاینکه افاغنه دردوره سلطنت شاه سلطان‌حسین بمرز ایران تاخت‌وتاز آوردند (۱۱۰۵ـ۱۱۳۵)

افاغنه درآنوقت تابع ایران بودند شکست سپاهیان‌شاه سلطان‌حسین‌ازایشان (۱۱۳۵ـ۱۷۲۲) واستیلاء آنها براصفهان سقوط دولت صفویه و انقراض آنرا اعلام

نمود ـ اگرچه بعضی ازافراد اینخانواده در مازندران وقزوین وغیران تا چند سال دیگرحکومت مینمودند معذلك دیگر دولت ایشان نضج و دوامی نیافته و مضمحل گردیدند .

نادرشاه

جنك افاغنه با ایران ومداخله آنان پیوسته ببروز وظهور یکنوع هرج و مرج وخودسری دراین کشور گردیده دراثر آنیگانهسردارتواناوقائد نیرومند افشارنادرقلی (نادرشاه) عزم خودرا برطرد ودفع افاغنه واخراج آنان واستقرار تخت وتاج صفویه آشکارساخته ولیکن طولی نکشیدکه اوآخرین شاه صفوی را از سلطنت انداخته و و تخت و تاج اورا بتصرف خود درآورد (۱۱٤۸ـ۱۷۳٦) سپسشخصاً در رأس سپاه خویش قرارگرفته افغانها را مطیع وفرمانبردار نمود پس ازآن بهند لشکر کشیده تا دهلیرفت وبآنجا مسلط شد وجواهربسیاری ازهند بعنوانغنیمتجنکی بایران آورد ولی حکومت اوچندان دوام نیاورده وخاتمه پیدا نمود واین کشور بعد ازقتل او در (۱۱٦۰ـ۱۷٤۷) دوباره دچارفتنه وآشوب وانقلاب و خودسری عجیب گردید .

زندیه

(۱۱٦۴ـ۱۲۰۹) (۱۷۵۰ـ۱۷۹۴)

ایران دردوره جانشینان نادرشاه بدولت های کوچك چندی قسمت شده ولی طولی نکشید که «کریمخان زند» سلطنت خود را بر تمام نواحی ایران جز ایالت خراسان بسط داد ودرآنجاآخرین جانشین نادرشاه (نادر میرزا) حکومت مینمود .

قاجاریه

(۱۱۹۳ـ۱۳۴۵)(۱۷۷۹ـ۱۹۲٦)

بعدازوفات کریمخان وکیل اختلاف زیادی ، بینجانشینان او وآقا محمد خان که از قبائل ترك قاجار بود روی نمود ـ آقا محمد خان توانست که سلسله جدیدی تشکیل داده وتهران را پایتخت خود قراد دهد .

در دوره سلطنت این خانواده روسها ایران را تهدید نموده وقسمتی از نواحی

دوردست وسرحدی آنرا بزور گرفتند وبعدها دول‌دیگراروپائی درصدد بر آمدندکه این کشوررا بمناطق نفوذخود تقسیم‌کنندولیکن دراین بین جنك‌بین‌المللی‌پیش آمد نمود ودرایران مانند دیگرجا این جنك عالمگیر مشکلاتی را بوجودآورد و نتیجه بحران منتهی بظهور قائدی توانا برای آرامش و توحید این کشور و جنبش جدید آن گردید.

اعلیحضرت رضا شاه پهلوی

۱۹۴۶-۱۳۴۵

شاهنشاه فقید ایران‌که اصلش ازخوانین مازندران است برای‌نجات‌این کشور قیام نمونه ومجلس شوری ایران سلطنت او وخانواده‌اش را تصویب کرد در دوره سلطنت وزمامداری این‌شاهنشاه برای‌کشورایران نهضتی بزرك پیش‌آمد نمود و این کشورداخل نظامات سیاستی جدیدگردیده و دانشجویانی زیاد باروپا فرستاد ایران درجامعه ملل داخل واین‌کشوردارای بسیاری ازمؤسسات وبنگاههای علمی وصنعتی وکارخانه‌های زیاد شده ولوازم بسیاری ازتمدن جدید درآن پدیدارگردید، بودجه درآمد وهزینه او باعلی مدارج کمال رسیده روابط خارجی وانتظامات و آرامش داخلی آن خاطرتمام جهانیان را بخویشتن متوجه‌گردانید.

فصل اول

پیدایش نقاشی ایرانی

برای نقوش وصور ایرانی نوعی زیبائی و فریبندگی است که بمحض دیدن در سویدای دل جاگزیده وشخص را ازآن شگفت وحیرتی زیاد فراهم میشود وهرگاه که گوشهٔ ازاین هنررا گرفته و نمونهٔ ازاین فن را با شاهکارهای فنی سرآمدان هنرغرب وآنان که بطریق ایشان رفته و بروش آنها کار نموده‌اند برابری دهند ونواقصی راکه ازمزایا دربردارد ملاحظه کنند ممکن است بآسانی ارزش وبهای صورتگری ونقاشی ایرانی دربرابرهنروفن اروپائیان بواسطه آشکارشدن بعضی ازعیوب یا نقص قسمتی از مزایا وامتیاز ظاهر گردد ولیکن این مغالطه و اختلاط چندان مورد نظر نبوده و داعی انتقاد نخواهد داشت.

هم دراین‌فن پارهٔ ازاوصاف است که نبایستی آنان را درنظر گرفت و درباره آن دقیق‌شد زیرا با لحاظ اوصاف مذکورممکن‌است که چنین فنی‌راه فنا وزوال را پیموده وازمیانه بدرود نماید ولی‌تنها چیزی که‌انکارآنرا نمیتوان‌نمود این‌است که چهره کشی ونقاشی‌ایرانی درمورد خود منفرد ویگانه بوده وبیننده را نوعی تأثرات روحی‌والهام وخوشی وشادمانی قلبی میبخشد که جنین وحي و تأثیر وجلب توجه برای غیرآن از فنون هنروران دیگر نیست.

تصاویر ایرانی نخستین بارخسته‌کننده بنظرآمده و دیده از دیدن رنگهای تند وزننده الوان وتابان ودرخشان آن زده وخسته خواهدشد وگاهی‌هم این صورونقوش مشابهت زیادی را بیکدیگر نشان داده یا مکررات است و این ترتیب نظر بتقلیدات وصبغه ایست که اهل‌فن وهنر در هردوره بآن احترام‌گذاشته و درپیروی وتعقیب آن اشتراك نموده‌اند ولی درحقیقت‌کمال هنرایشان دربکاربردن این اوصاف است.

اوصاف ملحوظ ازقبیل نداشتن سایه وکشیدن چهره و سیمای اشخاص بوضع

واشکال بی‌تناسب است و گاهی این‌صور روح وحرکت ونکات ودقایق بیان وتعبیررا ناقص گذاشته ومطابقه‌نمودن آن باحقیقت وواقع دورازقاعده بوده ومشکل است واین اختلاف وعدم تناسب بواسطه اندك تفاوتی است که بین البسه وپوشش دوجنس حاصل میشود ولیکن اوصاف وخصایص مذکوراز جمله خواص ومزایائی است که دردنیای هنروفنون خود را مستقل و اصلی خاص معرفی نموده و هیچ مدعی و منازعی را مجال نزاع و اختلاف در آن نخواهد بود .

دانش ومعلومات ما راجع بنقاشی و صورت‌کشی ایرانی پیش از اسلام همیشه مجهول بوده واگراخیراً هیئت آثاری : آلمانی۔ انگلیسی وفرانسوی درایران و آسیای مرکزی و افغانستان و شمال هندوستان هم بقسمتی ازاین فنون اطلاع یافته و تاحدی ازآن بهره و نتیجه گرفته اند باوجود این باز معلومات ما ناتمام و ناقص مانده است .

مانی نقاش

مدارك تاریخی و ادبی بما نشان میدهد مانی نقاش ایرانی‌که در حدود قرن سوم میلادی زندگانی مینموده ومؤسس مذهبی است که باو نسبت میدهند این مرد نقاشی زبردست وتوانا بوده ودستورات اواشاره بزینت وآرایش کتب مذهبی بصوری کوچك مینموده وآنانرا از بهترین وسائل جهت معجزه وامر پیغمبری و نشر دعوت خود میدانسته .

صدق وصحت این معلومات بواسطه اکتشاف دونفر آلمانی :

فون لوکوك (Von le Coq) وگرینویدل(Grünwedel)صور نقاشی های ترفان (صحرای‌کبی از نواحی ترکستان چین) که مابین سنوات ۱٤۲ و ۲۲٦ هجری (۷٦۰ـ۸٤۰) کشیده شده ثابت‌خواهدشدکه آنجا مقرحکومت نژادترك مانوی‌مذهب ومرکزامپراطوری ایغور (Uigur) بوده (۱)

مهمترین چیزی‌که این دو استاد درموقع کاوش آنجا بدست آورده‌اند اکنون درموزه آثاربین‌المللی برلن موجود است واکتشافات ایشان شامل تصاویری‌است‌که

۱ – مراجعه شود به Arnold : Painting in Islam, ص ٦۱ – ٦۲ و Vonle Coq:Auf Hellas Spuren in Ostturkestan

بر دیوارها بوده و نقوش و صور ایرانی است که تردیدی در صحت آن نمیرود و در بعضی از آنان نقشه ها و رسومی بشکل شاخه‌های درخت کشیده شده و آرایش و تزیینانی است که بدوره مغول ارتباط دارد.

و نیز در آنجا صفحاتی دیده میشود که این دو استاد در قزیل (Qizil) نزدیکی کوتشا کشف نموده اند و بر آنها صور اشخاصی ترسیم شده که از آنان ارتباطی تمام بین این صنعت و بین آنچه که در ایران بعد از سلام بوجود آمده آشکار میشود(۱) و نیز در موزه مذکور نتیجه اکتشافات هیئت آثاری افغانستان است که بر معلومات ما در اینباب میافزاید و در نقوشیکه بر تخته‌سنگهای بامیان (Bamiyan) ترسیم شده و آثاری که استاد گدار (A. Godard) و خانم ه. سرار بدان آگاهی یافته و وارسی نموده‌اند عناصر هندی و یونانی قدیم دیده میشود ولیکن در آنها نیز آثار عناصر دوره ساسانی و صور بعضی از سلاطین آشکار او نمودار است و ما از دیدن همه آنان معلوم میداریم که تمدن ایرانی نفوذ خود را تا اواسط خاك آسیا برده و بآنحدود کشانیده بود و اثر آن در مرز و بوم مذکور تا چندین قرن بعد از انقراض ساسانیان هنوز هویدا و آشکار است.

اسلام

فتوحات مسلمین پی در پی دنباله یافته و ایران نیز جزئی از اجزاء دولت باعظمت امپراطوری اسلامی شد و دین اسلام در آن انتشار و رواج یافته، مسلمین زبان عربی را زبان علم و ادب و لسان مذهبی و دیانتی این کشور نمودند ولی چیزی که بود ایرانیان مانند ملل دیگری که مسلمین بر آن غلبه یافته در وجود فاتحین خود تأثیر نمودند و آنها بزرگترین دستیار و کمك کار ایشان در پیدایش هنر و فنون اسلامی شدند که اسلام آنرا در دین خود نقش زده و شخصیت آشکار و هویدای ایشان بدان جلوه و ظهور یافته و این فنون و هنر بنام آنها تمام شد و در حقیقت اساس و پایه این تمدن بزرك همان مدنیت ایران و روم و کلده و آشور و مصر بوده.

این موضوع مسلم است که بیشتر اعراب در دوره جاهلیت بیابان نشین بودند و

۱- مراجعه به Waldschmidt:Gandhara, kutscha, Turfan, Eine Einführnug in die frühmittelalterliche Kunst Zentralasients ص ۷۸ و مابعد آن

مابین ایشان تهدنی وجود نداشته و بدویت بالطبع دائره وسیع و نعمت و راحت زیادی را دارا نبوده تا در آن هنر و فنونی بروز و ظهور نماید. ولی باتمام این احوال نمیتوان انکار نمود که عربها در دوره جاهلیت صوری کشیده و مجسمه هائی ساخته و هیاکلی از چوب میتراشیدند تا آنهارا خدایان خود قرار دهند پس از آنکه حضرت ختمی مرتبت (ص) درمیان ایشان به پیغمبری برانگیخته و مبعوث شد آن حضرت اعراب را از تراشیدن هیاکل و کشیدن تصاویر جلوگیری و نهی فرموده و میخواست بدین وسیله تمایل آنانرا از اسباب و وسایلی که مردمرا جانب بت پرستی میکشانید انحراف دهد و ایشان را از هرچیزکه پرستش بتها نزدیك میکند دور نموده باشد (۱)

خاورشناسان (مستشرقین) مطالب زیادی درباره حرمت نقاشی و چهره کشی در اسلام نگاشته و بعضی از ایشان چنین اندیشیده اندکه قرآن مجید کشیدن صور و ساختن مجسمه را حرام فرموده و این خیالی باطل است و اساسی نداردزیراکه تصریحی در قرآن براین موضوع نشده .

دیگران گویند که حدیث و خبر آنرا حرام نموده و این قولی درست و صحیح است و هم گویند که شیعه حدیث حرمت تصویررا تثبیت نمیکنند و از اینراه جلوه و ظهور صنعت نقاشی را درایران دلیل آورده اندکه دراین سرزمین مذهب تشیع رایج و شایع است (۲) درصورتیکه این موضوع دچار مغالطه واشتباه شده : زیراکه مجسمه سازی وصورت کشی همانطور که نزد علمای اهل سنت مکروه است بدینگونه هم این عمل نزد علمای شیعه کراهت دارد اگرچه فرق شیعه بکتب خبری که نزد اهل سنت است اعتراف نمی نمایند زیراکه آنها خود دارای کتبی مخصوص اند که شامل اعتقاد و تصدیق شیعه بوده واز احادیث صحیحه نبوی علیه الصلواة والسلام میباشد و درکتب مزبوره حدیث واخباری درباره نهی صورت کشی و نقاشی و بیم دادن صورتگران وجود دارد که بزودی در روز جزا و هنگام پاداش اعمال آنهارا وادار مینمایندکه در صورتهای

---

۱ ــ مراجعه شود بکتاب الفن الاسلامی فی مصر دکتر زکی محمد حسن ج ۱ ص ۱۱ و ما بعد آن و کتاب الاسلام والحضارة العربیه استاد محمد کردعلی از ص ۱۰۵ تا ۱۱۰

۲ ــ مراجعه شود به E. Kuhnel : Islamische Kleinkunst ص ٤

ساخته خود جان بدهند درصورتی که دمیدن جان ازعهده ایشان برنیاید . (۱)

جای تردید نیست جدائی و اختلاف بین مسلمین درآنجاکه از مجسمه سازی و صورت کشی وجود دارد مربوط باین است که کشور ایران چنانچه دانسته شده بزرگترین محل وفراخترین میدان جهت فن تصویر اسلامی بوده و نیز چنین شناخته شده که دولت ایران دولتی شیعی مذهب است ولیکن خاورشناسانی که گمان نموده‌اند شیعه صورت کشی و نقاشی را منع نمیکند درعین حال این نکته را فراموش مینمایند که مذهب شیعه جز از اوایل قرن شانزدهم میلادی بعد مذهب رسمی ایران نبوده وآن وقتی است که سلسلهٔ صفویه صاحب تخت وتاج شدند و هم آنها فراموش میکنند صورت کشی راکه اسلام مکروه دانسته عربها درآن زحمت ومشقت زیادی نکشیده اند زیراکه آنها استاد این کار واهل این هنر نبودند بالعکس ایرانیان که میل وذوق این هنررا از نیاکان وگذشتگان خودبارث برده‌وقریحه استعداد این‌هنر بمانند دیگر نژادسامی جزءطبیعت وقریحه ذاتی ایرانیان بوده‌اذاصرف نظرازاین کراهت ونهی‌بایستی که ایرانیان‌را درداشتن این هنر بدیگران سبقت داد معذالك صورت کشان ونقاشان درنزد علما و رجال مذهبی در ایران ناپسند آمده وعمل ایشان را جایز نمی‌شمارند .

علاوه براین درتاریخ هنروفنون اسلامی سلاطین وامرائی وجود داشته که از بزرگترین‌طرفداران ومروجین‌فن‌نقاشی وکمك‌کاران آن‌شمرده شده‌اند درصورتیکه ایشان پیرو مذهب شیعه نبوده وکاری باین مذهب نداشته‌اند .

خلیفه اموی که کاخ کوچك عمرارا در بیابان شام بنا نموده دیوار های کاخ را زینت کرده وسقف آنرابانقوش وتصاویری زیباودلکش‌منقش(۲)ساخته وخلفای عباسی که کاخهای‌خودرادرسامرا(سرمن رای)بنقش‌ونکارهای‌رنگارنك آرایش‌نموده‌اند(۳) وشاهان ایران از خانواده امیر تیمورکورکان که فن نقاشی در دوره ایشان رونق و شکوهی تمام پیدا نموده و در تحت سرپرستی و رعایت ایشان « بهزاد » بزرگترین

۱ـ مراجعه شود به فصل اول Arnold: Painting in Islam که آن بهترین چیزی است که در این موضوع نوشته شده

۲ـ مراجعه شود بفصلی که استاد کریزول Creswell برای‌سخن رانی درباره‌این قصردر کتاب خودش Early Muslim Architecture ترتیب داده

۳ـ مراجعه شود به Herzfeld : Die Malereien von Samarra

نقاش ایران بوجود آمده و نیز سلاطین مغول درهندوستان و آل عثمان در ترکیه تمامی آنان پیرو مذهب تسنن بوده اند .

نهایت گفتار آنکه مسلمانان ازشیعه وسنی بر کراهت مجسمه سازی وکشیدن صور جاندار (ذی روح) اجماع و اتفاق دارند بواسطه آنکه در ایندو تقلید ازکار خدای آفریدگار عزوجل میباشد وهم برای آنچه که از حدیث رسیده :

« ان الملائکة لایدخلون بیتاً فیه کلب ولاتصاویر » فرشته داخل خانه ایکه در آن سك وتصاویر است نمیشوند .

« ان اشدالناس عذاباً عندالله یوم القیمة المصوررون » (بتحقیق کسانیکه عذاب ایشان ازهر کس نزد خدا در روز قیامت سخت تر است صورت کشان میباشند)

« ان الذین یصنعون هذه الصور یعذبون یوم القیمة و یقال لهم احیوا ما خلقتم » (بتحقیق کسانیکه این صورتها را میکشند در روزقیامت عذاب میشوند وبآنها گفته میشود زنده کنید آنچه راکه آفریده اید .)

بدینجهت مسلمانان درآغاز کار بایجاد و ابداع کشیدن رسمهای زیبا و دلربا میل نموده وازآن پیروی کردند وصورجاندار درآنها وجودنداشت وهم ازاشکال نباتی وهندسی که بعضی دردیگری مداخله مینمود درست کرده وفن آرایش وتزیین ازمشخصات رمزایای فن اسلامی گردید وطولی نکشید که خط عربی برای مسلمین در مورد تحریر و آرایش کاری رنگارش بارسم بنای همسری ورقابت وزورآزمائی را گذاشت .

علی رغم همه اینها مسلمین بهنر صورت کشی ذی روح پی برده ودرآن زشته کار کردند تااینکه ادواری رسید که هنروفن تصویر درآنها بااوج رشکوه ورنك ررونق زیادیافته وپیشرفتی تمام نمود وبزرگترین اثری که اکنون بنظرمارسیده بقایائی صوری است که درصدراسلام عمل آن انجام گرفته وکارآن زمان است .

اثر مذکور نقاشی کاخ کوچك عمرا است که موزیل (Musil) دانشمند

اطریشی درسال ۱۸۹۸ آنراکشف نموده و این آثار درطرف شمال شرقی بحرالمیت قرار گرفته و بیشتر اندیشه بر آن میرود که خلیفه اموی این مکان را در اوایل قرن هشتم میلادی برای آسایشگاه یا جهت محل سرگرمی و خوشی و عیش ونوش خود ساخته است .

بنای این کاخ ازحجرالجیر (سنگهای گچی) بالا رفته و شامل ایوانی درازو طولانی بوده که در آن چند تالار بر پا شده بود و برسقوف این ابنیه نقش و نگارها قرار داده و بین آنان یکی از شاهان ششگانه جهان را نشان میداد که خلفای اموی آنهاراشکست داده بودند .

وهم درآنجا صورديگری است که شامل سازنده ها و نوازندگان و اشخاصی برهنه وعریان بوده وجمعی دیگر که پارهٔ ازکارهای بدنی و ورزش مبادرت نموده‌اند سپس مناظری ازشکارگاه حیوانات بیابانی را نشان میدهد و درتالارعالی آن صورت امیری است که شاید این کاخ ازبرای او بنا شده - علاوه براین فن کشیدن تمام این تصاویر ونقوش ازجمله فنون وهنری است که تقریباً جزء فنون وهنر بیزانطی وروحی بوده و تا حدی بفن زمان ساسانیان تاثر یافته و رنك آن هنررا بخود گرفته .

برای ما نقوش و تصاویر کاخ کوچك عمرا تفاوت زیادی با مشاهدات و مناظر بعد ازآن نسبت بنقوش دیگر ادوار اسلامی دارد چنانکه این تفاوت در آنچه که دواستادمعروف‌زاره(سار)و(هرتسفلد)درسامرا(سرمن‌رای) بر آن آگاهی یافته‌اندبخوبی نمودار است و اثر مزبور در کاخی است که معتصم خلیفه عباسی در۸۳۸ میلادی در شمال عراق بنا نموده و آنرا پایتخت و مرکز خلافت خود قرارداده و این محل را خلیفه برای فرارو گریز ازصدمه وتزاحم سپاهیان ترك خود اختیار نموده وبساکنین این مکان پناه آورده شهر جدید در دوره جانشینان معتصم وسعت و آبادی زیادی پیدا نموده تااینکه معتمد خلیفه در۲۷۰ ھ(۸۸۳م) آنجارا واگذاشته ودوباره مرکز خلافت خود را ببغداد انتقال داد .

گاوشها وحفاری آثار قدیمه و خرابه های سامرا باعث اکتشافات زیادی شده وهیئت آثاری آلمانی که در رأس ایشان دواستاد دانشمند نامبرده بودند باینکار اقدام نموده و مسجد جامع متوکل راکه پوشیده ومستور بوده بامناره آن که معروف بملویه ونمونه ای ازمناره مسجد طولون مصر میباشد معلوم داشته‌اند ونیز آثار خرابه های زیادی راکشف نموده‌اندکه بردیوار آنان نقش ونگارهای هندسی ونباتی است یا از اشکال کنده کاری است که در گچ بعمل آمده . (۱)

ولیکن چیزی که اکنون مارا بیشتر باندیشه زیاد وامیدارد وازجمله آثاری است که علمای حفاری بر آن علم واطلاع یافته‌اند آنها نقوش رنگینی است که ازحیث موضوع وطرح بنقش و نگار قصر کوچك عمرا شباهت دارد چنانکه در بعضی از آن بدنهای برهنه وبرخی زنهای رامشکروشکارگاه و صورحیوانانی دیده میشود وبا اینکه ما از مصادر ومنابع تاریخی وازامضاهائیکه بدست آمده میشناسیم که هنروران فنی مسیحی درکار این نقوش همدستی وشرکت نموده‌اند معذلك طرزکار ووضع صنعت آن جدا شده وپدیدآمده ازدوره ساسانی است حتی اینکه استاد هر تسفلد آنهارا آخرین مثال ونمونه نقاشی دراین فن میشمارد .

شاید نزدیکترین نقوش اسلامی بآثارنقش ونگارسامرا نقش وصوری باشدکه دارالآثار العربیه مصر درزمستان سال ۱۹۳۲ درجبهه ابی السعود درجنوب قاهره بدست آورده و بدان آگاهی یافته آثار مزبور مربوط بدوره و زمان دولت خلفای فاطمی میگردد و از صوری درست شده که بردیوارها بوده و در صنعت نقاشی آن تاثیر فن نقاشی ایرانی نمودار و آشکاراست وما دربرخی از آن مناظری را می‌بینیم که یکرشته از دانهای سفید برزمینه سیاه قرارگرفته و دربعضی از آن صورت وچهره های کسانی دیده میشودکه یکی ازآنان جامی بدست راست خود دارد وطرزنقاشی آن همانطور

مراجعه شودبه Herzfeld:der Wendschmuck der Bauten von Samarra und selne Ornamentik وکتاب الفن الاسلامی فی مصر دکتر زکی محمد حسن ج ۱ ص ۲٤ و ما بعد آن

است که ما در بسیاری از نقش ونگار ظروف و اوانی سفالی دورهٔ ساسانی دیدیم و در دیگری رسم وصورت دو پرنده برابر یکدیگر است که روی دو شاخه گیاه سرخ رنگی نشسته‌اند ودراطراف آن رشته های سیاهی است که آنها را لکه های سفیدی فرا گرفته ودردومین نقش سرجوانی است که بطرف چپ نگاه میکند درشکل سوم صورت بانوئی است که لچك سرخود را بطرف راست آویخته دارالآثارالعربیه مصراین اکتشاف خود را برای نخستین بار در نمایشگاه صنایع ایرانی درسرای تجران پاشا دردوماه ژانویه و فوریه ۱۹۳۵ نمایش داده . (۱)

اما دربارهٔ آرایش وتزیین کتابها بصور کوچك این تنها میدانی است که ایرانیان گوی سبقت را درآن ربوده اند ـ ما میدانیم که صنعت کاغذ سازی را مردم سمرقند درنیمهٔ قرن دوم (۸ میلادی) ازچینیها فرا گرفته‌اند وبعداز آن طولی نکشید که این عمل از دردنیای اسلامی در اواخر قرن سیم هجری (۹ م) شیوع یافته و درتمام قلمرو کشور اسلامی معمول گردید .

شاید قدیمی‌ترین صور کوچك یا نقاشی خرده کاری مینیاتورسازی استادان اسلامی که بما رسیده آن باشد که در (فیوم) و (اشمونین) بآن اطلاع یافته‌اند واکنون صور مزبور در وین پایتخت اطریش بایگانی شده و مجموعهٔ است و جزء کلکسیون (مجموعه) آرشیدوك رینر میباشد ، تاریخ نسخه‌های خطی که دارای این تصاویر است مربوط بقرن سوم وچهارم هجری است ودرصنعت تصاویر مذکور تأثیرات رومی (بیزانطی) وقبطی و حبشی و ساسانی مشاهده میشود . (۲)

ظن غالب این است که صنعت اینگونه نقاشی وساختن صورتهای کوچك جهت آرایش کتب ونامه های خطی درایران وعراق درقرن سوم بمعرض بروز وظهوررسیده وگمان ما براین است که مسلمانان برای انجام این صنعت درآغاز کار استادان غیر مسلمان را استخدام نموده باشند تا اینکه دوره این عمل بزمان تتبع واقتباس پیروی وتقلید منتهی گردیده .

۱ـ مراجعه شود به G. Wiet : Exposition d' Arc Persan ص ۷۵ و ۷٦ وتابلوی ۱ شکل ۱ و ۲ درآخراین کتاب

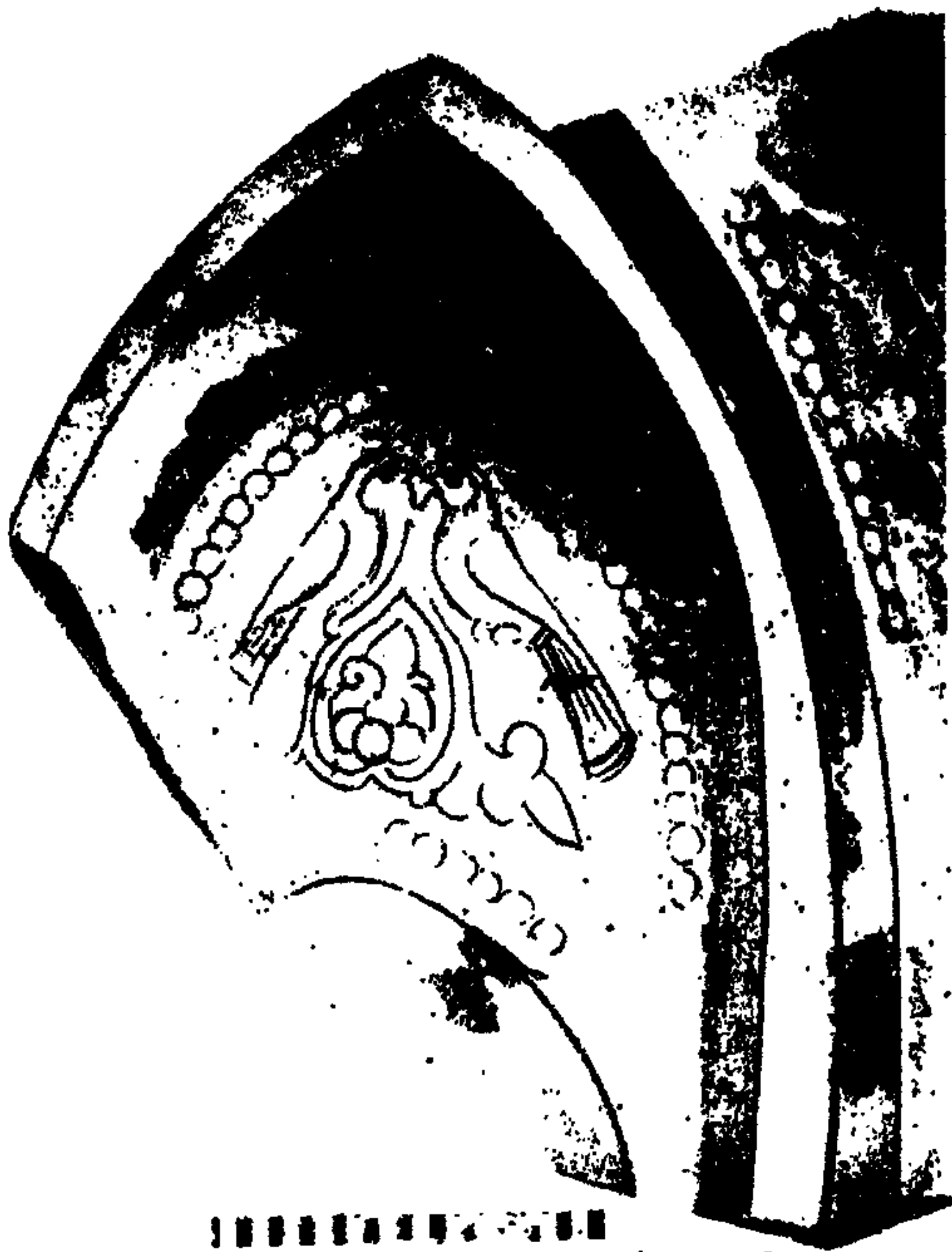
۲ـ مراجعه شود به Arnold & Grohmann : The Islamic Book ص ۲ و مابعد آن و Mohamed Hassan : Les Tulunides Zaky ص ۳۱۳ - ۳۱۴ .

تابلوی ۱



شکل اول تصویری در دیوار حمام قاهره دارالاثار عربی

ضمیمه تابلوی ۱



شکل ۲ تصویر در دیوار حمام فاطمی قاهره جبهه ابی السعود قرن ۴ ـ ۵ هجری دارالآثار عربی

مسلمانان توانسته اندکه در عمل خود ممارست نمایند و صوری را که ایشان برای خود سرمشق ونمونه گرفته وازآن تقلید نموده‌اند. نقاشی‌های مانوی ومینیاتور های مسیحیان یعاقبه بوده و بسا هست که مسلمین از نقاشی نساطره (نسطوریها) نیز تقلید نموده و أزهنر ایشان اخذ و اقتباس کرده اند.(۱)

بااین وصف آنچه را که ما از مصادر تاریخی نسبت بوجود نسخه های خطی شناخته و بدان آگاهی یافته‌ایم فقط در میان آنان نقاشی های ریزه کاری و مینیاتور مربوط بدوقرن نهوده میلادی‌است وبعدازآن قدیمی‌ترین‌چیزی که ازایران وعربستان وشام بنظرما رسیده راجع بدوقرن‌دوازدهم وسیزدهم بوده ومجموعه ایست که‌مورخین فن اسلامی نام مدرسه عراق یاهنرستان بغداد را بآن داده اند.

---

۱ – مراجعه شود به Kuhnel : Miniaturmalerei im islamischen Orient ص ۱٦ و ما بعد آن و Arnold : Painting in Islam ص ٢٥ و ما بعد آن

فصل دوم

هنرستان بغداد یا مدرسه عراق

قرن هفتم هجری (۱۴ م)

مسلمانان ازایران وروم در زدن سکه ایکه برآن نقش وصور ترسیم شده بود تقلید نمودند چگونگی این موضوع درکتاب الخطط مقریزی در قسمت سکه ونقود اسلامی مفصلا مسطور است وهم درتعیین موضوع کتب ادبی وتاریخی وغیره ازآنان پیروی کرده نقش ونگارپارچه‌ها ومنسوجات وآرایشگری وتزیین ظروف شیشه وغیره ازاثاثیه ولوازم خانه را هم بتقلید ایشان ترتیب میدادند ـ گرمابه ها وحمام مهمترین خانه و ابنیه بودکه مسلمانان در نقش ونگار دیوارهای آن توجهی زیاد مینمودند و طولی نکشیدکه فن نقاشی در اسلام ازتصاویر اسباب خانه ونقش ونگار ابنیه‌وعمارات بنامه ها و کتب منتقل گردیده وکتابهای خطی را بکشیدن چهره ها و صور آرایش دادند وبدین روش تنوع فنی‌وهنر گوناگون و آموزشگاه وهنرستانهاکه ما ضمن این فصل بزودی در باره آن سخن میگوئیم بوجود آمد .

در اینجا شایسته و سزاوار است پیش از همه یادآوری کنیم که در نقاشی و صورت کشی ایرانی موضوعاتی زیاد مکرر گردیده و اساتید هنر یك طرح را مکرر ریخته و یك صورت را چندین جاکشیده اند علتش آن است اساتید و صورتگران که جهت آرایش وزینت دواوین شعرا وکتب افسانه و حکایات وتصویر بعضی کتب ادبی و تاریخی کار مینمودند خلف هریك از آنان این موضوعات را بروش و اسلوب سلف درطرح ریزی ووضع نگارش تصویراختیار وتقلید نموده وبکار برده اند .

قدیمی ترین کتب خطی اسلامی که تصاویری زیاد را داراست کتابهائی است که ترجمه شده و در طب و علوم وفنون میکانیکی تالیف گردیده و مشهورتر ازهمه آنها



شکل۳ـ ساعت طاوسی- هنرستان عراق قرن۷ هجری از کتاب الحیل المیکانیکیه جزری
موزه لوور

کتاب «الحیل الجامع بین العلم والعمل» جزری، پس از آن کتاب عجایب المخلوقات قزوینی است وبعضی از کتب ادبی دیده شده که در آنها رعایت بی اندازه وتوجه زیادی دراین خصوص بکار رفته مخصوصاً درهریك ازدو کتاب «کلیله ودمنه» و«مقامات حریری» صورتهائی برای روشن شدن گزارش متن وشرح کشیده شده ونقاشی نموده‌اند. انجام این عمل بدست استادان مسیحی شرقی و مردان کلیسا یابعضی از مسلمین بودکه به اسلوب فنی ایشان زیاده متاثر بودند واین بعداز آن شدکه مسلمین فنون و هنرخودرا ازملل ومردمی گرفتندکه کشور آنها بدست ایشان فتح شده بود.

اما ایرانیان بیشترتوجه ایشان بتصویر کتب تاریخی وشرح حال یا تراجمی بوده که در آنها نام شاهان وتصاویرایشان برای همیشگی و دوام بیادگاربماند پس ازآن دواوین شعرا وحکایات ایشان است که بوستان سعدی وگلستان او مخصوصاً ازآن جمله است. سپس دیوان حافظ و منظومات خمسهٔ نظامی خواهد بود لیکن کتاب شاهنامه فردوسی دراینجا دربالاترین پایه قرارگرفته و اول مقام را احراز نموده زیرا که آن کتب در هر دوره ازنقاشی و شاهکار اساتید ایرانی آرایش و زینت گردیده.

ما درآخرفصل پیش اشاره نمودیم که اول هنرستان نقاشی و صورت کشی در اسلام مدرسه بغداد یا هنرستان عراق بوده واساتید فنی صورتهائی کوچکرا در نسخه های خطی کتب اسلامی که دورهٔ آن پیوسته بروزگارخلافت خاندان بنی‌عباس است باین هنرستان نسبت میدهند.

هنرستان مزبورباوجود داشتن این نام هنرستان عربی خالص نبوده چنانکه ایرانی خالص بودن آن هم بعیدخواهدبود اگرچه کشورایران یگانه سرزمینی بودکه این هنروفن در آن بروز وظهورنموده سپس پیشرفت وارتقا یافته وراه را برای هنرستانهای دیگر بازکرده و نقاشی درآنجا باوج عظمت وکمال رسیده باوجود این نمیتوان آنرا ایرانی خالص شمرد. جای تردید نیست که بیشتر کارکنان و هنرآموزان برای تاسیس بنیاد هنرستان بغداد از اهل معابد و پرستش گاههای شرقی از طوایف مختلفه بوده

واین هنررا از آنها اخذ نموده اند چنانکه مابین ایشان هنروران و قهرمانان نهضت علمی جهت نقل وترجمه کتب قدیمه بزبان عربی پیدا شده و نیز دربین آنان بهترین هنرپیشه گان درجه اول وجود داشته که هریك بعربها عمل معماری و هنرموزائیك و خاتم کاری و کاشی‌سازی وغیره را یاد داده‌اند .

بااین ترتیب‌طولی نکشیدکه مسلمین ازاین پیشه وهنربه‌بهره ونصیبی که ذکر آن بعد ازاین خواهد شد بهره‌ورگردیدند و اول کسی که این‌کار را نموده ایرانیان بودندکه بیشتر استادان هنردرمیان ایشان پیدا شده وهمین‌کشور ایران‌بودکه بعداز تهاجم مغول توانست مواهب و عطایای خدادادی فرزندان خود را نشو و نما داده و این هنررا بحدکمال برساند ونیزازهنرمردم شرق اقصی وآسیای مرکزی متاثر شده تااینکه ازفنونی که ماآنرا نتیجه هنروری‌دوقرن نهم ودهم هجری (۱۵و۱٦میلادی) میشناسیم بهره‌مندگردد .

چون موضوعات فنی و طرح نقاشی درهنرستان بغداد همواره بدون تغییراتی اساسی تکرار میبافت لذا آنچه که بدست ما رسیده و از جمله نقاشی قرون اولیه اسلامی شمرده میشود باملاحظه قدمتی که در آن میرود وشامل نسخ خطی قدیمه خواهد شد باوجود این‌مربوط بماقبل نیمه قرن ششم هجری نگردیده وراجع ببعداز آن خواهد بود .

از جمله چیزی که رعایت آن لازم است این است که نقاشی های‌کتب خطی هنرستان بغداد همیشه جزئی از متن‌کتاب بوده و از این عمل شروع وبیان موضوع متن‌کتاب‌را منظور مینمودند ازاینجهت میدان جلوه ونمایش این مواهب فنی دراین هنرستان عربی بزرگتر وپهناورتراز عرصه وفضای میدان فارسی آن است .

اشخاصی که در این تصاویر بچهره و سیمای نژاد سامی نشان داده میشوند کشیده بینی بوده وصورت ایشان ازریشی سیاه پوشیده شده و درچهره ورخسار آنها علامت وآثار نشاط و هوش ودقت تعبیر موجود بوده و در صورت مذکور ظرافت و زیبائی و نازك کاریهائیکه ما در هنر ایرانی میشناسیم مشاهده میشود .

تابلوی ۳



شکل ٥ــ از ترجمه کتاب جالینوس کتابخانهٔ ملی وین (قرن۷هجری) مرد مار گزیده که استغاثه میکند

تابلوی ۳



شکل٤ جوانی که مار اورا گزیده وپزشك برای معالجه او میآید

تابلوی ٤



شکل ٦ و ٧ــ میدان جنگ از مقامات حریری ــ هنرستان عراق سال ۶۳۴ هجری نسخه خطی شیفر کتابخانه ملی پاریس ــ مارتن

شاید از زیباترین تصاویری که در هنرستان بغداد صورت گرفته و کشیده اند تصاویری باشد که ما آنانرا در نسخه مقامات حریری میبینیم و بیشتر این صور دلالت برتوانائی وقدرت اساتید آنها داشته ، مهارت و زبردستی ایشانرا درکشیدن تصاویر جمعی وحرکات مختلفه آنان بخوبی میرساند ومعلوم میداردکه آنهادقتی بی‌اندازه در کشیدن صورحیوانات وغیره داشته واوقاتی زیادبرای انجام آن مصروف نموده‌اند .(۱)

گذشته ازاین گاهی شباهت مابین بعضی ازتصاویراین هنرستان وبین صوریکه بدست مسیحیان کنیسه و پرستش گاههای شرقی کشیده شده بدرجهٔ میرسدکه‌ما بعید نمیشماریم، این نقوش وصور اسلامی جزءکارخودمسیحیان باشد مخصوصاً نسبت بپنج قرن که از آغاز ظهور اسلام تا تاریخ پیدایش این هنرستانیکه ما درصدد وصف آنیم میگذردچنین شباهت پدیداراست چنانکه تاجهای نورودوائری که اطراف‌سراشخاص را احاطه نموده‌وازکشیدگی بینی بخطی واضح ازرنك وروش معمولی ساده که‌زینت اشجار وپوشش زربفت‌اشخاص و آرایش گلها وشکوفه درآن انجام‌گرفته وشاخه‌های درختان وملائکه و فرشتگانی که دارای بالهای‌گشوده میباشند ما تمام این دقایق و نکات راباوجهی مشترك بین‌تصاویر مسیحیان معابد شرقی وبین صوری مشاهده مینمائیم که هنرپیشه‌گان هنرستان‌بغداد آنها را طراحی‌نموده وکشیده اند(۲) وشایدکه این شباهت وارتباط مربوط بتأثیر دوفن رومی واسلامی بفن دوره ساسانی شود چنانکه ظهورآن بخوبی درصنعت نسجی وپارچه بافی‌های آنزمان مشاهده میشود .

مشهورتر ازتمامی نقاشان وکارکنان این هنرستان «عبدالله بن فضل» بوده که در ۶۱۹هـ(۱۲۲۲م) کتاب مینوشته و آنرانقاشی مینموده و نسخه خطی‌ازکتاب خواص عقاقیر(گیاهها) از اثر اوست که ازآن صوری چند در کلکسین (مجموعه) دکتر سار (Sarre) در برلن ودکتر مارتن (Martin) دراستوکهلم وجود دارد (۳)

تأثیرفن بیزنطی (رومی) درصور اشخاص این تصاویر بلباسهای گشاد وآرایش

---

۱ ــ مراجعه شابلوی ٤ شکل ٦ و ۷

۲ــ مراجعه بدوتابلوی ۷و۸ از Arnold:Painting in Islam بین دوصفحه ٦٤ و ٦٥

۳ ــ مراجعه شود به Migean : Manuel d' Art Musulman ص ۱۲٦

گل‌وبوته نباتی آن پدیدار است که این صور بفروع نباتی و شاخه ها پوشیده شده و اوراق کهنه وغبار آلود این کتب خطی هم اکنون درموزه های دنیا و کلکسیونهای فنی اروپا وامریکا موجود است چنانکه از آنها یکی درموزه متروپولیتان نیویورك وجود دارد ودر آن صورت طبیبی را کشیده که دوا برای رفع سرفه بیماری تهیه نموده ودر تصاویر مزبور رنگهای ششگانه سبز ـ کبود ـ سرخ ـ زرد وغیره بکاررفته وتاولاوچین لباس در آن مرتب ودور ازطبیعت است بطوریکه این کیفیت درحدود خود نوعی از موضوع آرایش وزینت گردیده (۱) وازاین نسخه خطی صورت دیگری است که در موزه (لوور) موجود است و در آن نیز طبیبی را نشان میدهد که تهیه دوا مینماید .

یحیی بن محمود بن یحیی بن حسن واسطی درسال ۶۳٤ هجری (۱۲۳۷م) نسخه‌ای از مقامات حریری را نگاشته که در آن زیاده ازصد تصویر کشیده شده (۲) و در آن نوادر ابی‌زید سروجی وحیل بدیع اورا نشان داده ومثل میزند واین نسخه‌هم اکنون درکتابخانه ملی پاریس است که آنرا شیفر (Schefer) مستشرق بکتابخانه مزبور تقدیم و اهدا نموده وتمام این صوراسناد ومدارك قسمتی از زندگانی ونظام اجتماعی این دوره وعصراست (۳)

مابین آنان دوصورت کشیده شده که موکب عروس را درهودج ومحملی بشتر بسته وسوارها آنهارا مشایعت و بپروی مینمایند وآنان پرچم‌هائی بدست گرفته وطبل زده وآلات موسیقی وساز مینوازند(٤) ونیزمابین بسیاری از این صور وتصاویری که موزه ملی مصر درديوار یکی ازگرمابه‌های دوره خلفای فاطمی کشف نموده شباهت وقرابتی زیاد است و این شباهت و بهمنزدیکی آنان غرابتی نخواهد داشت زیراکه سقوط وانقراض سلطنت فاطمیین در٥٦٧ هـ(۱۱۷۱م) اعلام انتقال بسیاری ازاساتید هنر وفن‌مصررا ببلاد جزیره (عربستان) نموده وآن وقتی بود که بغداد مرکز بزرگی برای

۱ـ مراجعه شود به Dimond: A Hendbook of Mohamme dan Decorative Arts ص ۱۹

۲ ـ مراجعه شود به Stchoukine : Les Miniatures Persanes ص ۲۰

۳ مراجعه شود بتابلوهای ۹ و۱۰ و۱۱ و۱۲ از Blochet:Les enluminures des manuscrits

٤ ـ مراجعه شود بالواح شکل ٤و٦-۷

تابلوی ۵



شکل ۵ ـ [illegible] بر تخت [illegible] عراق سال ۷۳۴ هجری از نسخه خطی [illegible] کتابخانه ملی وین

هنروکتابت گردیده بود ودرآنجا نسخه‌های‌دیگری‌از مقامات حریری است که تاریخ آن ازسال۷۲۳هجری(۱۳۲۳م) استوآنرا برای عامل‌خراج دمشق نوشته‌اند و بعضی ازصور اشخاص دراین نسخه ناتمام و رنگ‌آمیزی‌آنان هم بتمامی انجام نگرفته و از جمله تصاویری است که برای ماطریقه ایرا نشان میدهدکه اساتید فنی درطرح ریزی وتحدید واندازه‌گیری صورآن قبل ازعمل رنگ‌کاری پیروی مینمودند .

درکتابخانه وین نسخه خطی دیگری ازمقامات‌حریری وجود داردکه جدیدتر از نسخه قبلی است وبر آن امضای (ابوالفضل بن اسحق) دیده میشود تاریخ انجام نگارش‌آن سال۷۴۳ هـ (۱۳٤٤ م) میباشد وصنعتی درآن شروع شده‌که سادگی اولیه را از آن برکنار نموده و آندو طریقه تعقید را سیر نموده و میبوبد و از بدیعترین صوراین‌کتاب خطی دوصورت است : اول آن صورتی است‌که تصویر امیری‌را بروی تخت‌کشیده ودردست اوجامی برسم شاهان ساسانی دیده میشود ودراطراف اورجال حواشی واطرافیان‌گرد آمده ودوفرشته اورا با بالهای طلائی پاسبانی‌میکنند ودرجلو تخت امیردستهٔ ازسازنده ها و پهلوانان اند که امیررا بشوق و طرب و نشاط و شعف میآورند ، صورت دوم شخصی را نشان میدهدکه بدیدن دوست خود آمده وکسالت مزاج اورا ببستر انداخته ولباس وپوشش دیدارکنندگان و اهل خانه و تخت خواب مریض‌بفروع‌نباتی‌وشاخه‌ها وگل‌وبوته وخطوط هندسی آرایش(۱)یافته ودراین‌نسخه مخطوط نمونه‌ای ازهنروفنون نقاشی آسیای‌مرکزی تاثیر نموده دانشمندان هنرشناس چنین میاندیشند برخی‌ازاین‌تصاویرکه‌نسبت‌آنرا بهنرستان‌بغدادمیدهند درافغانستان کشیده‌شده و درتحت توجه و عنایت دولت غزنوی بوده‌که فردوسی شاهنامه خودرا برای‌آندولت بنظم درآورده و این تصاویر درآنجا نقاشی شده و درغرفه‌ایکه صور ونقوش‌آنرا زینت مینمود بعمل‌آمده ولیکن حقیقت امرآنستکه دراین مورد دلیلی مثبت دیده نمیشودکه آنزمان درافغانستان یابخارا یاخیوه‌وری صوریکه باطرزوروش فنی‌که بهنرستان بغدادنسبت‌میدهندساخته شده باشد زیراکه اثرفن‌ایرانی درآنموقع درقسمت شرقی دولت شاهنشاهی ایران رواج بوده وهم در وسط و مرکزاین‌کشور این‌فن را معمول میداشتند علاوه براین ظروف سفالی‌که بمدرسه ری نسبت میدهند

۱–مراجعه بصورت ۱۸ از Kühnel : Miniatu-malerei

دارای نقوشی است که درطرز ساختمان ووضع رنگ آمیزی شباهتی زیادرا دارا میباشد بطوریکه در این فصل بیان شد صوری درمجموعه(آلبوم)کتابخانه اسلامبول موجود است که آنرا استاد ساکسیان درکتاب خود ازنقاشی ایرانی نشرداده وتاریخ آنرا به نیمه دوم ازقرن ششم هجری (نصف ۲ ازقرن ۲م) مراجعه داده ومدعی است که نقاشی نامبرده از جمله صنایع فنی این هنرستان است که در مشرق ایران ظهور یافته (۱) ولیکن این ادعا باعقیده ورأی بسیاری ازمورخین فنی اسلامی مخالف است ودرحقیقت ممکن نیست که این تصاویررا بدوره قبل ازعصر مغول مراجعه داد(۲)

اثر فنی هنرستان بغداد در بقیه اجزاء کشور پهناور امپراطوری اسلامی مانند سوریه ومصرهم امتداد یافته ودرآنجااوراقی ازنسخه کتاب الحیل المیکانیکیه جزری است که آنرا درسال ۷۵۵ه(۱۳۵۴م) محمدبن محمد بن احمد بن ناصرالدین محمد نوشته که در خدمت ملك صالح صلاح الدین ازممالیك ممتاز شایسته ومشهور مصر بوده وتمامی آن مابین موزه‌ها وکلکسیون آثاری اروپا وامریکا توزیع شده ودرموزه لوور پاریس هم یکی از آنان موجود است که ساعت آبی را نشان میدهد وصورت ساعت را بشکل نیم دایره کشیده و آنرا روی دستگاهی جا داده که درآن جامها و طاوس ها دیده میشود (۳)

خلاصه آنکه تمام مشخصات هنرستان بغداد درتصویراشیاء روی اسلوبی قرار گرفته که ساده وبدون تحمیل یاتکلیف است وبیشترچیزی که تاثیرفن مسیحی شرق را درصنعت وکارآنان نشان میدهد طریقه تصویر اشخاص است که آنرا درباره صورت کشی کشیشها و روحانیین وفلاسفه یونان استعمال مینمودند و هم درآنچه که راجع بتمثال اشخاص وچین وتای لباس ملی آنها است این اسلوب بکاررفته لیکن تاثیرایرانی درطرز آرایش آن آشکاربوده ودرمورد نسبت بین اجزاء مختلفه بدن درتصویر اشخاص هم معلوم است .

---

۱ مراجعه شود به A. Sakisian : La Miniature Persane ص ٤ و ما بعد آن و تابلوی ۹ شکل ۱۳

۲ — مراجعه شود به B. Gray : Persian : Painting ص ٣٦

۳ — مراجعه به تابلوی ۲ وشکل ۳ ومطابق با Stchoukine:Les Miniatures Persanes ص ۳۰ تا ۳۲

فصل سوم

هنرستان ایرانی و تاتار (مغول)

در فصل گذشته‌ما ازهنرستان بغدادسخن رانده وگفتیم که آن هنرستانی عربی وایرانی بوده که از نقاشی مسیحیان شرق وفن دوره ساسانی متاثرشده بود هم اکنون دراینجا ازهنرستان ایرانی وتاتار شرح میدهیم که هنرستان مزبوربهترین هنرستانهای سه‌گانه بوده وابن سه دوره برجسته درتاریخ ایران ازقرن هفتم تا۱۲ه (۱۳ م-۱۸م) امتیاز یافته و آن دوره مغول وعصرتیمور وجانشینان او وزمان خاندان صفویه است .

ما میدانیم که دراوایل قرن ۱۳میلادی مغول بایران و بلاد جزیره تاخت وتاز آورده و جنگهای طولانی زیاد نموده وفتوحات دور و دراز وبسیار خودرا باستیلای بغداد منتهی گردانید ٦٥٦ هجری (۱۲۵۸م)

مغولها آسایشگاه خانواده خودرا زمستان در بغداد و تابستان در تبریز قرار داده و درعراق عجم شهری بنام « سلطانیه» درحدودآب پخش‌کن بین دوشهر زنجان وابهر بنانهادند و این سه شهرعمده مراکزفن وکانون هنرنقاشی دردوره مغول بوده .

ازمشخصات مهمه انواع فنون دراین زمان اثر واضحی ازتعلیمات خاور دور و تقلیداتی است که‌ازنوع کار وهنرمردم آنحدود شده‌راین نکته‌پوشیده نیست که از آغاز قرن اول هجری (۷میلادی) روابط تجارتی بین کشورپهناور چین‌وامپراطوری اسلامی وجود یافته و از فنون ظریفه و صنایع بدیعه چینی درکشور وسیع اسلامی پیروی و تقلید زیادی بعمل آمده بطوریکه آنها بمهارت چینی‌ها وبرتری ایشان درپیشه وهنر مثلها میزدند .

دراینجا تعجبی‌نیست که بگوئیم جنگ مغولها برای تشکیل‌حکومت‌امپراطوری باعث ازدیاد عناصر واجزاء هنرچینی درنقاشی فارسی وایرانی شده و روابط محکمی

هم از قدیمترین اوقات بین کشور پهناور پسر آسمان (چین) و مابین میهن مغول در ترکستان وجود داشته و موقعیکه این مردم کشور ایران را درقرن هفتم هجری (۱۳ میلادی) گرفتند هموطنان ایشانهم زمام امور و مقالید حکومت چین را بدست آورده ایران هم جزئی از دولت با عظمت امپراطوری مغول گردید و قلمرو دولت مغولها تا آخرین نقطه آسیا امتداد یافت .

باوجود این عوامل روابط سیاسی مغول چندان قوی نبوده و طولی نکشید که دولت ایشان رو بزوال نهاد و موجبات انقراض آن فراهم گردید ولی اثر تجارت و دادوستد وروابط ادبی ایشان بیشتر دوام یافته مغولها، درکشور جدید خود مترجمین و کارگران واهل هنر وصنعت واساتید فنی وحرفت ازمردم چین آورده واثرهنروپیشه خاوردور دراین کشور مباشرت یافته ورواج پیدا نمود .

اثرفنی چین درباره نقاشی وصورتگری ایرانی نه تنها منحصر بچیزهائی است که ایرانیان ازصنایع وفنون چینی بقرض وعاریت گرفته اند بلکه علاوه براین باعث شناسائی آنها بچیزهائی شده که بعدها بواسطه آن توانستند دراین هنر ترقی وپیشرفت نمایند درواقع مینیاتورهای ایرانی (صورتکشی های ریزو کوچك یاظریف کاری) بعدازسقوط بغداد ٦٥٦ هجری (١٢٥٨ م) مابین ایرانیان ریشه دوانیده چنانکه پیش ازاین تاریخ هم این عمل بین آنها وجود داشته علاوه براین صوریکه بهنرستان ایرانی و تاتار نسبت داده شده چندان زیاد نیست زیراکه زمان مغول (٦٥٦ـ٧٣٥) (١٢٥٨ـ١٣٣٥) تمامی پر ازیك سلسله حوادث جنك و جهانگیری بوده ، نهایت آنکه در اوایل قرن هشتم هجری (١٤ م) کتب خطی تاریخی را با تصاریر و نقشه میدان جنك و مجالس بزم و شراب ومناظر صید وشکار آرایش مینمودند .

از جمله چیز هائی که نباید فراموش نمود آنست که فتوحات مغول بهنرستان بغداد خاتمه نداده واین هنرستان بعدازآنهم باقی بود باین دلیل که ما ازصنایع فنی این هنرستان که آمیخته وممزوج بابعضی ازتقلید های چینی ونقاشی ایرانی است در آنزمان ازآنها کسب وتقلید نموده واین دوصنعت پهلو بپهلوی یکدیگر ظاهر وآشکار

میشود ، گاهی تنها دریك نسخه خطی تصاویری وجوددارد که طرز صنعت آن قسمتی بغدادی وقسمتی دیگر ایرانی تاتاری است .

درکتابخانه (مرگان) نیویورك نسخه خطی ازکتاب (منافع الحیوان) ابن بختیشوع وجود دارد که بفارسی ترجمه شده و دارای ۹٤ صورت است و این نسخه بامر و دستور امیرمغول (غازانخان) (٦۹٥ـ۷۰٤ـ ۱۲۹٥ـ۱۳۰٤) صورت عمل بخودگرفته و بین سالهای (٦۹٥ ـ۷۰۰هـ ـ ۱۲۹٥ـ۱۳۰۰م) انجام یافته بعضی از تصاویر آن با نمونه های چینی نقل شده و یا برقم هنر وران و اساتید چینی است و بیشتر چیزی که این صنعت را نشان داده و آشکار میکند تصویرحیوانات وشکوفه ها و نباتات آن است . (۱)

مسلمانان ازخاور دور تقلید طبیعت وطرز دقت را فراگرفته و در ترسیم اشیاء بطوری که بااصل طبیعت موافقت داشته عمل میکردند وصورنباتاتی راکه آنها ترسیم مینمودند و بفن چینی تاثر یافته یکنوع تقلیدی شده که تمیز و تشخیص آن خیلی مشکل است بلکه مابین این صور و بین طبیعت نزدیکی زیادی بوجود آمده و درختان را بطوری جلوه دادهاند که گویا با یاد مداعبه وشوخی مینمایند (۲) .

علاوه براین صنعت نقاشی در دوره مغول بطورکلی بهمان عنایت و توجهی که در دربار خلفای بنی عباس پیدا نموده بود برخورد کرده و با آنچه که بعدها هم در دوره تیموریان و دربار صفویه بآن تلاقی یافته در این عصر نیز بآنها برخورد نمود و مقصود ما در اینجا روگردانیدن از این صنعت یا مهمل گذاردن آن نیست بلکه در صنعت مذکور آثار عجله و شتابزدگی یا سرهم بندی را می‌بینیم که این‌صنعت در بیشتر ازتصاویر ایرانی تاتاری وجود دارد و علتش این بوده جنگهای زیادی که این دوره بآنها امتیاز پیدا نموده برای امراوبزرگان وقت ورجال دولت‌مجال نمیگذاشت

---

۱ ـ مراجعه شود به Dimand : A Hand Book ص ۲۰ و ۲۱

۲ ـ مراجعه مراجع عدیده که در آنها اشاره های زیادی بتاثیر خاور دور در فنون اسلامی شده و استاد گاستون ویت G . wiet در ترجمه آنکه از کتاب البلدان یعقوبی نموده اشاره بتصریحی کرده که استاد پلیو P.Pelliot نشر داده و نیز چیزی راکه‌دلالت دارد براینکه مولفی چینی که پیش ازسال ۷٦۲ میلادی زندگانی مینموده گوید که صنعت های نساجی ونقاشی و صورت کشی واشیاء طلا ونقره کاری را صنعت گران چینی بمسلمانان درشهر کوفه یاد داده‌اند. ومطابق با P. Pelliot: Artisans chinois. Toung Pao. XXVI. p. 110-111.

که اندیشه خود را مصروف کار های دقیق و ریزه کاریها بنمایند و یا خیـال خود را جزئیات هر کاری متوجه کنند که وقت زیادی بگیرد و کاری بدقت انجام پذیرد .

بنا براین از تصاویر هنرستان ایرانی تاتار چیزی که مورخین فنی اسلامی را بیشتر متوجه نموده وبشگفت میآورد همان طرزاسلوب وروش واستحکام قلم وغرابت اشکال آن است و اعجاب اینها بیشتر در دقت صناعت یا توجهی است که درباره کشیدن تصاویر بکار رفته .

وزیر کبیر ومورخ مشهور «رشیدالدین» (٦٤٥ـ٧١٨ـ١٢٤٧ـ١٣١٨) درتبریز بنگاه دانشی وهنری ساخته و ترتیب دادکه آنرا بنام خود نامیده ودرآنجا بسیاری ازخوشنویسها و نقاشان و اساتید پیشه وهنر را برای تدوین مؤلفات تاریخی وطبیعی خود ونقاشی تصویر آنمؤلفات استخدام نمود .

مهمترین چیزی که ازتصاویر بما رسیده وجزع نقاشی منسوب بهنرستان ایرانی وتاتاراست . صورتهای نسخه‌خطی کتاب «جامع‌التواریخ» وزیررشیدالدین است(١)که تاریخ آن مربوط بسال٧١٤هجری (١٣١٤) میشود وجزئی از آن اکنون درکتابخانه انجمن آسیائی دولتی لندن بابگانی شدموجزء دیگرش درکتابخانه دانشگاه «ادنبرا» میباشد و تصاویر این نسخه مانند صوری است که ما در سـایر نسخه هـای خطی جامع التواریخ رشید الدین می بینیم که تمثالها و صور حوادث و اتفـاقات انجیل و زندگانی بودا و سیرت نبوی(ص) وتاریخ چین وامپراطوری اسلامی را نشان میدهد وظاهراً چیزی که اسباب تمیز وتشخیص این صور است اثر روشن چینی آن است که در ترسیم مناظر طبیعی دیده میشود و شکل و قیـافه مغولی است که در رسم بیشتر اشخاص نمودار است و این نسخه اهمیتی زیاد دارد زیراکه ما در بسیاری ازتصاویر آن عوامل اجنبی و نمونه های صنعتی بیگانگان را مشاهده میکنیم که فن ایرانی آنرا ازخاوردورگرفته و از آنهائی است که‌بعدها هم آنرا هضم ننموده(٢) و اثر آن

١ـ مراجعه شود به Introduction à l'Histoire des Mongols des Fadl Allah Rashid Ed-Din par E. Blochet و T. Arnold : Painting in Islam ص ٦٤ـ٧٥

٢ـ مراجعه شود به Binyon, Wilkinson & Gray : Persian Miniature Painting ص ٣٤ و ٤٤ و ٤٦ و تابلو های از ١٨ تا ٢٣

مابین آثار فنی وهنر ایرانی نمودار است(۱)

یکی از صور این نسخه خطی تصویر مبارك حضرت علی‌بن ابیطالب علیه‌السلام و صورت حضرت حمزه عموی پیغمبرص است که سواره برای جهاد بامشرکین و کفار میروند وبیشتر پیشروی وتقلید از فن هنرستان بغداد در این صورغلبه یافته چنانکه قیافه و سیمای اشخاص آن عربی واسبهای ایشان لاغرکشیده شده و با اسبهای مغول وسواران‌آن تفاوتی زیاد دارد .(۱)

در واقع صفحات صور مزبوره بمنزله میدانی است‌که درآن تقلید خاور دور وهنرستان بغداد وفنون و هنردیگری‌که درآنها مؤثرگردیده جمع‌آوری شده .

درکتابخانه ملی پاریس‌نسخه خطی دیگری از جامع التواریخ رشیدی موجود است‌که بیشترگمان میرودکتاب مزبور را درتبریز بین‌سالیان (۷۱۰ـ۷۱۵) (۱۳۱۰-۱۳۱۵) نوشته و نقاشی نموده‌اند ومابین تصاویر آن صورتی است که تصویر جمعی مغولها را در آن کشیده و در رأس ایشان هلاکو قرار گرفته که بغداد را محاصره میکند و در دیگری صورت مستعصم آخرین خلفای عباسی‌کشیده شده است که از شط دجله عبور مینماید تا اینکه هلاکو را بعد از سقوط بغداد ملاقات نماید(٦٥٦) سومین صورت چنگیزخان است‌که بین زنان خود و رجال درباری قرارگرفته وجلو او دوپسرش هستندکه خم شده ومراسم تعظیم واحترامات لازمه رابجا میآورند .

درتمامی تصویر این‌کتاب خطی اثرنقاشی چینی‌که حاکی ازآثارطبیعت است آشکارا ونمودار است و دررسم حیوانات موهوم و خیالی وافسانه های چینی و چهره وقیافه‌که ایرانیان‌ازچین بشکل تقلیدی وصنعتی آن نقل نموده‌اند بدون‌اینکه خودرا در مشاهده قیافه و هیئت و طرزکشیدن صورت و رسم منظره حقیقی آن بزحمت و مشقت انداخته باشند (۲)

ازجمله چیزی‌که درصنایع‌کتب خطی بکتاب جامع التواریخ رشیدالدین شبیه است نسخه شاهنامه ایست‌که زمان آن راجع به نیمه اول قرن هفتم هجری (۱٤ م)

---

۱ - مراجعه به Kunhel MiniaturMalerei تابلوی ٢٤ از

۲-رجوع به Migeon : Manuel ج۱ص ۱۳۲ وملاحظه تابلوی ۸ دوشکل ۱۱و۱۲

میشود پیش از این نسخه نامبرده را مسیو دیموت(Mr. Demotte) مالك بوده و پس از آن برگهای این کتاب از هم پاشیده و پراکنده شده و از آن اوراق هم اکنون در موزه لوور و کلکسیون های آثاری اروپا و امریکا موجود است تصاویر این شاهنامه بحجمی بزرگ در صفحاتی بلند کشیده شده و شاید قدیمی ترین اثری باشد که از تصویر کشی و نقاشی این کتاب شناخته میشود و از جمله مشخصات آن وجود عوامل فارسی و چینی و مغولی است که در کتاب مذکور هر کدام بهلو بپهلوی یکدیگر قرار گرفته .

در موزه لوور پاریس سه قطعه از این صورتها است که اولی تصویر سپاه و نیروی ایرانیان را نشان میدهد که شاه کابل را رانده و شکست داده اند و شاه در رأس قشون شکست خورده خود قرار گرفته و سردار سپاه ایران فرامرز پسر رستم است که خودی از طلا بسر نهاده و در دست او حربه ایست که آنرا ببالا برده و میخواهد بسر شاه کابل بزند که در جلو بحالت فرار است(۱). در تصویر دوم صورت اسکندر کشیده شده که روی تخت نشسته و رجال درباری اطراف او را گرفته و بدوره سر وی دائرهٔ از نور یا هاله احاطه نموده و این طرز تصویر به پاکدامنی و جلالت و تقدیس مقام و مرتبت او دلالت دارد چنانکه تاجهای نور در اطراف سر کشیشها و قدیسین و پیشوایان مذهبی در امور صورت کشی و نقاشی مسیحی(۲) هم دلیل این نکته است و اینگونه تاجها درفن نقاشی اسلامی برای ابراز اهمیت اشخاص و عظمت مقام ایشان بوده و فقط برای اظهار این مقصود بکار میرود .(۳)

تصویر سوم نماینده صورت اسکندر است که در جلو درختی ایستاده و با پرندگان حرف میزند و در پشت سر وی جلودار اوست که لگام اسب و استر را بدست گرفته(٤)

ما در این تصاویر نمونه‌هائی را می‌بینیم که ایرانیان از چین در هر صورت کشی و نقاشی اخذ و اقتباس نموده اند و طرز لباس اشخاص خود های مغولی که در سر دارند بخوبی در آنها مشاهده میشود .

---

۱ ــ تابلوی ۷ شکل ۱۰
۲ ــ تابلوی ٦ شکل ۹
۳ ــ مراجعه شود به Kuhnel : Islam:sche K!e nkt ns ص ٤
٤ ــ مراجعه شود به Stchoukine : Les Miniatures Persanes

تابلوی ٦



شکل ۹– اسکندر برتخت ، هنرستان ایرانی وتاتار، اوایل قرن هشتم هجری نسخه ازشاهنامه اوور

تابلوی ۷



شکل ۱۰ جنگ فرامرز باشاه کابل ــ هنرستان ایران و تاتار اوایل قرن ۸ هجری شاهنامه لوور

تابلوی ۸



شکل ۱۱ غازان‌خان با بانوان اوائل قرن ۸ هجری



شکل ۱۲ او کتاءآن با فرزندان خود اوایل قرن ۸ هجری نسخه خطی تاریخ رشیدالدین – کتابخانه ملی پاریس – ساکسیان

تابلوی ۹



شکل ۱۳ — از کلیله ودمنه . در بالا سگی است که طعمه خود را از دست داده تا آنرا
از صورت خود که در آب است بگیرد — در زیر شیری است که گاو را می‌دراند
در کتابخانه یلدوز استانبول قرن هشتم هجری از ساکیان

درکتابخانه ملی پاریس نسخه خطی ازتاریخ مغول علاء الدین جوینی موجود است که در سال ۶۸۹ (۱۲۹۰) نوشته شده و بر آن فقط یك صفحه تصویر کشیده که مولف نسخه ازکتاب خودرا به «ارغون خان مغول» تقدیم مینماید (۱)

و نیز در آن کتابخانه نسخه های خطی چندی از تاریخ طبری ونسخه ازکتاب شاهنامه است که استاد شولتز(Schultz) دارای آن بوده و در تمامی صوری است که صنعت آنان باسیاری از آنچه که ما دراین فصل ازآن سخن‌میرانیم تفاوتی ندارد

خلاصه کلام آنکه مغول علی رغم چیز های که از خرابی و تدمیر و عادت و کشتار و ویرانی و ادبار داشته و رهین آن شده و بآن اوصاف معروف گردیده اند بدین وصف نیز آنها خود را معرفی نموده اند که چگونه از ارباب هنر و صنعتگران قدردانی‌کرده وبه پیشه و هنرایشان اهمیت میدادند و غرابتی ندارد که ما در مصادر تاریخی میخوا یم چگونه آنها شهرها را خراب نموده واز میان‌مردم آن جز اساتید فنی و ارباب پیشه وهنر کسی‌را باقی نمیگذاشتند هنرپیشه گانی‌که فنون اسلامی بوجود ایشان مفتخر شده وتاثیری‌عجیب پیدا نموده مخصوصاً نمونه‌کارهای ایشان‌از نقاشی‌وپیشه ظروف سفالی وکاشی‌کاری است که‌هنوز درسلطان آباد (سلطانیه) موجود است جزو مفاخر آن عصرمیباشد .

علاوه براین مصادر و مراجعات تاریخی بما خبر میدهد اول‌چیزی‌که ایرانیان از کار هنرپیشه گان کشور چین شناخته و بدان پی برده اند در دوره سامانیان بوده و آن موقعی است‌که « امیرنصر بن احمد » رودکی شاعر مشهور ایرانی را امرفرمود که کتاب‌کلیله ودمنه باترجمه فارسی بنظم درآورد سپس نقاشانی‌را ازچین خواست تاکتاب نامبرده را برسوم ونقش ونگارهای توضیحی برای آشکارنمودن مطالب متن کتاب آرایش دهند ولی این یك عملی منحصر بفرد بوده وتاثیرفنون نقاشی وآرایش گری خاور دور بطور واضح و آشکار درفنون ایرانی و صورتکشی آن جز دردوره سلطنت مغول جلوه وظهور ننموده (۲)

---

۱ — مراجعه شود به Blochet : Les écoles de peinture en Perse در شماره ژوئیه واوت ۱۹۰۵ Revue archéologiqoe ص ۱۲۵ و ۱۰۰ Migeon:Manue! ج ۱ ص ۱۳۶

۱ — مراجعه شود به Arnold : Painting in Islam ص ۶۵ — ۶۶

فصل چهارم

عصر تیمور و جانشینان او

دوره تیمور و جانشینانش از برجسته ترین ادوار عصر نقاشی ایران است و آمدن این فاتح ترکستانی و گرفتن او سمرقند را جهت پایتخت خود ازسال (۷۷۲ـ ۱۳۷۰ م) آغاز آرامش نسبی ایران است که بعد ها این امر باعث پیشرفت و ترقی کشور شده و دوره پسر و جانشین او « شاهرخ » بآن شناخته میشود و این آرامش وسکون را مدت زمانی بود که کشور ایران بخود ندیده بود .

تیمور باوجود بیرحمی وسنگدلی که داشت معذلك دوستدارهنر و ادب بوده و عشق زیادی بخواندن اشعار حافظ و نظامی داشت ، او باجانشینانش از بزرگترین مشوق اساتید فنی و هنرپیشه گان و حکما وادبا بشمار رفته‌اند .

دوره های گذشته نیزبرای اینزمان زمینه را حاضرومهیا نموده بود درحقیقت آنها یکنوع مقدمه‌ای بوده که درآن مراحل اقتباس وانتخاب و تاثیر زیادی در هنر وفنون بعمل آمده وبرای‌دوره تیمور وجانشینان او مقدور شدکه تا پایه وحدی اعلی طراز و روش ایرانی با دوام و استواری را بوجودآورند وآنچه راکه ایران از هنر و صنعت خاور دورکسب نموده بوده بی نیاز شده و اندوخته های پیشین جزء اصلی و اساسی این فن قرارگیرد .

در مصادر تاریخی نگاشته شده که تیمور لنك خواست در سمرقند پایتخت کشور پهناور خود بقدر امکان از اساتید و صنعتگران زبردست و توانا جمع آوری نموده و از وجودآنها استفاده نماید لذا درآنجا صدها نقاش و صورتگر وهنرپیشه‌ها از بغداد وتبریز ودیگرجاها ازشهرستانهای متصرفی خودگردآورده و با این وصف بغداد و تبریزکانون هنر و فنون و مرکز اجتماع اساتید فنی و اهل هنر گردید و

صنعت نقاشی و صورت کشی و فنون مربوطه بآن در ایندو جا رواجی تمام گرفته و پیشرفت زیاد نمود .

اگرچه تاریخ برای ما نام نقاش معروف و شهیر بغدادی « عبدالعلی » را ضبط نموده که دردربار سمرقند بوده ولی ظن‌غالب بر آن‌است که سمرقند در دوره تیمور بموقعیت ومقام بزرگی که‌هرات‌دراوایل قرن ۱۵۰۰ میلادی دردوره شاهرخ وجانشینان او رسید این شهربآن مرتبه ومقام نرسیده بود .

ممکن است که اکنون نزد ما کتابهای خطی مصور سمرقند مربوط به دوره تیمورلنك وجودنداشته باشد ولیکن درکتابخانه ملی پاریس‌رساله‌ای خطی‌وجوددارد که آن را بمدرسه تیمور نسبت میدهند و آن رساله ایست در علم نجوم که در سمرقند نیمه اول قرن ۱۵ برای کتابخانه « اولغ بیك » پسر شاهرخ و حاکم قسمت ماوراء النهر ازسال ۸۱۲ــ۱۴۰۹ تا۸۴۹ــ۱۴۸٦ نوشته شده، این امیرزاده درسمرقند رصدخانه مشهوری ساخته که در آنجا عده‌ای ازبزرگان که درعلم نجوم‌مشغول بودند جمع آوری نموده وتمرکز داده بود (۱)

درموزه متروپولیتان نیویورك نسخه خطی نجومی دیگری وجود دارد که به پنجاه صورت از تصاویر بروج و ستارگان مزین شده ومرجحاتی که در پوشش لباس اشخاص و تفاصیل صنعتی دارد آن است که این پنج نسخه نیز در سمرقند زمان الغ بیك نوشته شده (۲)

علاوه براین‌دونسخه خطی درموزه بریطانیا وجود داردکه زمان‌آندوراجع بعصرخود تیمور بوده ورشته‌ارتباط بین مدرسه ایرانی وتاتار وبین هنرستان‌تیموریان را بخوبی نشان میدهند : اول این نسخه ـ دیوان قصائد و اشعار خواجوی کرمانی است که درآن علاقه وعشق ورزی ایرانی را بهمایون دختر امپراطور چین‌شرح داده وصورت آن را کشیده (۳)

---

۱ – مراجعه شود به Blochet : Musulman Painting ج ۱ ص ۱۵٦ و Migeon Manuel از تابلوی ۸۸ تا ۹۳

۲ – مراجعه به Dimand : A HandBook ص ۲۷

مربوط به Sakisian ; Le Miniature Persan ص ۳۲ Migeon : Manuel ص ۱۵۲ ج ۱

این نسخه را استادخوشنویس مشهورایرانی «میرعلی تبریزی» دربغداد سال ۷۹۹ هـ (۱۳۹٦ م) نوشته وبریکی از صورتها امضای استاد ایرانی «جنید سلطانی» است که درخدمت «سلطان احمد» ازامرای خانواده جلایر دربغداد بوده (۱)

نسخه دوم ــ راجع بهمان زمان خود تیمور و شامل چندین قصائد است که ازآنجمله تاریخ منظومی است که احمد تبریزی درچندباب راجع بفتوحات چنگیزخان نگاشته و درتصاویر این دو نسخه بسیاری از اوصاف آرایشی و تزیینی است که بعداً ازمشخصات مدرسه هرات درقرن نهم هجری (۱۵ م) شده ودرضمن آن صورت درختان رسا ونظرگاههای طبیعی است که در بین آنان کوهها وتپه‌ها بوده و بشکل اسفنجی (ابر) آنانرا ترسیم نموده و نباتات ریز ریزی است که آرایش و زینت تصویر بآن زیاد شده وبآن روشی خاص و نقشی مخصوص میدهد ودراین تصاویر رنگهای ثابت وتندی بکار رفته که تندی وحدت آنرا هیچگونه گردش روزگار وتغییرات زمان بهم نمیکشند و تمام اینها مابه‌الامتیاز وماده تفاوت وتفرقه بین تصاویر این دونسخه وبین صوراولیه درقرون ۷و۸ هجری است (قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱٤ میلادی) .

بااین‌وصف بهتر آن است که ماتصاویراین دونسخه خطی‌را بهیچیك ازهنرستان تیموری نسبت ندهیم زیراکه هنرستان تیموری در واقع متمثل بآخرین دوره تطور هنرستان تاتاری گردیده وبنابراین دوره مغول تا اوایل قرن ۹هجری (۱۵ م) امتداد میباید و خانواده جلایر دسته‌ای از مغول بودندکه در عراق عرب حکومت نموده و بغدادرا برای خود پایتخت قرار داده و این شهررا درتمام طول قرن۸هجری (۱٤) و قسمتی‌ازقرن۹ (۱۵)شهری مغولی گردانیدند و این عمل علی‌رغم استیلاء تیمور بر آن شهر در۷۹۵ هـ (۱۳۹۳ م) بوده .

مصادرتاریخی‌نشان میدهدکه‌سلطان‌اویس آخرین‌ملوك خاندان جلایر ازجمله ملوکی بوده‌که فن نقاشی را اصلاحات زیاد نموده و درآن موفقیتی زیاد پیدا کرده پس اشتباهی که بین این‌صور وبین‌تصاویر تیموری پیدا شده راجع بآن خواهد شدکه که اولی بدیگری مشابه ومتمثل شده و چنانکه ما قبلا متذکرشدیم واین‌خود حلقه

٤ــ مراجعه شود به‌تابلو های ۱۰ و۱۱ و ۱۲

تابلوی ۱۱



شکل ۱۵ منظره باغ از نسخه خطی منظومه خواجوی کرمانی موزه بریتانیا ـ مارتن



شکل ۵۱ تماشاگاه در باغ

از نسخه خطی منظومات خواجوی کرمانی در موزه بریتانیا مورخ ۷۹۸ هجری از مارتن



... از مصور ... سال ... هـ



... خواجوی کرمانی
در موزه ...

پیوستگی و اتصال بین هنرستان ایرانی تاتاری و بین مدارس تیموری شده و درحقیقت خود تیمور گذشته ازعشق وعلاقه ایکه بفنون جمیله وهنرهای زیبا داشته شخصاً در ایجاد و پیدایش طرازتصویری که مابنام‌اونسبت میدهیم‌مباشرت‌ننموده خلاصه‌آنکه تیمور چندان عامل قوی دراین هنر نبوده‌که این دوره بنام او تمام شده وپیشرفت و رشد طبیعی که برای هنر نقاشی در قرن ۸ (١٤) روی داده این فاتح را دستی زیاد درآن نبوده بلکه نامگذاری عادلانه آن رعایت و توجهی عالی بودکه شامل احوال خلفاء وجانشینان تیمور میگرددکه از نقاشان وصنعت نقاشی بعمل‌آمده .

درکتابخانه ملی مصر نسخهٔ از شاهنامه فردوسی وجود داردکه آنرا لطف‌الله بن یحیی بن محمد درشیراز سال۷٦٦ هـ (١٣٩٣ م) نوشته و درآن صفحه‌ای تذهیب شده و رنگین ترتیب داده‌اندکه٦٧صورت‌کوچك‌را داراست ودرصنعت وطرز نقاشی مناظرطبیعی وپوششها وشکل وشباهت‌به‌نسخه خطی کلیله ودمنه‌ای‌شبیه ومانند است که اکنون آن نسخه درکتابخانه ملی پاریس موجود است .(۱)

در مجموعه مستر شستربیتی (ChesterBeatty) شاهنامه دیگری بوده‌که در سال۸۰۱ هـ درشیراز نوشته شده (١٣٩٧ م)وحالیه درضمن یك‌مجلد باجزئی ازنسخه خطی دیگردرموزه بریطانیا مضبوط است وآن‌شامل چندقصیده ونظم بطرزواسلوب وروش‌کتاب شاهنامه میشود وتصاویر این دونسخه درصنعت و اصول فنی دقیق‌تر از صور موجوده در شاهنامه کتابخانه ملی مصر بوده و تناسب رنگهای آن زیادتر و رسمهای آن تازگی وتنوعی فراوان دارد .

خلاصه کلام آنکه مجموعه نسخه های خطی که در آخر قرن هشتم هجری (ده‌سال‌های‌آخرازقرن١٤م) نوشته شده برای‌آن مشخصاتی‌است‌که نبایدآنهارا حقیر شمرده وخوارگرفت یابنظر بی اعتنائی بآنان نگاه نمود چونانکه درآنان رنگهائی تابنده‌ودرخشان‌دیده میشودکه‌مناظرباغات‌وگلها وبهاررا نشان میدهد واین مشخصات بعدازآن ازخصایص ومعیزات هنروفن ایرانی‌گردیده واساتیدفنی دراین‌مورد بایجاد تناسبی شایسته رسیده وبنگارش صوری‌زیبا جهت اشخاص وتوافق وسازشی پسندیده

۱- مراجعه شود به Binyon, Wilkinsno&Grey : Persian Miniature Painting ص ٦٢ (٦)

ومطلوب بین موضوع نسخه کتاب و بین صورتهای مینیاتوری وتصاویر کوچك مبادرت نموده‌اند ودربعضی ازاین صور رسوم ونقشه‌هائی است که برای منسوجات (پارچه‌ها) وقالیچه وجانمازها تدارك‌شده ولیکن از آنهاچیزی بدست‌مانرسیده است وبزرگترین مزایا وبرتری دراینمورد نسبت بتوجه وپیشرفت نقاشی ایرانی مربوط بامرای‌خانواده جلایر شده و راجع بآنها میگردد .

هنرستان هرات

علاوه براینکه نقاشی ایرانی‌بعصرطلائی دوره جانشینان تیمور : پسرا رشاهرخ ونواده‌های وی : بایسنقر ابراهیم سلطان واسکندر بن عمرشیخ پیوسته میشود جای تعجب وشگفت نیست‌که در زمان ایشان وحدتی بانیرو و تکاملی قوی بوجود آمده که نقاشی‌روح ایرانیگری بخودگرفته وبطوری خودرا نشان میدهدکه‌کشف نمونه‌ها وعوامل اجنبی درآن خیلی دشوار ومشکل است ؛

آئین سیاست دولت امپراطوری تیمورلنك بایجاد وتاسیس هنرستان های فنی جندی اقتضا نمود ودرعین اینکه او درپایتخت دولت امپراطوری خود مشغول باداره نمودن امور کل‌کشورپهناورخویش بوداینگونه هنر وفنون را نیزرواج ورونق میداد . در نواحی مختلف هم امرائی بودندکه حکومت کرده و قلمرو فرمانفرمائی خود را شبیه‌ترین چیز بکشورهای‌متحده مینمودند جنانکه هرامیر از خود درباری‌داشته و دربعضی احوال‌نظام وراثی‌امورحکومتی وفرمانفرمائی همانطوربودکه‌درپایتخت‌کشور پهناور امپراطوری اجرا وپیروی میشد .

مثلا می بینیم که شاهرخ در دوره زندگانی پدرش تیمور لنك حاکم خراسان بوده وچون او وفات یافت پسرش جانشین وی شده اونیز درخراسان اقامت‌گزیده و هرات را پایتخت‌کشور خود نمود حکومت نواحی ماوراء النهر که‌سمرقند مرکزآن بود بالغ بیك داده وابراهیم سلطان را حاکم شیراز وحدود فارس نمود .

شاهرخ پادشاهی بزرگوارورشید وباوقار بوده وکشورایران دردوره شاهی او بآرامش و امنیت گذرانیده و شهرهرات مرکزی مهم ازبرای پیشه‌وهنر نقاشی گردید واین پادشاه درآنجا کتابخانه مهمی تأسیس نمود .

موقعی که پسرش بایسنقر حکومت عمومی قسمت هرات گردید او هم کتابخانه دیگری باهنرستان و دارالفنون از برای ترویج و تکثیر پیشه وهنر ترتیب داده و در آنجا نقاشان و تذهیب کارها و خوشنویسان وجلدسازهای زبر دست و سرآمدی را جمع‌آوری نمود واین بنگاه هنری کارهای مهمی را بنوبت خود درعمل نقاشی وکار تذهیب انجام داداساتید مذکور کسانی بودندکه ازشیراز وتبریزوسمرقند بهرات آمده و درانجام انتقال و تمرکزپیدا نمودند روابط ایران باکشور های خاور دور ازجهت استوارنمودن بنای دوستی و ارتباط هیچگاه وزمان بآن پایه نرسیده بودکه در دوره شاهرخ رسیده زیراکه در این دوره هیئت ها و مأمورین علمی و فنی اعزامی مابین ایران وممالك خاور دور آمد و شد نموده و مبادله میشدند و شاید این امر مربوط بتغییردوخانواده ای باشدکه درآندوره حکومت مینمودند .

پس همانطورکه حکومت مغول ایراندراواخرقرن هشتم هجری (١٤ م) بانتها و پایان رسید در همین بین حکومت خاندان یوان (Yuan) مغولی خاتمه پذیرفت ١٢٨٠ م — ١٢٦٧ م وبجای‌آنها خانواده منگ (Ming) (١٣٦٨ م — ١٦٤٦ جانشین ایشان‌گردید .

ازجمله چیزی‌که بیشتر جلب‌نظرمیکندآن‌است‌که بایسنقربایکی ازاین هیئت اعزامی علمی‌که بچین سفرکرده ٧٢٣- (١٤٢٠) نقاشی‌راکه نام او «غیاث‌الدین» بود همراه نموده واورا مکلف ومأمور داشته‌که هرچه را ازآثار بدیعه درراه وخط سیر خود می‌بیند صورت‌آن راکشیده وچگونگی‌آنرا شرح ووصف دهد .

غیاث‌الدین این‌مأموریترا انجام داده وتوصیف‌عمل اوراکمال‌الدین عبدالرزاق درکتاب « مطلع السعدین » خودکه‌آنرا مستشرق معروف کاترمیر « Quatremère » بفرانسه ترجمه نموده ونقل وحکایت‌کرده ، بعید نیست‌که غیاث‌الدین موقع برگشتن خود ازآنجا بعضی ازاستادان فنی وسرامدان چینی‌را یابرخی ازکارها ونمونه‌عملیات

و هنرایشان را باخود بهمراه آورده باشد(۱) در هرصورت نقش و رسم چینی وهنر صورتگری آنان درایران معروفیتی تمام یافته امراء و رجال فنی از آن تقدیرها کرده ودرپی این کوششها مینمودند و در جمع آن اصرار داشتند وبرای این فن تاثیری زیاد بوده که کشف و ایضاح وتمیز و تشخیص آن برای ما بی‌اندازه مشکل است ولیکن وقتی که ما آنرا دردست گرفته ومشاهده نمودیم ودرباره وجود آن قطع پیدا کردیم خواهیم دید دقت ومراقبتی راکه صنعت‌تصویرونقاشی بدان نائل گردیده ودرهنرستان هرات بوده علاوه براین بعضی از صورکه بنظرما رسیده دیده ایم که در آنها عوامل چینی و ایرانی دوش بدوش یکدیگر قرارگرفته ولیکن باهم اختلاط و آمیزش یافته ووحدتی قوی وتمام چنانکه درهنرستان تیموری داشته دراینجا ترتیب نداده است .

واضحتراز‌تمام صور صورتی‌است‌که درآن شاخه درختی ترسیم شده‌که بر آن گنجشکها نشسته اند و شخص تصورمیکندکه صورت مذکور از مصنوعـات عصری منگ(۱) (Ming) درچین است سپس در زیرآن خسر وشیرین دو عاشق ومعشوق ایرانی بلباس ایرانی و صورت چینی ترسیم شده وبطوری مبهم است‌که مورخین فنی ازجزم باینکه استاد سازنده این‌تصاویرایرانی است‌که فن‌وصنعت چینی‌را تقلید نموده ویا چینی‌است که از هنروکارایرانی تقلیدکرده عاجزند .(۲)

ولیکن ظاهرترین چیزی‌که موجب ومسبب تاثیر فارسی درفن دوره تیموری است عمل جلدسازی آن زمان میباشدکه باتصویرحیوانی که بااسلوب فن‌چینی‌زینت شده انجام‌گرفته و ازجمله مشخصات مینیاتور وصورهای‌کوچك مدرسه هرات ترسیم و نقش سرهای انسانی وحیوان است‌که برای آرایش در مینیاتورهای ارمنیه با صور کوچکی‌که استادان ارامنه‌کشیده‌اند دیده وشناخته میشوندکه تاریخ آن باواخرقرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری مربوط است (اواخرقرن۱۳ و اوایل قرن۱۴م)

ازجمله صورمهمه ایکه بهنرستان هرات نسبت داده‌اند صورتیست‌که در موزه

---

۱ - Binyon, Wilkinson& Gray : Persian Miniature Painting ص۵۶-۵۷
نقاش مینیاتور ایرانی

۲ - مراجعه بتابلوی ۱۶ شکل ۱۲

۳ - مراجعه شود بتابلوی ۱۸ دو شکل ۲۴ و ۲۵

هنرهای زیبای پاریس وجود دارد که صورت مزبور رسیدن امیرهمای را بدو بارچین نشان داده و تاریخ آن راجع بسال ۸۳٤ ﻫ است (۱٤۳۰ م و درآن صنعتی مخلوط و متناسب از صنعت لطیف و اسلوب ظریف ایرانی و جمال وزیبائی فن چینی در دوره منگ(Ming) ملاحظه میشود .(۱)

علاوه براین اثرآمیزش اسلوب فنی چینی درزمان منك بتقلید فنی ایرانی در تصاویر نسخه خطی « معراج نامه » که اکنون درکتابخانه ملی پاریس محفوظ است مشکل نبوده وبآسانی واضح خواهد شد .

نسخه مذکوردرسال۸٤۰ هجری (۱٤۳٦م) درهرات برای شاهرخ نوشته شده وبیشترتصویرآن دارای وضع مربعی شکل وازمتن نسخه خطی جدا ومستقل میباشد ودیده میشود که حضرت پیغمبرصلی‌الله علیه وآله روی براق سوار گردیده وجبرئیل درجلوآن حضرت قرارگرفته و فرشتگان اطراف اورا احاطه‌کرده ودرآسمانها سیر وگردش میکنند و پیغمبران دیگر بآن حضرت روبرو و مقابل میشوند و در صور فرشتگان ملاحظه میشود که صورتهای ایشان گرد و مستدیر و چشمان آنهاکوچك و ریز ومنحرف میباشد وتاثیر شکل وقیافه‌فن چینی را در صورت ازخود نشان میدهد چنانکه تاثیراین فن بفن چینی دراشکال وتقلیدی‌که براین روش ترسیم شده هویدا و ظاهراست بطوریکه ما می‌بینیم درصورت‌حضرت‌رسول ویاران‌اویکنوع طرح زیبائی وظرافت‌کاریست‌که نمونه صنعت عربی و ایرانی را ازخود نشان میدهد .

این صورتها روی همرفته جزء هنرهای زیبا بوده‌که زیاده دلفریب وقشنك‌است ورنگهای فیروزه‌ای وطلائی‌جلاء وبهای‌آنرا بی‌اندازه زیاد نموده ولی‌چیزیکه هست تکرارموضوعات آن تاحدی خالی ازملال نیست(۱)

شبیه باین صورتها در فن نقاشی و کار دوازده صورت کوچکی مینیاتور است که در موزه (متروپولیتان) نیویورك امریکا موجوداست وآنها درضمن‌نسخه شاهنامه ایست‌که میتوان آن را بنیمه اول قرن نهم هجری (۱۵ م) نسبت داد و از بدیعترین

---

۱ ـ مراجعه پت‌بلوی ۱٤ شکل ۱۹

۲ـمراجعه‌شودبه Migeon : Manuel ج ۱ص ۱۵٦ و E. Blochet:Les Enluminures des Manuscrits Orientaux de la Bibliothèque Nationale ص ۸۳ـ۸۵ کتابهای خطی شرقی کتابخانه ملی

تاویر آن صورتی است که نقش رستم را کشیده وعنان اسب خود (رخش) را دردست گرفته ودرطرفین آندو درخت باسلوب فن چینی نقاشی شده و دربالای آن دومرغ آبی بحـالت پروازند و درصورت دیگر نقش راکیکاوس کشیده که قصد دارد بوسیله دوکرکس که تخت خودرا بپای آنها بـسته بجانب آسمان پرواز کند (۲).

در موزه (متروپولیتان) نیویورك نسخه خطی دیگری از منظومات (خمسه نظامی) وجود دارد که در سال (۸۵۳) نوشته شده (۱٤٤۹) و دارای سی صفحه صورت است که هرکدام آن بواسطه رنگهای زیبا ودرخشان وصورتهای دلربای خود ممتازاست وشاید چیزی که ازاین تصاویر بیشترجالب توجه ونظرمیشود صورت فرهاد ومعشوقه او شیرین و اسبی که بر آن سوار است بوده باشد. (۳)

باوجود این لازم است ما دراینجا مابین صور مصنوعه هرات و تصاویری که در غیرآن از شهرهای ایران کشیده شده مانند شیراز وآنچه بدوره تیمور و جانشینان او است تفاوتی بخاطر نگذرانیم زیرا بطوریکه گفته شد سیاست حکومت در دوره آنها بهترین مشوق برای پیدایش مراکزفنی وبنگاههای هنری درکشورهای مختلفه امپراطوری بوده که هریك را افرادی ازخانواده سلطنتی اداره مینمودند و همین امر باعث تحول کار وتبادل نظر بزرگان و اساتید فنی بوده وآنها را وادار نموده که در سیر وحرکت درآمده مسافرت کنند وبرای تکمیل هنر بهرطرف نقل و انتقال نمایند و شاید مشهورتر ازهمه آنها کسی بوده که بیشتر مسافرت مینموده یا در نقل وتقلید دست داشته درصورتیکه بهره و نصیب اساتید فنی وهنرروران عادی که در وطن خود میزیستند وسفر نمینمودند جنبه دهاتی داشته وبرتری آن فقط دراین سبك و اسلوب بوده و ما از این قسمت نمونه هائی در نسخه خطی منظومه خمسه نظامی که اکنون در اونیورسیته (ابسال) وجود دارد(۳)مشاهده مینمائیم که تاریخ آن مربوط بسال

۱ـ مراجعه شود به Dmiand : A Handbook ص ۲۸

۲ ـ مراجعه شود به Dimand : A Handbook ص ۲۹

۳ـ مراجعه شود به Binyon. Wilkinson & : Gray : Persiatn Miniature Painting ص ۷۳

(۸۴۳هـ) و(۱۴۳۹میلادی) است و در قسمت موزه های برلن نیز تصاویری ازمجموعه اشعارفارسی‌موجود است که آنرادرسال۸۲۳ هـ(۱۴۲۵م) محمودکاتب‌حسینی درشیراز برای‌کتابخانه (امیربایسنقر) نوشته وزیباتر ازهمه تصاویر آندو صورت است :

یکی دیگرصورت خسرو است که بالای سر شیرین آمده وازچگونگی احوال او اطلاع می‌یابد ودیگری تصویرجنگی است که بین سپاه‌کسری (پرویز) با (بهرام چوبینه) واقع شده(۱)

از تصاویری‌که بدوره تیموری نسبت داده میشود جزعده قلیلی شناخته نشده حتی درنمایشگاه هنرهای زیبای ایرانی در لندن در سال (۱۹۳۱) که نزد طرفداران ومورخین فنی عده زیادی ازتصاویر وجود داشت وهمچنین ازطرف دولت اعلیحضرت شاهنشاه ایران نفیس‌ترین چیزی که داشته باین نمایشگاه فرستاده شده بود در میانه آن اشیاء چیزی از آن تصاویر دیده نمیشد .

و دراینجا چون برای ما مجالی جهت تتبع وتحقیق اینگونه تصاویر نیست لذا بآن اکتفا مینمائیم .

و خواننده را بمؤلفات و مقالاتی حواله میکنیم که در باره نمایشگاه مذکور نوشته شده .

خلاصه گفتار آنکه فن نقاشی در دوره تیمور و جانشینان او ترقی و نشو و نما یافته وباعلی درجه کمال رسید و بعدها درعصر بهزاد و شاگردان او بحد اکمل بالغ گردید ولی بعد از وفات شاهرخ سال ۸۵۱ - (۱۴۴۷) م امپراطوری تیموری را که زحمتی بسیاردرراه وحدت واتحادواعلای عظمت وشأن آن کشیده‌شده بودانحلال بجانب آن راه‌یافته جانشینان شاهرخ‌داخل منازعه‌و کشمکش گردیدند وطولی نکشید که قسمت غربی‌کشور ایران دردست دشمنان ایشان و قبایل ترکمان معروف بآق‌-

---

۱- مراجعه شود بتابلوی ۱۳ شکل ۱۸ و مربوط Kühnel : Islamische Kunst در جزء ششم از تابلوی ششم Springer : Handbuch der Kunstgeschichte ومراجعه بمقاله دکتر کوئل در Jahrbuch der Preusischen Kunstsammlungen جزء ۲ ص ۱۳۳ و مابعد آن

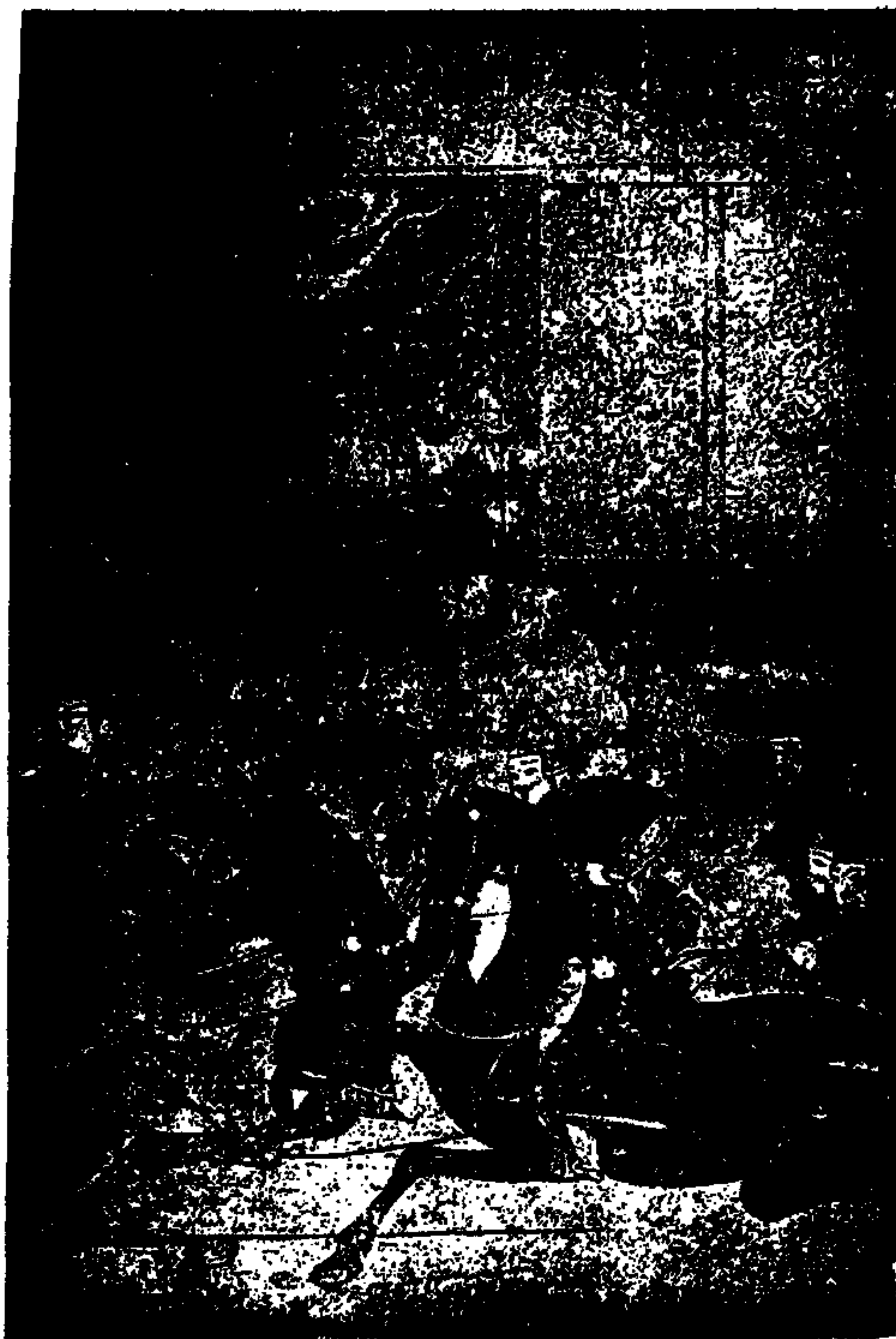
قوینلو (صاحبان گوسفندان سفید) و قراقوینلو (صاحبان گوسفندان سیاه) افتاد و این عنوان شعارجنگی آن دوطایفه بود .

« سلطان ابوسعید » درسال ۸۷۳ وفات نموده (۱۴٦۸ ام) و او قصد داشت که کشورهای اقالیم ازدست رفته‌را مسترد سازدوامپراطوری (اوزبك) هم‌درقسمت ماوراء النهرپیدایش وظهوریافت‌ودراواخرقرن ۱۴م توانست دراین قسمت‌ها ودرنواحی‌شرق ایران بنفوذ تیموریان خاتمه دهد وتنها هرات پایتخت جانشینان تیموریاقی‌ماند واین محنت‌ها جزبرپیشرفت ودرخشندگی وجلای هنرنقاشی نیفزود :

حکومت «سلطان‌حسین بایقرا» ۸۷۳ ـ ۹۱۲ (۱۴٦۸ ـ ۱۵۰٦) ازدرخشنده‌ترین دوره تیموریان است زیرا که دراین عصررجال ادب و هنر و تاریخ بجانب هرات با همدیگرمسابقه گذاشته وپیشرفت مینمودند و سلطان بدینواسطه توانست که تخت و تاج آبا واجدادی خود را نگاه دارد وبازوی توانا ومددکار عمده وی وزیر و رفیق وفادارزمان کودکی‌او (امیرعلیشیر) بوده که‌اومانندشاه شاعروادب دوست ودانش‌پرور و طرفدار بزرك ادباء ورجال پیشه وهنربوده .

بهرحال درخدمت سلطان حسین بایقرا ـ ووزیر او ـ امیرعلیشیر ـ بزرگترین نقاش‌ها واساتید فنی ایرانی و مشهورترین رجال هنرور اسلامی که « بهزاد » سرآمد همه ایشان است بروز وظهور یافته‌اند .

تابلوی ۱۳



شکل ۱۸ـ خسرو در کشتن بهرام (هنرستان ایران و تاتار ۸۲۳ هجری) نسخه خطی کتابخانه بایسنقر (موزه برلن)

تابلوی ۱۴



شکلی ۱۹ دیدار هما و همایون درباغ قصر هنرستانی تیموری در اول قرن ۹ هجری

تابلوی ۱۶



شکل ۱۲: خسرو و شیرین — هنرستان تیموری در اوایل قرن ۹ هجری مجموعهٔ ویور

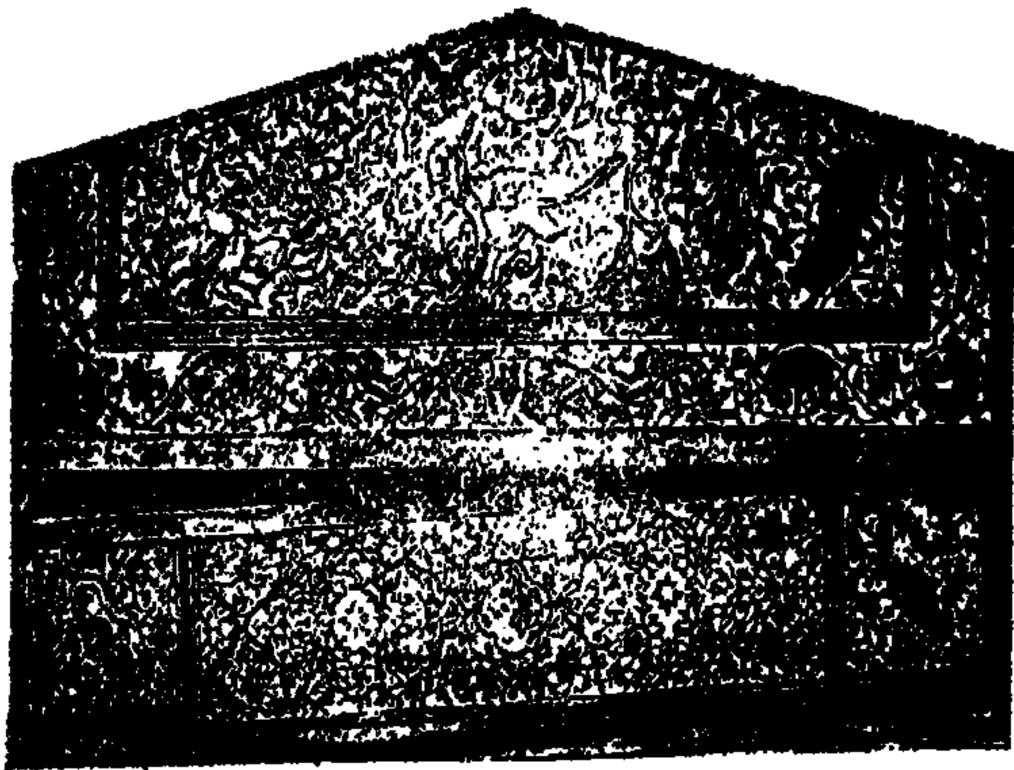
تابلوی ۱۷

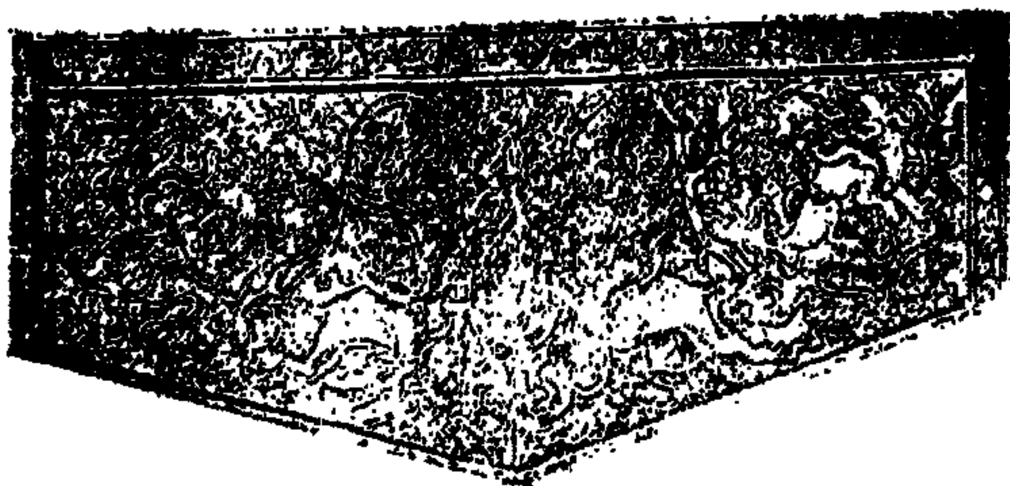




شکل ۲۲ و ۲۳ نقاشی بطرز چینی – هنرستان هرات در نیمه اول قرن ۹ هجری استانبول – ازساکسیان

تابلوی ۱۸





دوشکل ۲٤ و ۲۵ – زبانه مجلد نفیس بنام شاهرخ
هنرستان هرات سال ۸٤۲ کتابخانه سرای بستانی استانبول ساکیان

تابلوی ۱۹



شکل [illegible] مجموعه ساکیسیان



شکل ۲۷ ـ جماعتی از صوفیه در باغ از مصور [illegible] محفوظ کتابخانه
بودلی اکسفرد

فصل پنجم

بهزاد و معاصرین او
هنرستان بخارا

بهزاد در سال ۸٥٤ هجری ـ ۱٤٥۰ درهرات تولد یافته و هنر نقاشی را نزد (پیر سید احمد) تبریزی فراگرفته ودیگران گویند که بهزاد نقاشی را نزد میرك نقاش درهرات آموخته بود درهرصورت اودرتحت توجه ورعایت وقدردانی وتشویق سلطان حسین بایقرا و وزیر او امیر علیشیر بمقام عـالی هنر رسیده و تعلیماتی شایسته یافت .

بهزاد در هرات بود تا اینکه ستاره تیموریان غروب نمود و دولت آنان زوال پذیرفت و انقراض آن دولت بدست محمد خان شیبانی که بر پایتخت ایشان استیلا یافت در۹۱۳ (۱۵۰۷) فراهم آمد .

دراین وقت بهزاد جایگاه خود راکه درهرات داشت ترك ننموده و بدینگونه بودتا شاه اسمعیل صفوی در۹۱٦ (۱۵۱۰) برهرات دست یافته وبهزاد باشاه اسمعیل به تبریز انتقال گزید .

بهزادنزد پادشاه صفوی وجانشین او شاه طهماسب اهمیت ومکانتی بسزا یافت و بمقامی نائل گردیدکه کمتر استادی ازاهل پیشه وهنربدان پایه ومقام رسیده است .

« روایت میکنند : وقتی که بین شاه اسمعیل وترکهای عثمانی جنك در گرفت (۹۲۰ ـ ۱٦۱٤) شاه ازفرط الفت وعلاقه ایکه ببهزاد داشت بیم ودهشتی که نسبت بوی پیدا نموده بود خواست که اورا با همکارش شاه محمود نیشابوری خوشنویس مشهوربرای ترسی که ازاتلاف اندوداشت پنهان کند لذا امرداد آندو را در صندوقی نهادند و موقعی که جنك تمام شد اول اندیشه شاه اطمینان برسلامتی آندو استادبود

درسال ۹۳۰ هجری (۱۵۲۲) شاه اسمعیل بهزاد را مدیر کتابخانه سلطنتی و رئیس کل امنای کتابخانه و کتابدارها وخوشنویسان و نقاشان وتذهیب کارها گردانید .

خواند امیرمورخ فرمان انتخاب وتعیین اورا برای ما درتاریخ خود ضبط نموده واین وثیقه واعتبارنامه مهم باترجمه فرانسه آن درجزء ۲٤ ازجمله (العالم الاسلامی۱) انتشاریافته(۲)Revue du Monde Musulman ونیزاستادارنولد) فرمان مزبوررادر آخرکتاب خود نقاشی بانگلیسی در اسلام) ترجمه نموده .

بهزاد شهرتی زیاد احرازنموده و اشتهاراو ازنقاشان دیگرازمعاصرین یا اخلاف وی زیادترشده وقیاصره وامپراطوران مغولی هندوستان درگردآوردن هنرهای یدی این استاد واعجاب باشگفت بآنها سبقت گرفته و لیکن روی همین بهره ونصیب بود، که نقاشان واساتید فنی وادارشدندکه از او تقلید وپیروی نمایند و خوشنویسان و هواخواهان این هنر درصدد برآمدند صوری راکه کاراونبود باونسبت دهند وامضای اورا برای ربح مادی باافتخار ادبی تقلید کنند لذا بیشترتصاویری را که پرتوی از نورعملیات این استاد بزرگوارمیگرفت مورخین فن اسلامی درصحت آن نسبت باین استاد بشك وتردید افتاده‌اند :

بااین وصف (بهزاد) ازاساتید درجهٔ اول ایران است واومابین اهل پیشه‌وهنر اول کسی است که آنچه را نقاشی کرده بامضای خود رقم نموده ومعروف این است که امضا در فنون و هنر شرقی بآن اهمیت که هنر و فنون غربی بدان رسیده بالغ نشده وشخصیت او اهل پیشه وهنررا رشد وترقی‌وپیشرفت داده واوبحقوق افتخاری خود نسبت بهنری‌که بدست خود انجام میداده آگاه شده(۲) این است ، طرفداران بهزاد و مورخینی که داخل دربحث و رسیدگی بتصاویر وکار های نقاشی میشوند عملی را ببهزاد نسبت داده و صحت آنرا تصدیق میکنند که دارای امضاء او است واینگونه عمل و کاررا مورد توجه قرارداده وخواهند داد چنانکه نمایشگاه

---

۱ ــ تحت عنوان Deux documents indits بقلم Mirza Mohammed Qazwini et L. Bouvat rlaatifs à Behzad

۲ ــ مراجعه شود به Kuhnel : Miniaturmalerei ص ۱٦ و Arnold: Painting in Islam ص ۷۱

تابلوی ۲۱

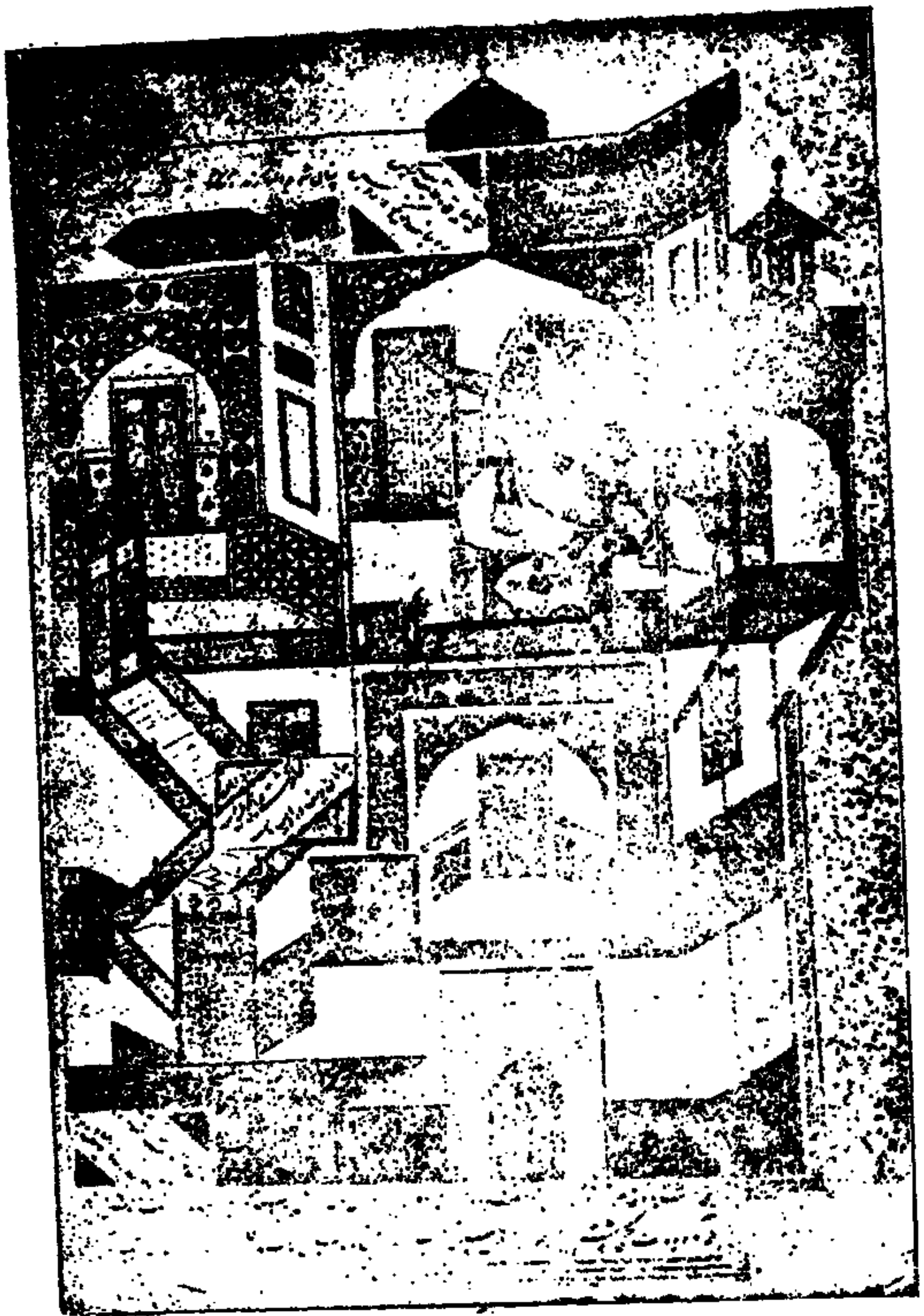


عمل بهزاد از نسخه خطی بوستان سعدی کتابخانه مصر مورخ ۸۹۳ هجری



شکل۲۸و۲۹ _ از سلطان حسین میرزا درمهمانی

تابلوی ۲۲



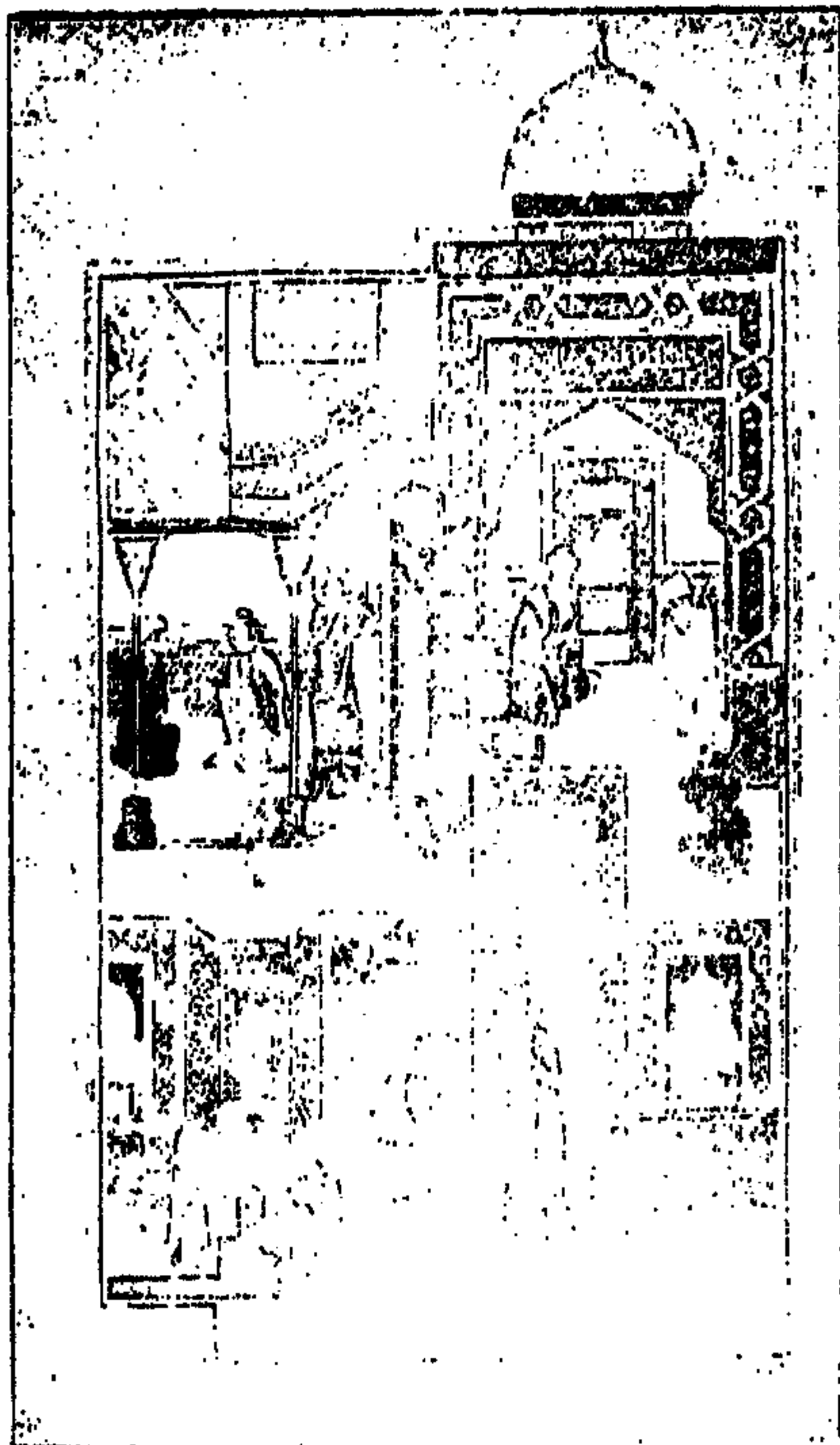
شکل ۳۰ فرار یوسف اززلیخا عمل بهزاد - از نسخه خطی بوستان سعدی کتابخانه مصرمورخ ۸۹۳

تابلوی ۲۳



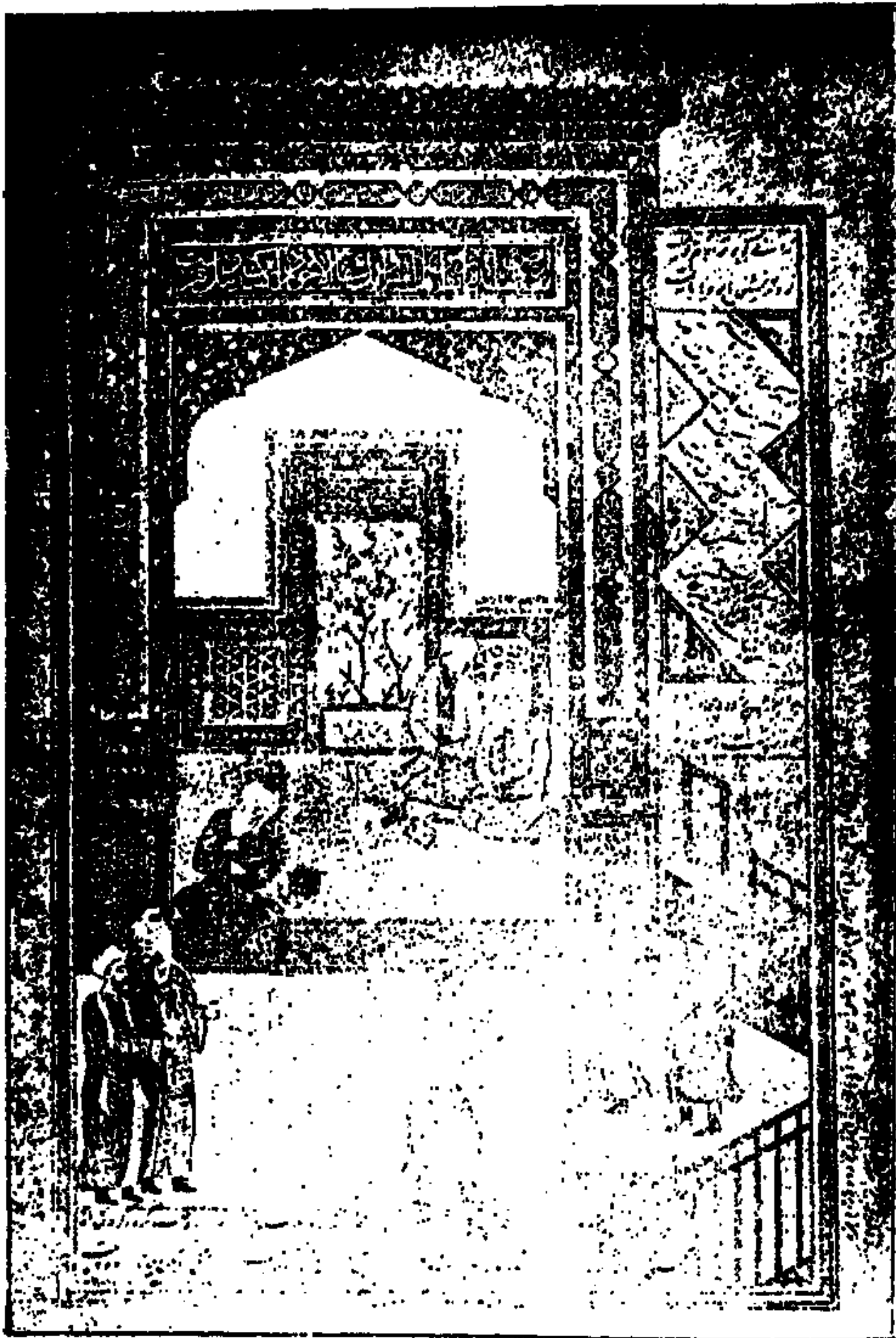
شکل ۱۳ چوپان و دارا پادشاه ایران از نسخه خطی بوستان سعدی کتابخانه مصر ۸۹۳ هجری

تابلوی ۲٤



شکل ۲۲ - [illegible] مورخ ۸۹۳ هجری

شکل ۳۳



فقهاء درحالت مباحثه عمل بهزاد از نسخه خطی بوستان سعدی کتابخانه مصر مورخ ۸۹۳

تابلوی ٣٦



شکل ٣٤ـ تصویر درویش بغداد (بهزاد) مجموعهٔ شستربی

که برای (سلطان‌حسین بایقرا) و (محمدخان‌شیبانی) کشیده که یکی از آنها ناتمام است وبرای این دوصورت ارزش وبهائی خیلی زیاد است واین دوصورت اول چیزی است که ما درقسمت نقاشی ایرانی از تصاویر شخص حقیقی می‌بینیم که درآن شخصی را بشکل اصلی وهیئت و صفات جسمانی خود بدقت کشیده وتتبع وتحقیق را بکار برده و از جمله صوری است که کشیدن نظیر آن در آن عصر از اساتید فنی آسیا جز چینی‌ها وژاپونی‌ها برای دیگری مقدور نبوده واز استادان آن‌زمان احدی بمانندآن دراین حدود نقاشی ننموده . (۱)

استاد دکتر کونل (Dr. Kühnel) بطوریکه‌ملاحظه نموده‌دراینجا علامتی‌است که بیشتر صور ترسیمی ازکار بهزاد را تمیز وتشخیص میدهد وآن صاحب شکل و قیافه و صورت بربری است‌که شاید نقاش عالی مقام ما درآن بهترین وسیله را برای نشان دادن تفاوت وفرق بین قیافه بربری باقیافه دیگر اشخاص از جنس سفید پوست بنظرگرفته وگاهی ملاحظه شده‌که بهزاد ازکشیدن صورت زنان بقدری‌که توانسته اجتناب وخودداری نموده .(۲)

شایسته آن است‌که کتابخانه مصر (دارالکتب المصریه) به نسخه خطی خود ازکتاب (بوستان سعدی) که شامل پنج تصویراست افتخار نمایدکه دراین عصرحاضر تقریباً متین ترین اساسی است‌که استادی و مهارت و برتری بهزاد را میتوان بآنها استناد نمود زیرا اطمینان و اعتماد ما بصحت نسبت این صور بهزاد بیشتر از وثوق و اعتمادی است‌که در دیگرصورتها مشاهده میکنیم چراکه این نسخه خطی در نهایت بداعت و منتهای دقت در صناعت است و آنرا بزرگترین خوشنویسان آن زمان (میرعلی کاتب) در۸۹۳(۱٤۸۸) جهت (سلطان حسین بایقرا) نوشته و صورت او در اول این نسخه ترسیم گردیده . (۳)

طبیعی است‌که نقاشی مانند این چنین نسخه نفیس واینگونه تحفه بسیارممتاز

---

۱ - مراجعه شود به Sakisian : ibid ص ٦٧- ٦٨

۲ - مراجعه شود به Kuhnel : Islamische Kleinkunst ص ۵۰

۳ - مراجعه بتابلوی ۲۱ دو شکل ۲۸ و ۲۹

بخود بهزاد واگذار شده و درهرحال درآن چهار صورت است که بهریك امضاء این استاد بعنوان (عمل العبد بهزاد) تصریح گردیده (۱) .

دراین صورت مهارت وزبردستی فوق‌العاده ای پدیدار میشودکه چگونه بهزاد درترکیب رنگها وحکایت نمودن ازطبیعت در اینجا امتیاز یافته و توجه در تشخیص هریك از اشخاص نسبت بیکدیگر و تعبیر و بیان حالات مختلفه و روحیه هریك را چگونه نموده و درصورتیکه تمثال ملك دارا را با شبان اسبان یا رمه بان وی نشان میدهد(۲)وچگونه‌موفقیت بهزادرا درکشیدن‌صورت طبیعی‌ریفی ووضعیت دهکده‌ای و برتری واستادی آن درترسیم صور اسب ها بخوبی معلوم مینماید ودرچهار صورت دیگریکی تصویر حضرت یوسف را کشیده‌که از زلیخا زن عزیز مصر فرار میکند . درآن موقعی‌که زلیخا برای فریفتن یوسف قصری هفت طبقه‌که دارای‌هفت دستگاه و ایوانی هفت‌گانه بوده . ساخته و در غرفه های داخلی هردستگاه صورتهائی‌کشیده شده‌که زلیخا بین دودست یوسف قرار گرفته و اندیشه اواین بوده وقتی‌که یوسف آنها را دید ناچار بدام او میافتد لیکن یوسف بمکر وتزویر او متوجه شده و خود را مشغول نماز نموده و درها را بازکرده ویوسف‌ازشر زلیخا نجات یافته ودر ترسیم این صورتهاآنچه راکه‌عادت ورسم ایرانیان‌در تصویربوده ازپوشانیدن روی پیغمبران و برقع گذاشتن برروی ایشان و احاطه دادن سرهای انبیا را بدایره از نور مشاهده مینمائیم (۳) :

درصورت دیگر بعضی ازعلماء مذهبی و روحانیون را نقاشی نموده‌که در میان مسجد بمناظره ومباحثه علمی مشغولند (٤) . ودر صورت مناظر دیگری رادرمسجد

---

۱ ـ چنانکه در اول این نسخه خطی چهار صفحه رنگین (سرلوح) با رنگهای آبی و وطلائی و درکنار یکی ازاین صفحه ها عبارت زیر است «عمل‌العبد ماری‌المذهب» مراجعه به G. Wiet : L' Fxposition persane de 1931 ص ٧٤ و مابعد آن

۲ ـ مراجعه بتابلوی ۲۳ شکل ۳۱

۳ ـ مراجعه بتابلوی۲۲ شکل۳۰ وملاحظه‌به Arnold:Painting in Islam ص۱۰۵ و ما بعد آن

٤ ـ مراجعه بتابلوی ۲۵ شکل ۳۳

نشان میدهد (۱)

درموزه بریتانیا سه صورت درنسخه خطی کوچك ازمنظومات خمسه نظامی است که امضای بهزاد بر آن رقم شده و صنعت آن از ابداع و اختراع و دقت نظر بطوری است که مجال زیادی برای شك در صحت و درستی این نسبت نمیگذارد ودو صورت آن دو میدان جنك را نشان میدهد که فن نقاشی ایران بجانب تصویر مانند آندو صورت در قوه ونیروی تعبیر وبیان و آزادی فنی نخواهد رسید.

درآنجا صورتی درنسخه خطی ازکتاب بوستان سعدی است که اکنون (مستر شیستر بیتی) دارنده آنست ودربعضی از آن امضای بهزاد وجود دارد لیکن ما نمیخواهیم در اینجا هرچه راکه باین استاد نسبت داده میشود بمورد بیان و اظهار بیاوریم زیرا که مارا فرصت ومجالی برای مناقشه صحت این نسبت یاخطا واشتباه آن نیست (۲)

بعضی از مورخین فنی چنین اندیشیده اند: (بهزاد) شایسته آنهمه شهرتی که بآن نائل شده است نبوده وحق این است که مشکل است ما درکارهای اواز مهارت و زبردستی و توانائی خارق عادت چیزی را بیابیم که شایسته تمام این شهرتها باشد چنانکه نیز مشکل است او را مؤسس هنرستان یا طرازی نو بمعنای جدیدی که ما میفهمیم اعتبار نمود ولیکن باوجود این بهزاد نقاشی توانا وصورتگری قابل و ماهر بوده که در نزد وی تبدلات و تنوع نقاشی ایرانی وگوناگون شدن این فن در دوره هنرستان ایران وتاتار وهنرستان تیموری بدرجه کمال رسیده او تقدم خود را دراین خصوص باعلی درجه امتیاز رسانیده وپس از آن این استاد زبردست توانسته که بقدرت عجیبه وزبردستی ومهارت فوق العاده خود درتناسب فنی وترکیب نقاشی ورنك آمیزیها ومراعات اصول طبیعت و ملاحظه بکاربردن نکات و دقائق و اسرار صورت اشخاصی که کشیده و کار نموده آنها را تمامی متناسب باعملیات و حالات روحیه آنها قرار دهد.

۱- مراجعه بتابلوی ۲۵ شکل ۳۳

۲ - مراجعه بتابلوی ۲٤ وشکل ۳۲ ومطابق با Binyon. Wilkmson & Gray:ibid ص ۹۸ - ۹۹ و Wiet : L'Exposition persane de 1931 ص ۲٤ - ۷۸

۳- مراجعه بمقاله ایکه استاد اتنکهوزن Ettinghausen. از بهزاد درذیل دائرة المعارف الاسلامیه صفحه ٤۰ - ٤۲ ازنسخه فرانسه نوشته ومطابق با Arnold : Painting in Islam

ما میتوانیم بگوئیم که بهزاد بواسطه تمام این عملیات توانسته که خوشنودی و رضای خاطر معاصرین خودرا فراهم نماید وبشهرتی برسدکه هیچیك ازاساتید فنی دیگر دردنیای اسلامی با او برابری ننمایند .(۱)

قاسم علی :

دراین موقع استادی دیگری درنیمه دوم قرن نهم‌ه(۱۵ م) درهرات بحدکمال رسید که برای مورخین فنی اسلامی نام او ناشناخت ومجهول مانده وگاه میشودکه بین آثار وکار اوبا آثاروعمل بهزاد اشتباه میکنند حتی اینکه استاد(ساکسیان) برای تحقیق ورسیدگی تصاویری‌که ازاستاد مذکورنمایش داده وامضاهائی‌که منسوب باو دانسته بخطا رفته وخطای او آشکار شده .

در نسخه خطی از اشعار خمسه نظامی که تاریخ آن ۸۹۹ (۱۴۹۳) است و اکنون در موزه بریتانیا بایگانی شده امضاء (قاسمعلی‌نقاش) در تصویری ازاین نسخه رقم شده‌که برای امضاء دروغی منتسب به بهزاد هم وجود دارد .(۲)

باوجود اینکه امضای قاسمعلی جز در یکی ازهفت صورت از صور این نسخه بظهور نرسیده ساکسیان عقیده داردکه شش صورت در این نسخه تصویری باشدکه مدرسه درهوای آزاد را نشان میدهد . (۳)

دراینجا معلم پیری دست دراز نموده تاکتابی راکه یکی ازشاگردان باونشان میدهد بگیرد و این شاگردکه آنرا زحمت رنج و تعب لاغر و ناتوان نموده وحالت خواب وپینکی برای او دست داده ودوشاگرد دیگرکه داخل درموضوعی شده اند که هیچگونه علاقه وپیوستگی بدرس وبحث ندارد و آنسودختر جوان‌که بنحوی از غنج و دلال و شرمندگی وانفعال درگفتار با همکار خود استعانت و یاری میجویند و درخت کاج پرشاخه ایکه برسر معلم رساگی [illegible] بیبا ازجمله آثار جمیله و زیبائی است‌که [illegible] جانب خرد میکشاند .

---

۱ - [illegible]

۲ - [illegible] ص ۷۴ [illegible]

۳ - [illegible]

و نیز از جمله صور زیبا وممتاز صورتی است که جمعی از زنان را در خزانه حمام نشان میدهد که برخی ازایشان درحال طرب و شادی بوده و عود مینوازند و یکی ازآنان دست رفیق خودرا گرفته و اورا برای فرود آمدن درآب میخواند و از روزنه‌ایکه ببرکه‌آب وخزانه حمام پیوسته است نظربیگانه بجانب آنها نگران‌شده و در طرف چپ این صورت باغی است‌که در آن بدرختهای سرو و نیم درخت های گلدار و پرشکوفه‌نمودار است .(۱)

امضای قاسمعلی در صورتی از نسخه خطی‌کتابخانه بودلیان اکسفرد بدست آمده که تاریخ آن ۸۹۰ هجری (۱۴۸۵) است و این صورت جماعتی از صوفیه را نشان میدهد که در باغی‌گردهم برآمده بصحبت و اختلاط مشغولند (۲) .

درهرصورت صوری‌که درنمایشگاه ایرانی لندن بنمایش گذارده شده ۱۹۳۱ مؤید مطالبی است‌که مورخ مشهور (خواندامیر) (۳) ازقاسمعلی ذکرکرده و مهارت فوق‌العاده او را در ترکیب و طرز رنك آمیزی و طرح و رسم صور اشخاص اظهـار نموده .

ازجمله‌کسانیکه از شاگردان بهزاد نقاش اشتهار یافته‌اند شیخ زاده خراسانی و میرمنصور سلطان و آغا میرك ومظفرعلی است‌که عنقریب در فصل‌آینده از ایشان سخن بمیان خواهد آمد (٤) .

هنرستان بخارا

قرن دهم هجری

هرات در سنه ۹۱۳ (۱۵۰۷ م) در دست غارتگران و یغمائیان ازبك که در رأس ایشان خان شیبانی بوده سقوط نموده وحاکم هرات‌که در آنوقت (امیربدیع -

---

۱ - مراجعه بتابلوی ۲۹ شکل ۳۸

۲ـ مراجعه بتابلوی ۲۰ شکل ۲۷

۳- مراجعه به Wilkinson، Binyon، Arnold Paioting in Lslam ص ۱۳۹-۱٤۰ & Gyray ibid ص ۱۹

٤ - مراجعه به . Arnod ibid ص ۱٤۱-۱٤۵



شکل ۳۶ منظره در حمام (گرمابه)



شکل ۳۷ بنای مسجد از نسخه خطی موزه بریتانیا

تابلوی ۲۹



شکل ۲۸ — زنها درحمام و نظر بیگانه بایشان



شکل ۲۹— آموزشگاه درهوای آزاد

عمل قاسم علی سنه ۸۹۹ه‍ از نسخه خطی خمسه نظامی سلطان حسین میرزا —موزه بریتانیا

تابلوی ۳۰

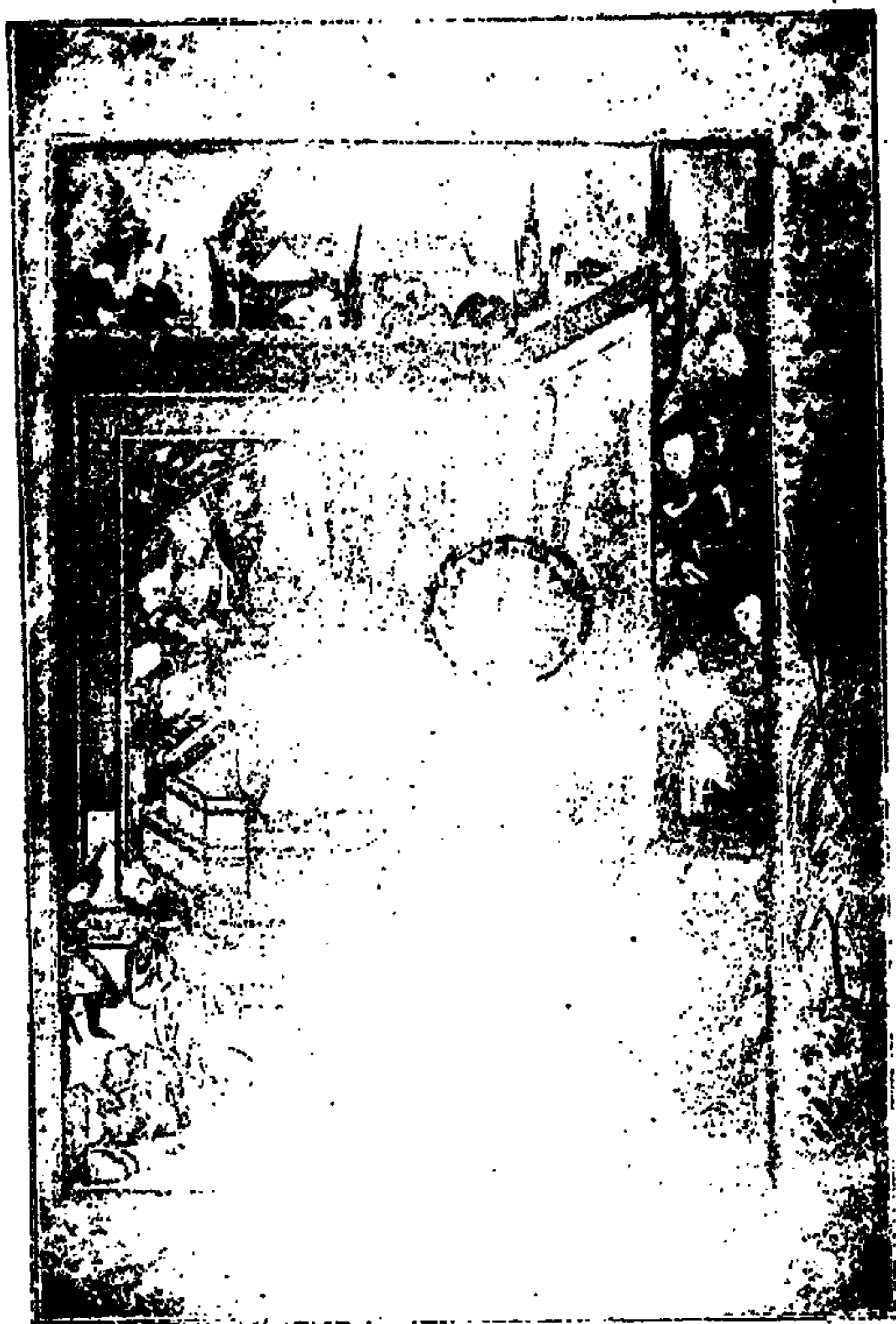


شکل ۴۰ پیرزن و داد خواهی اواز سلطان سنجر عمل محمود مذهب هنرستان بخارا
کتابخانه ملی پاریس

ضمیمه تابلوی ۳۰



شکل ۱٤ سلطان سنجر هنرستان بخارا دمتی محمود مذهب از مخزن الاسرار نظامی
کتابخانه ملی پاریس



شکل ۴۲ تاجگذاری خسرو [illegible] نسخه خطی نظامی شاه طهماسب موزه بریتانیا

تابلوی ۳۲



شکل ۳۲ مینیاتور دوره هنرستان صفویه قرن ۱۶ در نسخه خطی شاه طهماسب موزه بریتانیا

الزمان) بوده به تبریز فرار نمود .

اگرچه سرآمد و رکن ایشان که (بهزاد) بود درهرات ماند در هرحال غلبه وپیشرفت شیبانی‌ها چندان‌دوام نیاورده وطولی‌نکشید که‌شاه اسمیل‌صفوی بحکومت آنها خاتمه داده و امیر ایشان محمد خان شیبانی را در جنك مرو سال ۹۱۹ هجری شکست داد ۹۱۶ ه(۱۵۱۰م)سپس‌خراسان‌را بمتصرفات‌خود ضمیمه‌نمود ولی‌این‌تمدن وترقی‌هرات‌بآن‌پایه‌ودرجه‌باقی‌نماند . شیبانی‌ها که‌درسمرقندو بخاراحکومت‌مینمودند ازبین رفته و از بلاد ماوراء النهر جیزی در دست ایشان نماند خراسان هم روی خود را بجانب تبریز گردانیده و بسیاری از هنروران و اساتید فنی بطرف تبریز گرائیده و مهاجرت گزیدند ونیزمردمی‌زیادی از دیگرمردمان‌بسمرقند وبخارا هجرت نموده و برخی ازایشان درهرات ماندند چنانکه نسخه های خطی چندی‌که دراوایل قرن ۱۱ (ثلث اول از قرن ۱۶) نوشته شده برآن دلالت دارد وبریکی ازصورآن نام (محمد مؤمن) رقم شده (۱) .

درسال ۹۴۲ (۱۵۳۵) دوباره مقدور شد که ازبك برهرات استیلا یافته آنجا را غارت کند لذا ازبکها بآنجانب تاخت و تاز نموده و تمامی آنحدود را بمعرض نهب وغارت درآوردند و در اثر آن بسیاری از بقایای رجال فنی وهنرپیشه‌گان‌که در هرات بودند ببخارا مهاجرت نمودند ، شاید چیزی که آنها را برفتن بخارا بیشتر تشویق مینمود آن بوده که مردم خراسان بعد از فتح صفویه پیرو مذهب شیعه شدند و از احتیاجی‌که باین مذهب داشتند پذیرفتاراین‌مذهب‌گردیدند درصورتیکه شیبانی ها مانند اسلاف و گذشتگان خود از تیمور و جانشینان او سنی بودند.

آنچه‌که معروف است تعداد تصاویر هنرستان بخاراکم و اندك است ولیکن باوجوداین‌درنمایشگاه‌صنعتی‌ایران درلندن۱۹۳۱بین اشیاء نمایشی‌مقداری‌زیاد ازآن تصاویررا بمعرض نمایش‌گذاشته بودند وبعضی از تصاویر نامبرده کار استاد صورتگر (محمود مذهب) بودکه در سر استادان این هنرستان قرار داشته و سرآمد اساتید هنر بوده .

---

۱ — مراجعه به Sakisian La Miniature persane ص ۸۸

علاوه بر این بدبعتر چیزی را که ما از کار این استاد هنر میشناسیم تنها صورتی است که در نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس موجود است و آنرا جهت قسمتی ازمنظومه خمسه نظامی(مخزن‌الاسرار)کشیده این نسخه‌را دربخارا سال ٩٤٤ (١٥٣٧) خطاط مشهور (میرعلی) نوشته لیکن تاریخ [illegible] که در آن است ٩٥٣ هجری (١٥٤٦ م) میباشدکه درآنصورت (سلطان سنجر سلجوقی) راکشیده و شاه با حواشی و اطرافیهای خود براهی روان است و پیرزنی دامن سنجر را گرفته و دادخواهی میکند تا ستمی راکه بوی رسیده بازخواست نموده و رفع آن ناروائی را از وی بنماید(١) .

صوری‌که درنیمه اول قرن دهم هجری (١٦ م) دربخاراکشیده شده بواسطه ثابت بودن رنگها وتابش آن وپدیداری اثر بهزاد در آنان از دیگران ممتاز گردیده واین موضوع تعجبی ندارد زیراکه هنرستان بخارا جزدرطول وامتداد دوره تیموری نبوده و از اولین نمونه آن نسخه‌ای از (بوستان سعدی) است که در کتابخانه ملی پاریس موجود است و نیز کتابی است‌که درسال ٩٦٤ هـ (١٥٥٥ م) در بخارا نوشته شده و با تصاویر زینت و آرایش یافته‌که شباهت بسیار بکار بهزاد درنسخه بوستان سعدی [illegible] که در [illegible] موجود است(٢)

[illegible] موجود است‌که جزءکلکسیون [illegible] تاریخ آن مربوط بسال ٩٨٣ (١٥٧٥) میگردد [illegible] ظریف وممتازی است‌که چهره و سیمای مرد [illegible] که با یکدیگر برخورد و ملاقات میکنند و بر آن امضای [illegible] (عبدالله نقاش) است که در صورت مذکور تمام مزایا و خصایص فن نقاشی اواخر قرن نهم هجری (١٥ م) موجود است

---

١ ـ لوحه سه شکل ٤٠ و ٤١ که در آن ملاحظه سرپوشها در صور مدرسه بخارا بعمل میآیدکه از کلاههای بلند ترکدار بوده عمامه در قسمت زیرین خود احاطه دارد مراجعه بصورت (پیرزن و سلطان سنجر) L. Binyon the Poëms of Nizami ص ١٥

٢ ـ Blochet : Les Enlusminures در تابلوی ٥٧ و ٥٨

حق این است که نقاشی در بلاد ماوراءالنهر دامنه وسیعی نیافته و مدت زیادی در آنجا رونق و جلا نداشته معذلك هنرستان بخارا جمود و وقفه وعدم تنوع و تطور خود را حفظ نموده و در آن فنا و اضمحلال و نطوری که در قسمت نقاشی و طرز و اسلوب آن در دوره صفویه از نیمه قرن دهم شروع شده اوبحال خود باقی مانده و این وضعیت را محفوظ داشته .

خلاصه بهرطوری که بوده دوره نقاشی بخارا تقریباً درانتهای قرن دهم خاتمه یافته و بلاد ماوراء النهر از هنر نقاشی ایرانی غریب و بیگانه میشود چنانکه قبل از سقوط و انقراض تیموریان هم آنجا باین فن بیگانه وناشناس بوده است .

۱ - مراجعه شود Diamand A . Hand Book ص ٤٤ – ٤٦

فصل ششم

هنرستان صفویه

دورهٔ فرمانفرمائی وسلطنت خانوادهٔ صفویه در ایران عصر رفاهیت و روزگار آسایش وخوشگذرانی وفراوانی نعمت وزمان ترقی وپیشرفت هنر و صنعت است در این عهد پیشرفت ها وتحول زیادی درفنون و هنر رخ نموده و صنایع و فنون مراتبی عمده را پیموده مخصوصاً هنرنقاشی درنیمهٔ اول حکومت طولانی این دودمان بدرجهٔ بلندی از ابداع وتازه‌کاری واستواری رسیده وبرای آن تعجبی نیست زیرا که استیلاء شاه اسمعیل برهرات (۹۰۷ ـ ۹۳۰) ـ (۱۵۰۲ ـ ۱۵۲٤) ومهاجرت اساتید پیشه و هنر بپای تخت شاه در تبریز پس از آن انتخاب و تعیین (بهزاد) از طرف شاه بمدیریت کتابخانه شاهی که در آن وقت شبیه ترین چیزها بیك « هنرستان پیشه و هنرهای زیبا » بوده مستلزم این گونه پیشرفت بود وگوئیم که اینها تمامی باعث بر تاسیس و ایجاد هنرستان نوینی بود که در سر آن بهترین خوشنویسان و نقاشان و سرامدان هنر قرارگرفته وآنان مابین هنروران هرات گلچین وبرگزیده بودند

واز اینجهت روابط استواری بین فنون هنرستان صفویه در آغاز پیدایش آن وبین تقالید وتبعیت فنی در دورهٔ ایکه بهزاد وهمکاران وهنر آموزان زمان اوبدان برتری وتفوق یافته بودند پیداشده

با این وصف جنگهائیکه همواره شاه اسمعیل بآن دچار وگرفتار بوده بهره ونصیب او را در استوار نمودن این کار و تقویت آسایش پیشه وهنر کمتر از سهم و نصیب پسرش شاه طهماسب نموده که بعد از وی برفراز دیهیم وتخت ایران جانشین اوگردیده ۹۳۰ هجری (۱۵٤۲ م)

شاه طهماسب تا سال ۹۸٤ (۱۵۷٦ م.) در ایران فرمانروائی و شاهی داشته و خودشاه هم نقاشی زبر دست و توانا بوده و هنر صورتگری را از نقاش معروف « سلطان‌محمد » فراگرفته وبین‌او با بهزاد و آغامیرك رابطه ای‌شایسته ودوستی وصداقتی ممتاز وپسندیده بودهٔ (۱)

معروف است که کوچك شماری و استحقاق یا تحقیر و بی اعتنائی بنقاشان و هنرپیشه گان درخانواده صفویه تقلیل یافته واهمیت پیدانمودند درصورتیکه پیش از آن حق آنها ضایع وجاه ومنزلت ایشان پست وبی اهمیت بوده و اعتنائی باین هنر پیشه‌گان نمی نمودند واین تحول راباعث وسبب چنین‌شدکه امراء وبزرگان رجال دولت و اشراف‌کشور درجمع آوری عمل وآثار هنرپیشه‌گان پیروی نموده واهتمام زیاد درنگاهداری‌آن بخرج میدادند ودردنبالهٔ این‌کارنسخه های‌خطی وزیباونفیسی بوجود آمد که هرکدام دارای شماره ای بسیار از نقوش وصور بودند (۲)

در نقاشی های دورهٔ صفویه شکوه وعظمت این عصر وابهت وجلال این‌زمان هویدا وآشکار خواهد شدو بیشتر موضوعی که برای کشیدن تصاویر و طرح صور نقاشی‌گرفته شده وضعیت زندگانی و چگونگی حیات درباری و طرز روحیات طبقه اشرافی ورسم کاخهای زیبا و باغات دلگشا و شاداب بوده صور اشخاصی‌که در این تصاویر ترسیم شده تمامی باقامت های رسا وقدرعنا وپوششهای فاخروزیبا امتیازیافته اند ولی رسوم آنها منتهی درجه درنازك‌کاری ودقت وتناسب استچنانکه رنگهای‌آن تنوعی زیاد داشته و آمیزش آن بمناسبت شده ودرمیانه آنان رنگهائی روشن وتابان و فرح افزا ودرخشان است و از جمله الوانی است‌که هنرستان تیموری بدان امتیاز واشتهار یافته

در این تصاویر رنگهای مناسب وملائمتر دیگری وجود داردکه در مورد آن

---

۱ – مراجعه شود به Sakisian : La ص ۱۱۹ و Blochet ; notice sur la Miniature Persaneo collection Marteau ص ۱۳۷ – ۱۳۸

۲ – مراجعه شود به فصل اول کتاب Painting in Islam سرتوماس ارنولد

جز توجه بظاهر و برگزیدن موضوعات صور و تناسب و ترکیب تصویری بطور کلی نیست (۱)

ازجمله چیزی که مشخص ومبین نقاشیهای دوره صفویه است مخصوصاً آنچه‌را که پیوسته بازمنه اوایل آن میباشد لباس وپوشش سر اشخاص است که آن عبارت از عمامه‌ای‌ست که بحالت استداره‌و گردی‌درست شده وازبالای آن‌علامت‌یامیلهٔ کوچك سرخ رنگی نمودار میباشد ودرهر تصویری که وجود اینگونه علامت مساهده شد دلالت داردکه نقاشی آن‌مربوط بدورهٔ خاندان صفویه‌بوده اگرچه بودونبود غیرآن مستلزم این نیست‌که صورت مربوط بغیر این دوره وزمان باشد.

ظاهر این است‌که علامت نامبرده درآغازکار از شمار افراد خانواده صفویه وپیروان آنها شمرده شده ورنك این علامت همیشه سرخ‌بوده چنانکه درتصاویریکه مربوط باوایل عصر صفوی است این علامت دیده میشود ولیکن اهمیت ولزوم آن چندان دوام نیافته وطولی نکشید که‌کمی وتقلیل پذیرفت وخودمردم بانقاشان‌رنك آن نشانه را درموقعی که قدمت‌خانوادگی صفویه پابرجاگردید واگذاشته و متروك داشتند چنانکه ترك نموده وبرای آن مجال مقاومتی‌نماند حتی‌اینکه برای ما ممکن است‌که هم بعد از وفات شاه طهماسب این علامت رابکمی وندرت دیده و مشاهده کنیم (۱۹۷٦ - ۹۸٤ م)

- ازجمله چیزی‌که قرن دهم هجری (۱٦ م) درتاریخ‌نقاشی ایران بآن‌امتیاز یافته وحدت سیاسی دورهٔ صفویه درصنایع مختلفه ماین‌نواحی مختلفه ومتفاوته‌است که این موضوع در هرجا اختلاف و تفرقه را از بین برده بطوریکه تمیز و تشخیص مابین تصاویریکه درشرق دولت امپراطوری‌کشیده شده باتصاویری که‌درغرب‌ومرکز کشور تهیه نموده اند مشکل گردیده زیرا استادان فنی و هنروران در تمام اطراف و نواحی یا گوشه وکنارکشور امپراطوری از سرامدان هنر ونقاشان دربار تبریز وقزوین پیروی وتقلید مینمودند و در این بین جز تفاوتی اندك بین محصولات فنی و کارهای دستی استادان در بخش‌های مختلفه‌کشور دیده نمیشد.

---

۱ - مراجعه شود به Glück und Diez : Kunst des Islams ص ۹۷ - ۹۸

در آنجا چندین نسخه خطی وجود دارد که تصاویر آن دورهٔ انتقال از مدرسه تیموری هرات را بزمان شاه اسمعیل وپسرش شاه طهماسب نشان میدهد واز مهمترین نسخه های خطی نسخه ایست که درکتابخانه ملی پاریس موجود است و آن نسخه در هرات برای امیرعلیشیر نوائی درسال ۹۳۵هـ ۱۵۲۷م نوشته شده و احتمال دارد که آنچه از تصاویر در این نسخه اضافه شده در تبریز بدست بهزاد و شاگردان آن انجام گرفته باشد(۱)

درموزه « متروپولتیان نیویورك » نسخه خطی زیباونفیسی ازمنظومه‌خمسه نظامی است که آنرا سلطان محمد نورخوشنویس بزرك مشهورنوشته ودرآن پانزده تصویر کشیده شده که هرکدام بارنگهائی زیبا وتابان شایسته و ممتازگردیده وبرسوم فنی وتزیینائی اعلی وآرایشی لطیف و دقیق امتیاز یافته وشخص نمیداند بکدام یك ازرموز و دقایق یاریزه‌کاریها وظرایف آن اظهار تعجب بنماید:

آیا بصورتی که لیلی و مجنون را در مدرسه نشانداده و درآن بیتی بفارسی نگاشته شده که از معلم درخواست میکند؛ : « باین دخترك خرمائی مو که صاحب موی زیبا است جز گفتار خوش و سخنان دلکش و پسندیدهٔ که او بدان سزاوار است یاد ندهد » (۲) یا بهفت صورتی که « بهرام گور » را با هفت شاهزاده خانم « دختران سلاطین هفت‌کشور » که از دواج نموده و هریك از ایشان را در یکی از هفت گنبد یـا کاخهائی که هـرکدام بیکی از رنگهای هفتگانه امتیاز یافته : « سیاه ـ زرد ـ سبز ـ سرخ ـ صندلی ـ سفید ـ کبود فیروزه » ملاقات و دیدن مینماید (۳)

مارتن عمل تصویراین نسخه خطی را به آغامیرك نسبت داده و ساکسیان آنرا از محمود مذهب میداند (٤)

---

۱ ـ مراجعه به Binyon, Wilkinson & Gray ; ibid ص ۱۰۷ ـ ۱۰۸

۲ ـ مراجعه به Dimand : A Handbook ص ۳٦ ـ ۳۸

۳ ـ مراجعه به Dimand ; ibid تابلوی اول و مطابق با L.Binyon : The Poems of Nizami ص ۲۷

٤ مراجعه به Dimand:ibid ص ۳٦ - ۳۸ و Sakisian : La Miniature Persane ص ۹۷ ـ ۹۸

گذشته از این زیباترین کتاب ونفیس ترین نسخه خطی قرن ۱۰ هجری (۱۶م) بطور کلی نسخه ایست که شامل منظومهٔ خمسه نظامی شده که آنرا بین سالیان ۹۴۶_۹۵۰_۱۵۲۹_۱۵۴۳) برای شاه طهماسب نوشته اندو بقلم خوشنویس وخطاط مشهور شاه محمود نیشابوری نوشته شده این نسخه بچهارده صورت و بمجلس بزرك وزیبای عمده زینت شده و از نفیس ترین آثار تاریخی موزه بریتانیا از نفایس شرقی شمرده میشود وچندان تعجبی ندارد که آن ازانفس نفایس شرقی شمرده شود زیرا که بر آن امضاهای بزرگترین اساتید فنی وسرامدان هنردوره صفویه که از آن جمله : سید علی - سلطان محمد - میرك - میرزا علی - مظهرعلی است رقم گردیده - صفحات این نسخه تمامی بهوامش و حواشی تذهیب شده که در آن نقش و نگارنباتی و رسوم حیوانات طبیعی وخیالی وجود دارد در اغلب صوریکه در این نسخه کشیده شده بر آنها امضاهائی است که گاه میشود از نگارش نویسندگان خود استادان فنی وسرامدان هنر نبوده وشکی نیست دراینکه اساتیدمذکور با آنها معاصر بوده اندوممکن است که بصحت این امضاها وثوق پیدا نمود اگرچه استبعاد ندارد که تمام صورتها بقلم یك نقاش انجام گرفته باشد .

استاد بنیون Laurence Binyon این تصاویر را با تحقیقات وتتبع کاملی در موضوعات منظومهٔ خمسهٔ نظامی نشر داده (۱)

پنج صورت ازتصاویر این نسخه را به میرك نسبت میدهند وواقعش این است که مصادر تاریخی ایران وترك سه نقاش را باین اسم نام برده اند :

اول - خواجه میرك که درهرات اواخر قرن نهم هجری (۱۵ م) زندگانی مینموده و درزمان استیلاء محمد خان شیبانی بر هرات در آن شهر وفات یافته

دوم - حاج میرك است که از خوشنویسان وخطاطان بخارا بوده

سوم - که ازهمهٔ آنها مشهورتر است آقامیرك اصفهانی اصل است که دردربار شاه طهماسب درتبریز کار میکرده وباوصوری راکه بنام وی امضاشده دونسخه خطی

۱ - مراجعه شود به The Poems of Nizami, described by Laurence Binyon 1928

که ما درصدد آن هستیم نسبت داده اند (۱)

سام میرزا برادر شاه طهماسب در سنه ۹۵۷ـ (۱۵۵۰ مینویسد آغا میرك نقاش دربار است که تالی ندارد و برای آن هیچ رقیبی نیست واعالی مورخ ترك ذکر میکندکه آغامیرك شاگرد بهزاد بوده ودونفر ازکبار مصورین وسرامدان هنر نزد اوکارکرده و درس خوانده اند ـ آندو یکی : سلطان محمد تبریزی است که بزودی از آن نامبرده میشود ـ دیگری ، شاه قلی است که در دربار سلیمان‌خان قانونی کارمینموده

شکی نیست که مهارت و استادی و زبر دستی و استادی آغامیرك و مراتب آگاهی و دانائی او در فن نقاشی در این صور پنجگانه که یکی از نمایش کسری انوشیروان را داده که شاه کوش بگفتار دوجغدی میدهد که بایکدیگر روی خرابه های کاخی کهن سخن میرانند ونقاش آنها را بطرزی روشن و آشکارا نشان داده که بخوبی جالب نظر وتوجه است ودرصورت دوم دیده میشودکه مجنون، لیلی را در در صحرا دیدن نموده وگرداگرد مجنون را حیواناتی از درندگان و وحوش بیابانی فراگرفته و استاد صورتگر صورت آنان را درنهایت دقت باظرافت وزیبائی زیادکشیده ودربین این سه صورت باقی مانده مناظری استکه در بار شاه وانجمنهائی را نشان میدهد که درآنان آثار عظمت وجلال نمودار است (۲)

دراین نسخه‌دوصورت‌رابسلطان محمدنسبت‌داده‌اند .اول‌صورت خسرواست‌که ناگهانی درحالت تن شوئی و استحمام ببالای سر (۳) شیرین رسیده و دومی بهرام گور است که بشکار شیر مشغول شده و این دوصورت برای متانت و قوت ترکیب ورنك آمیزی‌کافی است که بالاتر از آن در این مورد تصور نمیرود و نیز مراقبت و دقت زیادی در ایندو صورت نسبت بتناسب آن با طبیعت و مراعات اصول طبیعی بامهارت فوق العاده در رسم صورآدمی وحیوانات‌مخصوصاً اسب‌بعمل‌آمده ودرخود نسخه تصویر دیگری استکه پیرزنی را مینمایاندکه از سلطان سنجر داد خواهی

---

۱ ـ مراجعه شود به Sakisian ; La Miniature Persane ص ۱۰۹ و ما بعد آن

۲ ــ مراجعه بتابلوی ۳۱ شکل ٤۲

۳ ــ مراجعه بتابلوی ۳۵ شکل ٤٦

نموده و از سلطـان میخواهد تابستمی که باو رسیده رسیدگی و دادرسی نماید .

حیواناتی که در این صورت کشیده شده باتفاصیل دیگران مارا وادار نمینماید که با استاد ساکسیان در نسبت دادن آن بسلطان محمد موافقت نمائیم (۱)

علاوه بر این ماقسمتی از تاریخچه زندگانی این استاد را میشناسیم مخصوصا بعدازاینکه ساکسیان اشتباه چیزی راکه مارتن (۲) ازوی نوشته بثبوت رسانیده در هرصورت تصویری که بنظر ما رسیده متضمن این است که حرفهای زیادی در باره آن بگویند.

شاید بدیعترین صورتی را که سلطان محمد تصویر نموده و حرکت دارتر وسبکروح تر ازهمه وخوش طرح ترازتمام کارهای اوصورتی باشد که درنسخه خطی ازدیوان حافظ کشیده .

استاد نامبرده در این تصویر مجلس بزم وباده گساری رانمایش داده که درآن پیاله هادوزرده ومردمی بعیش و نوش مشغول ودیگران بحالت رقص وطرب درآمده وبعضی ازفرط شعف بروی زمین میغلطند واشخاصی دیگردیده میشود که از اثرباده بحالت مستی درآمده وکف بلب آورده اند وشیخی رانشان میدهد که آینه در دست گرفته و صورت خود را می بیند و فرشتگان نیز در کار باده نوشی شرکت نموده وازکنگره ایکه مشرف بردیگران است اشتراك میجویند درحالیکه نوازندگان همه را بطرب آورده و بین آنان سه صورت دیدهٔ میشودکه شبیه تر ازهر چیز بصورت بوزینه بوده ودرگوشه ازاین تصویر منظرهٔ باغی است که بغرفه پیوسته واتصال دارد ودرآن مردی ایستاده که در دست اورشته درازی است که ازطرفی یك سرآن بساق پای وی پیچیده وسردیگران بابریقی ازنوشابه (شراب) بسته و پیوسته است(۳)

از جمله چیزیکه بسلطان محمد نسبت داده اند صورتهای شاهنامه مشهوریست که اکنون درکلکسیون (مجموعه) بارون دی رو تشلید است این نسخه دارای ۲٥٦

---

۱ – مراجعه بتابلوی ٤۷ شکل ٤۸

۲ – مراجعه شود به Sakisian : La Miniature Persane ص ۱۱۰

۳ – مراجعه بتابلوی ۳۸ شکل ٤۹

تابلوی ۴۴



مجنون و کشانیدن آن بجانب منزل لیلی عمل میر سید علی نقاش ـ هنرستان صفویه ۹۴۶ ـ ۹۵۰ از نسخه خطی نظامی شاه طهماسب در موزه بریتانیا

تابلوی ۳٤



شکل ٥٤ـ معراج (هنرستان صفویه قرن دهم هجری) از خمسه نظامی شاه طهماسب در موزهٔ بریتانی .



شکل۴۶- آمدن خسرو بالای سرشیرین درحالت تن شوئی از سلطان محمد نقاش - هنرستان صفویه- ازنسخه خطی نظامی شاه طهماسب درموزه بریتانیا

تابلوی ۳۶



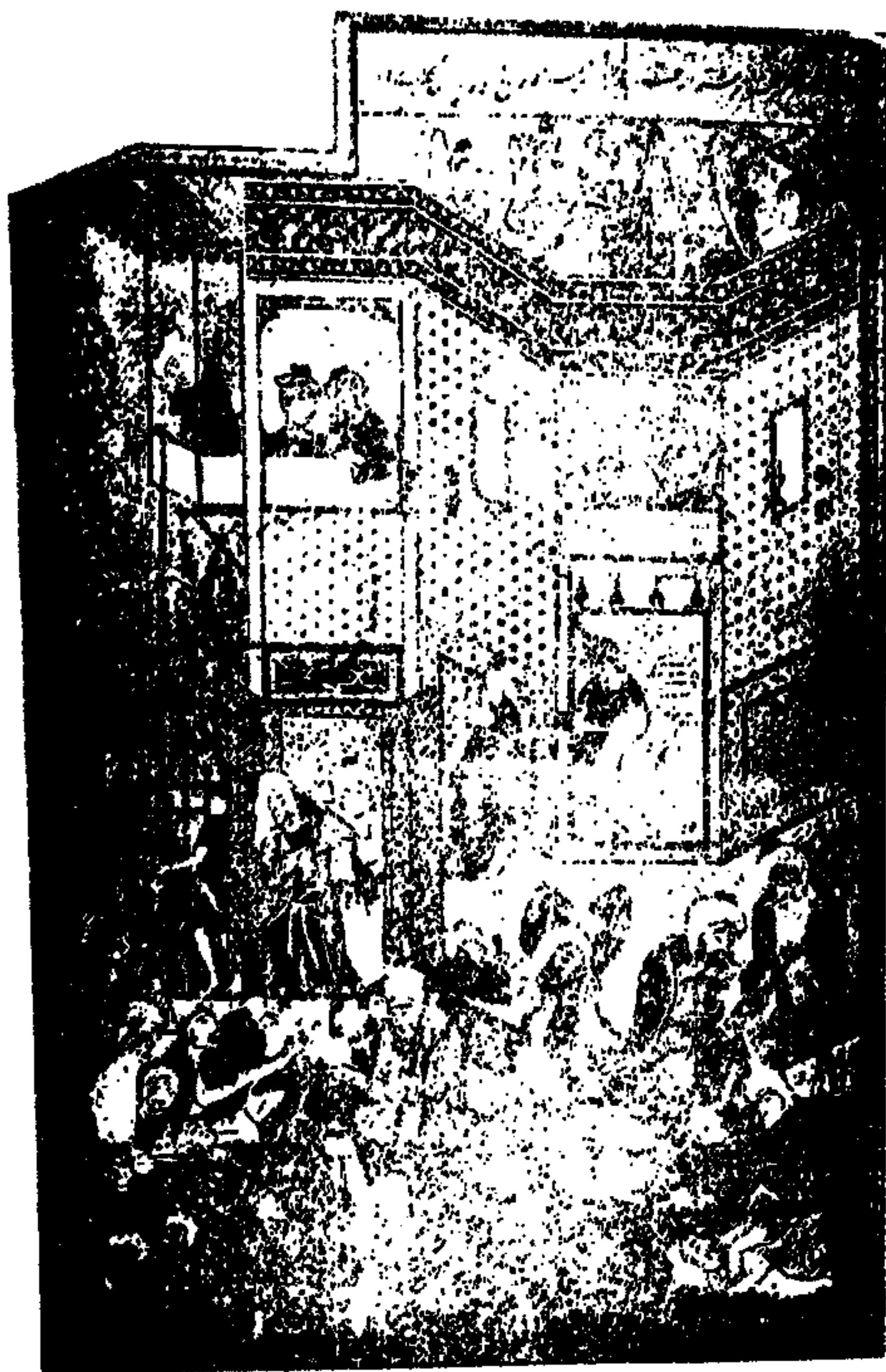
شکل ۴۷ — مجلس وعظ از شیخ زاده مصور — هنرستان صفویه در نیمه اول قرن دهم هجری
مجموعه کارتیه

تابلوی ۳۷



شکل ۴۸- پیرزن و دادخواهی از سلطان سنجر- عمل سلطان محمد نقاش - هنرستان صفویه (۹۴۶ - ۹۵۰ هجری)
نسخه خطی نظامی شاه طهماسب در موزه بریتانیا

تابلوی ۳۸



شکل۹٤ـ مجلس باده گساری از سلطان محمد نقاش ـ هنرستان صفویه در آغاز قرن دهم هجری مجموعهٔ کارتیه

تابلوی ۳۹

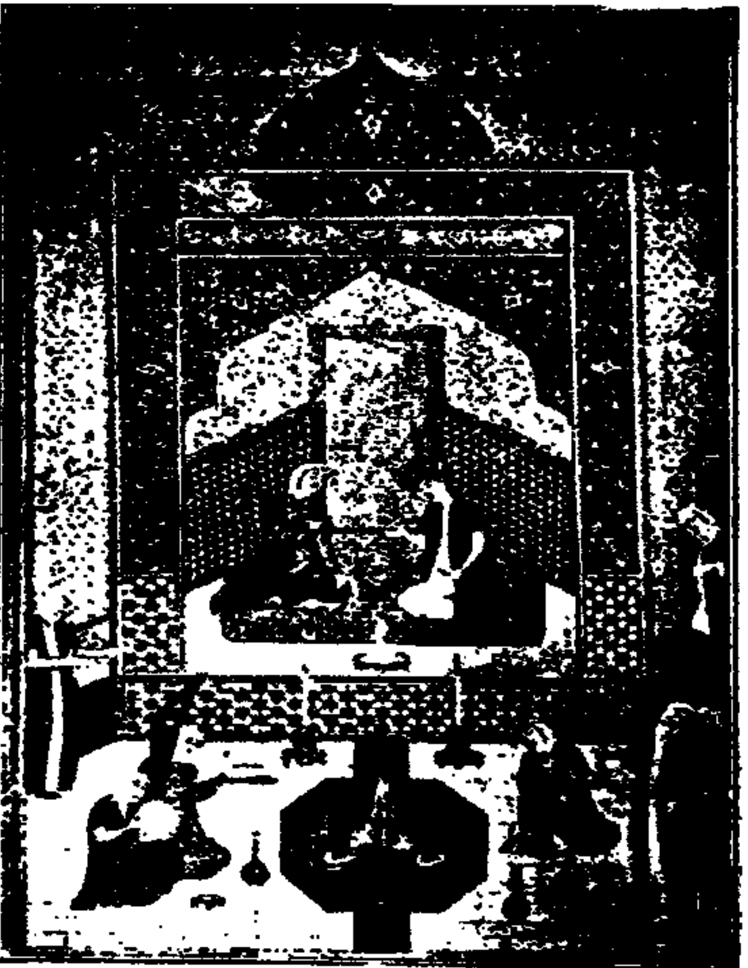


شکل ۵ــ صورت امیرازسلطان محمد نقاش یا هنرستان او در حدود سال ۹۳۰ هجری
کتابخانهٔ ملی لنین گراد

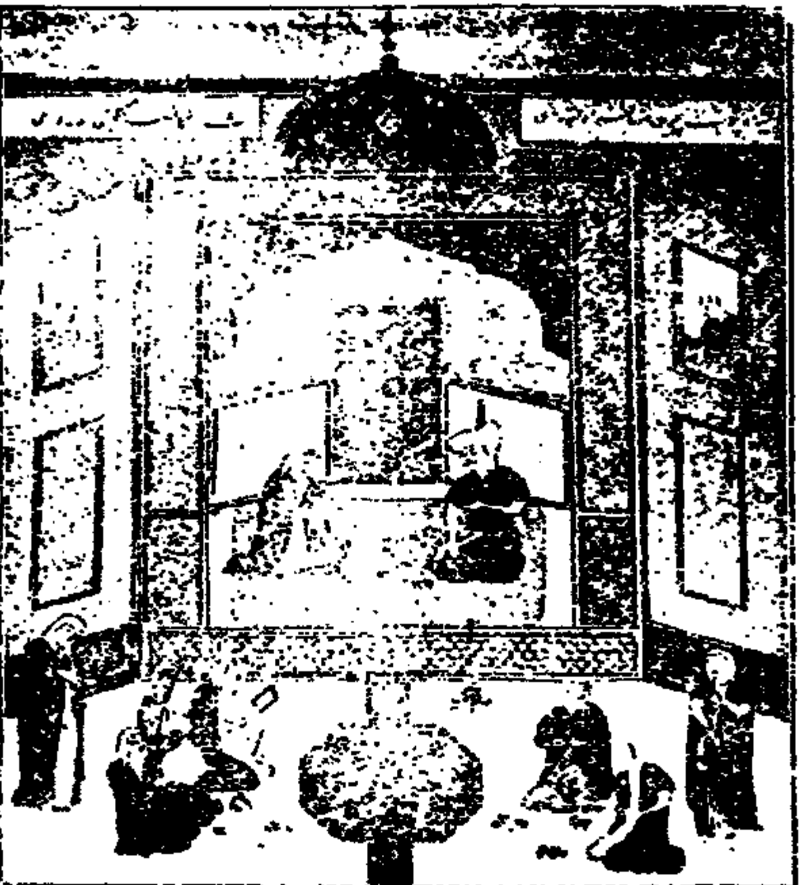
تابلوی ۴۰



شکل ۱۹ [illegible]



شکل۵۲- بهرام گور با یکی از بانوان خود در کاخ سیاه
عمل میرک نقاش سال ۹۳۱ از نظامی خطی کتابخانه سلطنتی



شکل ۵۳- بهرام گور با یکی از بانوان خود در کاخ سیاه
عمل محمود مذهب ۹۳۲ هجری از نسخه خطی کتابخانه ملی
پاریس منظومه میر علی شیرنوائی

تابلوی ۴۲



شکل ۵۴ منظره دهاتی (ریفی) عمل محمدی نقاش موزه لوور

تصویر بزرك است که دربین آنها مناظر بسیاری از صید و شکارگاه و میدان جنك و کارزار دیده میشود .

بطوریکه برای ما معلوم شده یکوقت سلطان‌محمد مدیریت‌هنرستان نقاشی باجمیع فنون جمیلهٔ تبریزرا عهده‌دار بوده‌واوضمناً بباقی فنون‌آرایشی وتزیینی توجه نموده ونقشهٔ قالیچه‌ها وظروف را میکشیده وتاثیر طراز واسلوب فنی وصناعت اودر اشکال انسانی که برمنسوجات وپارچه‌های ابریشمین ایرانی درقرن دهم‌هجری(۱۶م) بکاررفته مشاهده مینمائیم .

از جمله کسانیکه جزو نقاشان درباری‌شاه‌طهماسب اشتهار یافته‌اندمظفرعلی است که‌ازکارهای اودوصورت‌درکتابخانه «لنین گراد» وجوددارد وصورتی‌هم درنسخه خطی موزه بریتانیا سابق‌الذکر است که تصویری از بهرام‌گور کشیده که بیك تیر گوش‌گورخر را بسم‌آن دوخته تا اینکه برای دلبرخود (آزاده) مهارت و زبردستی وتوانائی وقدرت‌خودرا در کارشکار معلوم داشته وخاطرنشان اونماید .

مظفرعلی‌شاگردبهزاد بوده وبرتری وبالادستی او دررقم وتصویر صوراشخاص بدوست‌داشتن رنك طلائی وبکاربردن آن درنقاشی محرز وممتازگردیده واین‌استاد نقاشی‌های لازمه وتصاویر قصرشاهی و تالار چهل‌ستون را دراصفهان‌عهده‌داربوده(۱)

درآنجا دونفر نقاش ماهربوده‌اندکه برای‌ایشان اهمیتی بخصوص‌است وآندو یکی میرسیدعلی ودیگری‌عبدالصمد است که‌دوری مهم‌را درپیدایش هندی‌وایرانی در دربار هند بازی نموده‌اند .

میرسیدعلی اصلا تبریزی بوده ودرتصویرنسخه خطی‌خمسه نظامی که‌برای‌شاه طهماسب درست شده واکنون نسخه مزبور درموزه بریتانیا موجود است دست‌یاری وهمکاری نموده‌واودر آن کتاب‌تصویری راکشیده‌که نماینده‌پیرزنی‌است که‌مجنون را بجانب سراپرده لیلی میکشاند او مجنون را بطنابی بسته وکودکان بوی‌سنك‌میزنند لیلی نیز درجلوی‌خیمه خود نشسته‌او را می‌بیند ـ او دراین تصویر خیمه‌های‌دیگری

۱ ـ مراجعه شود به Binyon, Wilkinson & Gray; ibid ص ۱۱۵

دیده میشود زنانی که در آن خیام وسراپرده جا دارند وبکارهای پراکنده خانه‌داری وغیر آن مشغولند ونیز شبانانی دیده میشود که گلهٔ ازگوسفندان را میچرانند ودردست یکی ازشبانها چله ایست که میرسد وشبان دیگر بنواختن نی مشغول است(۱) وظاهر این است که همایون امپراطور مغول درهند دو استاد مشهور ونقاش معروف میرسید علی وعبدالصمدرا درتبریز دیده وآنوقتی بوده که همایون بآنجا پناه آورده ودردربار شاه‌طهماسب میزیسته ونیز بعد از محروم شدن وی از تخت وتاج هند بوده .

همایون را شگفتی عجیب ازکار میرسیدعلی پیدا شده وباو نادرالملك لقب داده این دونفر نقاش بعدها بامیرکابل پیوسته ودر آنجا عمل ۱٤۰۰ تصویر بزرك را برای قصه افسانه امیرحمزه ایرانی (رموزحمزه) ترتیب داده اند (۲)

همایون وپسرش بهترین سرمشق رادرتصویر وفن نقاشی از میرسیدعلی وعبدالصمد گرفته ویکی بعد دیگری کارهنرستان نقاشی راکه امپراطوراکبر تأسیس نموده بود بکمك شاگردانی ازهنود اداره مینمودند وآنها دررسم صوری که همایون خواسته بود تشریك مساعی بخرج داده‌اند ، ما عده زیادی از این صور راکه روی پارچه وقماشها کشیده شده دیده‌ایم که اغلب آنها درموزه وین محفوظ است(۳)

ازشاگردان هنود که این هنر را ازآندواستاد فراگرفته اند دونفربنام داروت و بازوان بحدکمال رسیده ونبوغ یافته اندظن قوی آن است که میرسیدعلی یاعبدالصمد یاآندو با یکدیگر پرده بزرگی راکه درآن تصویر افراد خاندان تیمور است برای همایون طرح وترسیم نموده‌اند وپردهٔ مذکور اکنون درموزهٔ بریتانیا محفوظ استو برپارچه مانند صور افسانه امیرحمزه رسم شده ولیکن حالیه بطرزی شایسته واضح و روشن نیست تا در رسیدگی وتحقیق آن بتوان دقت وتوجه نمود .

در اینجاآنچه که برای ما باقی‌مانده پیش ازپایان این فصل آن است که اشاره

---

۱ ــ مراجعه بتابلوی ۳۳ شکل ٤٤

۲ــ مراجعه‌شود به Percy Brown; Indian Painting Under the Mughals

ص ٤۱ ، ٥۳ ، ٥٤ و Sakisian; La miniature persane ص ۱۱٦ ــ ۱۱۷

۳ ــ مراجعه شود به Die indischen miniaturen des Haemzae Romanes, hrsg. von H. Glück, Wien 1925

بنقاشی نمائیم که او مصور محمدی است این استاد فن نقاشی را ازپدرخود سلطان محمد فراگرفته ودرکشیدن سورمنظر ریفی وتصاویر دهاتی وبرزگری برپدرخویش فزونی وبرتری یافته ودرحقیقت بیشتر چیزی که ازکار محمدی بنظرما رسیده مربوط باوضاع دهکده ومناظر طبیعی است وشاید بدیعترین تصویر آن پرده نقاشی باشدکه درموزه لوور محفوظ است ومربوط بسال ۹۸۶هـ ـ و۱۵۷۸ میلادی است واین تصویر نواحی مختلفه‌ای از زندگانی دهاتی را نشان میدهد ودرآن صورت زارعی است که زمین را شخم زده وزراعت میکند وزارع دیگری است که در زیر درختی نشسته و پرندگان بالای سرآن درخت قرارگرفته اند ودر نزدیکی آن دو تن شبانی است که پاسبانی گله ازگوسفندان مشغول شده ودردست یکی ازآن دونائی است که درحال نواختن است ودرآن صورت دوخیمه دیده میشود که درمیان خیمه‌ها زنانی هستند که بعضی دوك در دست گرفته وچله میریسندو بعضی پارچه میبافندواین رسم مانند دیگر ترسیمات (محمدی) تمامی رنگین نبوده بلکه کمی از آن دارای رنك سرخ در سنگها و صور حیوانات است . (۱)

امانقاشان دیگر که خبراشتغال وکارداری آنان درزمان شاه‌طهماسب بمارسیده در اینجا مارا مجالی برای تحقیقات حال ایشان بطور تفصیل نیست وهمین بس است که ما بنام بزرگتران ایشان ومعروفین‌وبرجستگان آنان اکتفا نمائیم ، ازین‌ایشان : سیدپیر نقاش وشاه‌محمد ودوست‌محمد وشاه‌قلی تبریزی است (۲)

---

۱ ــ مراجعه شود به Stchoukine; Les Miniatures Persanes ص ۵۱

۲ ــ مراجعه بکتاب استاد ساکسیان برای شناسائی تراجم مصورین و نقاشان

فصل هفتم

عصر شاه‌عباس و جانشینان او

رضاعباسی و تأثیر اروپائی

شاه‌عباس بزرك از(۹۸۵هـ ـ ۲۵۸۷ تا۱۰۳۸ هجری ـ ۱٦۲۹ میلادی) در کشور ایران حکومت و شاهی داشته هنگامی که او بتخت نشست تجزیه و انحلال یا فنا وزوال سراسر این کشور راتهدید مینمود ، شاه‌عباس‌درشکست وهزیمت دشمنان‌خود موفق شدکه گرد وغبار را ازچهره ورخسار این مملکت پاك نماید واسباب آبادی و عمران را درآن فراهم ساخته سزاوار قدردانی وسپاسگذاری رعیت خود گردد ونام اودرتاریخ ایران‌نکته ورمزی ازمجد وعظمت و آسایش وراحت وخوشگذرانی وامنیت باقی‌گذارد .

شاه عباس درسال ۱۰۰۹ (۱٦۰۰) پایتخت ایران را باصفهان برده و بر زیبائی ودلگشائی این شهر در اثر بریدن‌کوهها و هموار نمودن راههای زیاد و بر پا نمودن عمارات عالیه افزوده و خوشنویسان و مذهبین و نقاشان عالی مقام را بجانب آنجا کشانیده ، اصفهان را جایگاه دانش و فنون و پیشه وهنر نمود، او پایتخت را بجنوب کشور انتقال داده و آنرا بدریای‌آزاد نزدیك‌گردانید، روابط باهندوستان وممالك باختر را درآنجا ترقی و رشد و نما داده وایران را بسفرا و فرستادگان مخصوص و دستجات اعزامی ازکشورهای مختلفه اروپا وانمود ومعرفی‌کرد تجویزشاه ورخصت یااجازه حکومت‌اوبازرگانان‌وجهان گردان‌رابرای آمدن باین کشور ودیدن وبهرمند شدن از مزایا و مناظر آن تشویق نمود وبطوریکه بسیاری از ایشان یادداشتهائی در آندوره وزمان ازخود نگاشته وگزارش گردش و سیر وسیاحت خویش را بیادگار گذاشته‌اند و دراین آثارشگفت وحیرت خودرا بنهضت بلاد ایران و پیشرفتهای مهم این کشور وصف‌کرده وعادات ووضع سلوك وتقالید و اخلاق ورسومی‌راکه دیده‌اند

بمورد بیان آورده وازبرخی صور بدیعهٔ و نقاشی های ممتاز وگزیده که در و دیوار کاخها بآن زینت و آرایش شده بود سخن رانده اند. (۱)

در حقیقت شاه عباس توجه زیادی بتصاویر و نقش ونگار ابنیه وعمارات داشته که از آن صور بدیعه هنوز در دوکاخ سلطنتی اصفهان باقی و پایدار است .(۲)

دراین تصاویر بسیاری‌ازرسوم بطرح و اسلوب طراز نقاشی اروپا دیده میشود که با نقاشی ایران قرین ومجاور گردیده ومحتمل است‌که جزو صنعت و کار یوحنا هلندی باشدکه سالهای چندی درخدمت شاه عباس بوده (۲) ولی ما می‌بینیم‌که آخر دوره‌صفویه بتنوع محصول فنی ورنگارنك شدن فنون و هنرامتیاز یافته زیرا پیدایش تاثیر فنی اروپا استادان ایرانی را از میدان تنك‌کتابت و تصویر و کار تذهیب‌کتاب بمیدان های پهناور دیگری وارد کردهٔ که در ترسیم صور مستقله و آرایش وتزیین ابنیه و دیوارهاگرائیده‌اند وبسیاری از آن نقوش وصور در دیوارهای عمارات وابنیه آنزمان هم اکنون بخوبی دیده میشود .

گذشته ازاین نقاشان آنزمان توجه زیادی بنقاشی نسخه های خطی‌گرانبها و تذهیب آن ننموده بلکه کشیدن تصاویر را با قلم بدون هیچگونه رنك ترجیح داده و عمل سیاه قلم را معمول نمودند مگر اینکه بندرت بروش سابق رفته چون عمل ثانوی آنهاکم‌خرج‌تر بوده ونقاشی‌را بدلهای مردم نزدیکتر مینمود وآشنائی و رغبت ایشان بآن زیادترگردیده ودرتقویت وپیشرفت آن اقدام نمودند واین‌کار تنها جهت درباریان و رجال دولت نبوده بلکه دیگران هم در این خصوص تشریك مساعی مینمودند ولیکن تمام این اهتمامات شکست وانحطاطی راکه باین پیشه وهنر روی داده بود چاره نمینمود و بعدها دربارهم همراهی و نگهداری زیاد از نقاشان و اهل هنر نکرده بعلاوه مردم هم از تقویت و تشویق و مددکاری ایشان خودداری نمودند

۱ـ مراجعه به Th. Herbeet; Description of the Persian Monarcy وکتاب
J. Chardin Voyages en Perse (Amesterdam)1711

۲ ـ مراجعه شود به ـ J. Daridan et S. Stelling-Michaud; La Peinture Sèfevide d' Ispahan (Paris 1930)

۳ـ مراجعه شود به Binyon, Wilkinsno & Gray; ibid ص ۱۵٤

لذا بسیاری از نقاشان در کار کردن از برای خود ناچار شدند، این موضوع باعث شده و معلوم میدارد که نسخه های خطی مصور و گرانبها بعد از نیمه قرن دهم هجری رو بکمی و ندرت گذاشته و تقریباً از دیاد صور و نقوش وضع تجارتی و کسبی بخود گرفته و بدون توجه و مراقبت زیاد درجواب تقاضای خواستاران که سرمایه و دارائی اندك و فروتنی و افتادگی زیاد داشتند کارهائی انجام میگرفت.

اما شناسائی ایرانیان بتصاویر اروپائیان و نقاشی آنان مربوط باوایل قرن دهم هجری (۱۶ م) میشود چنانکه گزارش آن از البوم کتابخانه ملی پاریس بخوبی مشاهده خواهد شد که در آن بسیاری از رسوم و نقاشی دورر (Dürer) آلمانی تقلید شده و احتمال دارد که آنهارا مبلغین مسیحی یا تجار و بازرگانان حمل و نقل نموده باشد (۱).

درمصادر ادبی و تاریخی از نقاشانی که تصاویر اروپائی و طرز کار آنهارا تقلید نموده اند یاد آوری شده مانند شیخ محمد شیرازی که در کتابخانه شاه اسمعیل میرزا (۲) کارمیکرده (۹۸۴–۹۸۵) (۱۵۷۶–۱۵۲۸ م) پس از آن بخدمت شاه عباس پیوسته ولیکن تاثیر صنعت غرب (اروپائی) در نقاشی ایرانی بطئی بوده و بکندی پیش رفته ظهور آن ابتدا در اختیار موضوعات و انتخابش زیادتر از هرچیز در اسرار و دقایق اصل صناعت بعمل آمده بطوریکه ممکن است ما بگوئیم نقاشان ایرانی از کار و کردار نقاشی اروپائی اقتباس کرده وچیزهای زیادیرا از آنان پیروی و تقلید نموده اند ولیکن ایرانیان از تمامی آنها چیزی راکه شایسته وسزاوار بیان باشد هضم ننموده و بخود نگرفته اند مخصوصاً درنقاشی کتاب های خطی پیروی از روش و اسلوب قدیم کرده و با تقلید نمودن از هر طرز جدیدی مقاومت و پافشاری مینمودند. اگرچه تصاویر ابهت واهمیت اولیه خودرا از دست داده و بسیاری ازمتخصصین فنی نمیتوانستند چیزهای تازه ای بیاورند وتصرف باابداعی بنمایند لذا بتقلید صور موجوده ازمخطوطات

۱– مراجعه شود به Basil Gray; Persian Painting ص ۸۳

۲– او شاه اسمعیل صفوی اول (۱۵۰۱–۱۵۲٤ م) نیست چنانکه استاد گرای Gray (ص ۸٤ Ibid) تصور کرده بلکه شاه اسمعیل دوم ملقب بعادل است مطابق؛ Arnold: Painting in Islam ص ۱٤۳

ونسخ قدیمه بطور تقلیدی نامعلوم اکتفا نمودند چنانکه ما اینطرز را در تصاویری که درنسخه خطی منظومه یوسف و زلیخا کشیده شده وتاریخ آن ۱۰۲۹ه(۱۶۱۹م) است ملاحظه مینمائیم وهم اکنون نسخه آن در (دارالاثار العربیه) (۱) موجود است و در نقشه های نسخه خطی دیگری که دراین موزه محفوظ است(۲) و شامل کتاب مثنوی جلال‌الدین رومی میگردد در یکی از صفحات این نسخه که جزء دفتر اول از آن کتاب است تاریخش این است که درسلخ شهررجب ۱۰۱۲ هجری تمام شد (۱۶۹۴ م) .

اما رسمها وصور مستقله ایکه جزء افتخارات وامورمهمه این عصر است بعضی اوقات شناختن تاریخ آن بدقت مشکل است زیرا که دراین بین تغییراتی طبیعی در طرز وروش این نقوش ورسوم پیدا شده مخصوصاً از وقتی‌که برتری و امتیازات در تصویر نسخه های خطی (محمدی) نقاش شروع گردیده که ما درفصل گذشته راجع بآن شرحی نگاشته و دراطراف کار او بیاناتی نمودیم این اسلوب همواره جاری و معمول بوده واز آن پیروی‌میشد تا اینکه نقاش‌بزرك واستاد بلند پایه (رضای‌عباسی) پیدا شده وآنرا بدرجه اعلی ازترقی وپیشرفت رسانید چیزی‌که هست پوشش سر و عمامه و کلاه کمك زیادی بما درباره تشخیص تاریخ این‌صور و رسوم مینمایدکه در نیمه قرن دهم درست شده (۱۶م) ونیمه قرن ۱۱ هجری هم بدینگونه است زیراکه عمامه در قرن دهم (۱۶) بحجم خود افزوده تا اینکه در آخر دوره شاه طهماسب خیلی ضخیم وبزرك گردیده وضمنا عمامه های دیگری بظهور آمده وما می‌بینیم‌که جوانان شوخ وشنك وزنان دلفریب وطناز در رسوم ونقوش وپرده وتصاویراین‌عصر پیدا شده اند صاحبان تصاویر درعمامه‌های خودگلها وشکوفه‌هائی‌که دارای بوته‌های ساق بلند است داشته یا اینکه دراطراف سر دستمال یا روسری مانند زنان دارند و گاهی جامه هائی پوشیده‌اندکه باآن عمامه ودستار نوك تیز (مخروط) دیده میشود و دراول نیمه دوم ازقرن یازدهم هجری (۱۷ م) بسیاری ازمردها عمامه وکلاهی از

۱- رقم ۱۳۰۳۷

۲- رقم ۱۳۰۹۳

پوست گوسفندان برسرمینهادندکه پشمهائی ازآن آویزان بود(۱)

از جمله چیزی که در نقاشی و رسمهای مربوط بقرن یازدهم هجری (۱۷ م) دیده میشود تبدل و تغییری است که در تصاویر اشخاص بظهورآمده و شخص تقریباً جز قامت های رسا واندام رعنا نمی‌بیند وطرح ووضعی که خالی ازتکلف است مشاهده مینماید بطوریکه در این صور اهمیت اشخاص را زیاد نموده و عدهٔ افراد را تقلیل داده مثلا دیده میشودکه دریك صفحه صورت یکنفر یا دونفر کشیده شده درصورتیکه درقرن پیش تمام صفحه‌ها ازیکصده زیادی ازصور پهلوانان واتباع وتماشاچیان وغیره پر بوده ۰

هم بدینگونه اساتید فنی آرایش های مرکبه وتزیینات مختلفه راکه در دوره های گذشته بآن اشتهار داشتند ترك نموده وبآرایش متن وزمینه تصویر بنیمدرخت های کوچك بابوته وشاخه های گلدار تنها اکتفاکرده وبااین وصف رسوم و تصاویر انسانی درمیانه آنها پیشرفت نموده وموقعیت و مقام اشخاص در نقشها ظاهر وآشکار میگردد چنانکه شوخی ومداعبه وکارهای تمسخری بطوریکه درعمل کاریکاتورهای جدید معمول است درآنان بظهور رسیده .

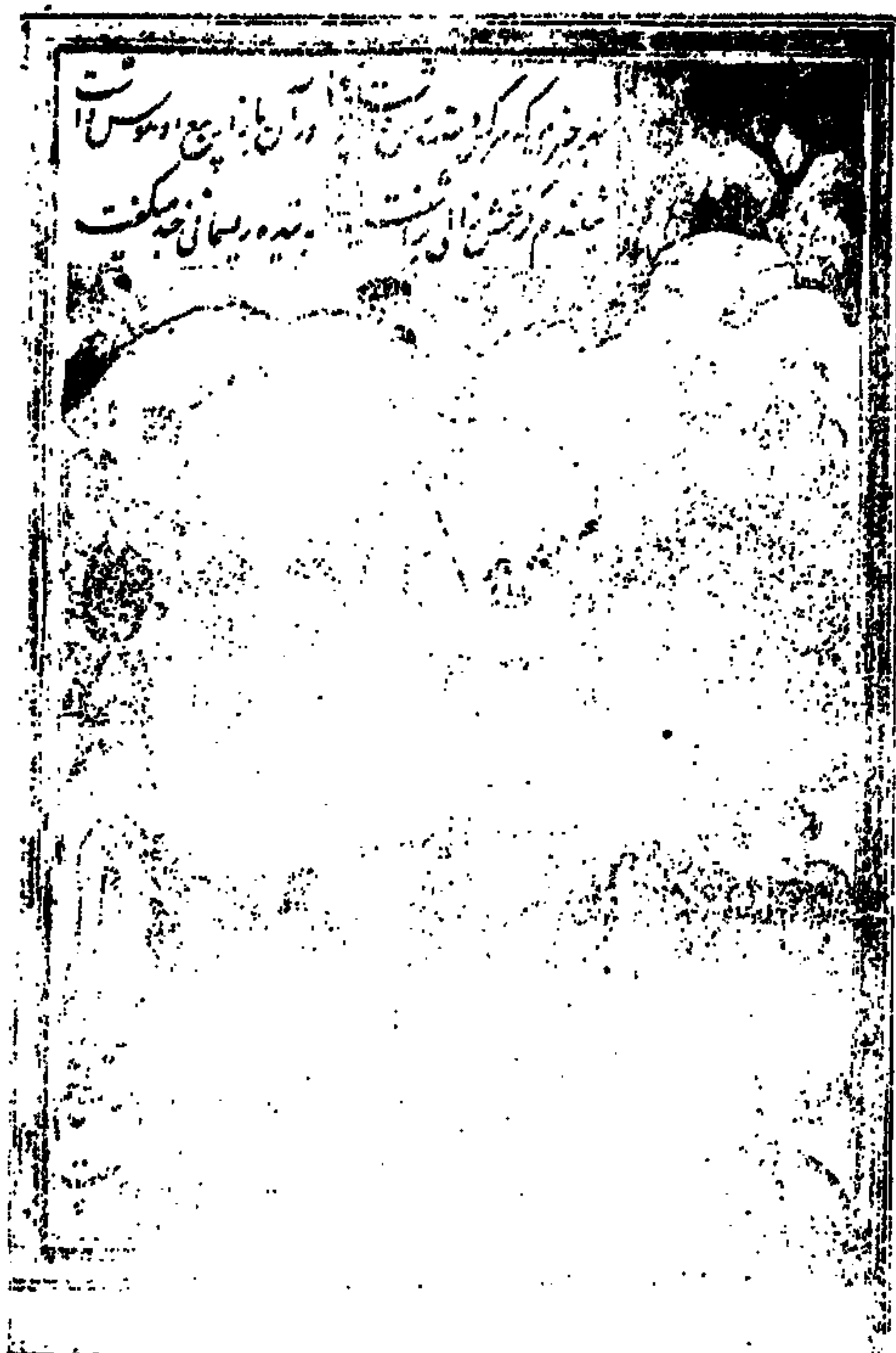
درموزه «متروپولیتان نیویورك» دو نسخه خطی از شاهنامه است که بزمان شاه‌عباس مربوط است ودرآن صورتهای زیادی دیده میشود .

نسخه اول تاریخ آن ۹۹۶ هجری(۱۵۸۷ـ۸ ۱۵) است که درآن چهل تصویر بزرك کشیده شده درصورتیکه نسخه ثانی تاریخ آن از سال ۱۰۱٤ تا سال ۱۰۱٦ است (۱٦۰۵ـ۱٦۰۸) ودرآن ۸۵صورت بزرك وجود داردکه بقلم استادان ناشناخت وغیرمعروف انجام گرفته .

استاد دیمند (Dimand) عقیده دارد صور اشخاص و مناظر طبیعی که در این دونسخه کشیده‌اند ازاصل طبیعت نقل شده ودرآنها بسیاری از اوصاف ومشخصات صوری دیده میشود که منتسب باستاد معروف « رضای عباسی » است(۲) . در واقع

۱ــ مراجعه شود به Binyon; Wilkinson & Gray : ibid ص۱۰۰

۲ــ مراجعه شود به Dimand A Handbook ص ٤٦



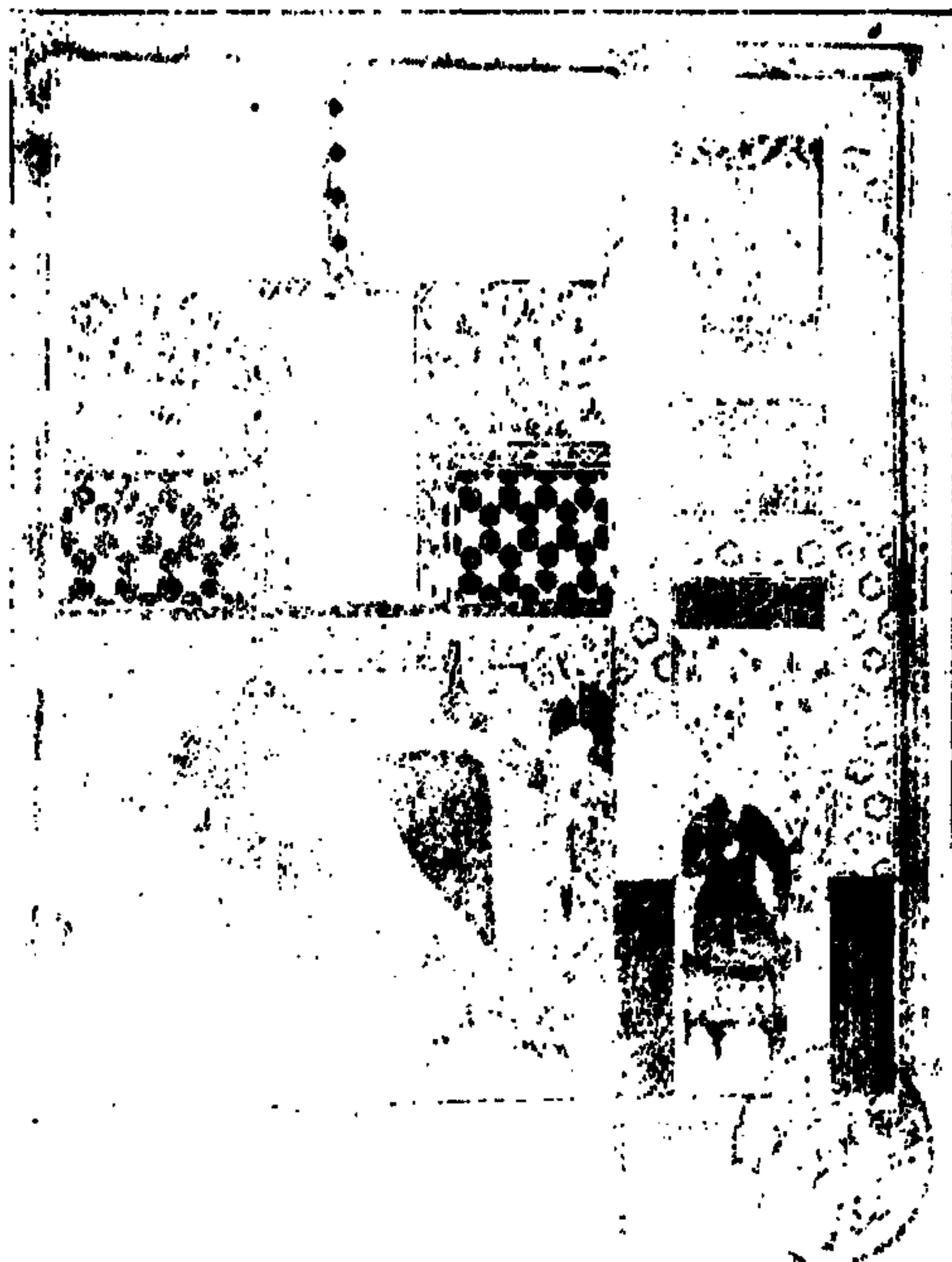
شکل ۵ یوسف و [illegible] دارالآثار مصر

تابلوی ٤٤



شکل ٥٦ یوسف و زلیخا با رفقای آن از نسخه خطی منظومه یوسف و زلیخا مورخ ١٠٢٧ دارالاثار عربی

تابلوی ۵۲



شکل ۱۰۵ ـ صفحه‌یی یوسف وزلیخا از کتابخانهٔ [illegible]



شکل ٨٥ـ زلیخا در هودج ـ از نسخهٔ خطی منظومهٔ یوسف و زلیخا مورخ ١٠٢٨ هجری در دارالآثار عربی

تابلوی ۴۲



شکل ۵۹ شیخی که استراحت نموده — کار رضا عباسی سال ۱۰۳۱ هجری — کتابخانه ملی پاریس

تابلوی ۴۸



شکل ۶۰: بهرام گور با یکی از زنان خود در گنبد سبز عمل حیدر نقاش ۱۰۳۲
کتابخانه ملی پاریس

ضمیمه تابلوی ۴۸



شکل ۶۱- شیخ صفی‌الدین که‌جام را تقدیم شاه طبیب فرماید عمل رضا عباسی ۱۰۴۲ هجری. انیں گـراد

تابلوی ۴۹



شکل ۶۲ صورت جوان عمل رضای عباسی مجموعه مستر راپینو

تابلوی ٤۹ مکرر



شکل ٦۳ تصویر بانو عمز رضا عباسی مجموعه مستر واینو

تابلوی ۵۰





در شکل ۶۴ و ۶۵ دو ساقی عمل رضا عباسی در نیمهٔ اول قرن یازده هجری نقاشی بالا در کتابخانه ملی پاریس و دیگری در موزه مترو پولیتن نیویورک

تام واختلافات زیادی نموده‌اندکه دراین اختلاف کاراباتشك Karabacekوسار Sarre ومیتوك یامتفخ Mittwoch و بلوشه Blochet وساکسیانSakisianوارنولدAronldو کونل Kühnel ودیگران ازبزرگان متتبعین‌درتاریخ نقاشی‌اسلامی‌اشتراك نموده‌اند.

علاوه براینها بیشتر این اشخاص بر آن متمایلند وچنین عقیده دارندکه دونفر نقاش باین اسم آقارضا ورضا عباسی بوده‌اند .

اما هویت استاد اولی چندان معلوم وآشکارنبوده وظاهراین است‌که او بیشتر از رضا عباسی بوده و در دربار شاه طهماسب در اواخر قرن دهم هجری کار میکرده (۱۶تااوائل قرن۱۱هجری و۱۷ م) وبااینکه‌گاهی اوقات اشتباهی زیاد بین کارهای این دواستاد رخ میدهد بااین وصف نزد ما تصاویری هست‌که تفاوت وامتیاز بین‌هنر وکار دواستاد مذکوررا بخوبی نمودار میسازد .

استاد ساکسیان درکاری‌که نسبت آن بآقارضاصحیح‌بوده وجزء رسوم وتصاویر اواست‌تتبع وتحقیق نموده (۱)

مابین‌کارهای این‌استادکه میتوان آنرا جزء عملیات برجسته وممتازوی‌دانست صورت زیبا وبدیعی‌است‌که میسو فیفرباویور Vivre داراست . این تصویر امیری را بااستادآن نشان‌میدهد(۲) پس‌از آن‌صورت‌جوانی‌راکشیده‌که شاخ‌گلی دردست‌دارد وتصویرمذکوراکنون درکتابخانه ملی پاریس مضبوط است (۳)

ساکیسان نظر براین‌داردکه‌بعضی‌ازرسوم وصورالبوم گردآورده دکترسار که بنام آقارضا است تصاویر آن را رضای عباسی انجام داده و کارهای مذکور باو منسوب است .

---

۱ – مراجعه شود به Sakisirn : La miniasure Persane ص ۱۲۶ – ۱۲۹

۲ – مراجعه شود به Sakisian : ibid شکل ۱۶۳

۳–ملاحظه به Sakisian : ibid شکل ۱۶۸ و... Blochet : Les Enluminures... تابلوی ۷۱ .

۴ – مراجعه شود به Sarr et Mittwch; Zeichnungeo von Riza Abbasi; München 1914

ونیز ساکیسان میگوید: آقارضا استادی است که باشاه عباس کبیرمعاصر بوده و رضای عباسی نیست.

درهرصورت خوشنویسی که نام او «علیرضای عباسی» استاشکال کاررا زیادتر نموده زیراکه او معاصربارضای عباسی بوده ومورخین فنی بین آقارضا ورضا عباسی وعلیرضا عباسی اشتباه مینمایند ولی آنچه بثبوت‌رسیده این‌است که دونفراخیرجداگانه ومختلف بوده اند وبرضای عباسی عده زیادی از تصاویر ونقوش را نسبت میدهندکه بعضی ازآنان دارای تاریخ است و مارا برآن میداردکه حکم کنیم دوره انجام آنان بین سالهای۲۸-۱-۱۰۴۹ بوده (۱۶۱۸-۱۶۳۹) وبیشترمردمانی راکه صورت کشیده ازآنهائی هستندکه در اواسط دوره زندگانی میباشند وآنهارا بینی‌هائی کشیده‌است باتصاویر وسیمای دختران وپسرانی استکه بیننده آنهارا عدهٔ اززنان بشمار میآورد ودربین آنان صوری وجود داردکه مهارت وزبردستی این‌استاد واستعداد و بخشایش وموهبت خاصه‌ایکه باواعطا شده دلالت خواهد داشت. .

از صور بدیعه زیبائیکه به آقا رضای عباسی منسوب است یکی آن استکه تاریخ آن درسال۱۰۴۳ هجری(۱۶۳۳ م) میباشد وصورت شاه صفی‌را نشان میدهدکه بطبیب‌مشهورمحمد شمسه جامی باده اعطا مینماید(۱)ودیگری‌که در کتابخانه ملی پاریس‌است صورت‌بانوئی‌راکشیده‌که آن زن یکی ازوزرای شاه عباس بوده .(۲)

درموزه ویکتوریا و البرت لندن نسخه خطی از منظومه خمسه نظامی قسمت خسرو شیرین آن مشتمل بر۱۷ صورت استکه دارای امضای رضای عباسی است و یکی‌ازآنها مورخ ۱۰۴۲ هـ - ۱۶۳۲ میلادی میباشد(۳)

گمان زیاد برآن استکه باقی صورتها هم باین‌تاریخ برمیگردد خلاصه آنکه کار مزبور در هرحال برای رضای عباسی تمام افتخارات و اهمیت را احراز ننموده و

---

۱ - ملاحظه بتابلوی ۸ ٤ شکل ٦۱

۲-ملاحظه به Blochet : Les Enluminures . . . ص ۱۲۹

۳ - مراجعه‌شود بمقاله سرتوماس ارنولد ازنسخه خطی در شماره ژانویه ۱۹۲۱ مجله Burling ton Magasine

تابلوی ۱۰۵



ک. ٦٦ — تصویر رضای عباسی [illegible] هجری مجموعه [illegible]

تابلوی ۶۲



شکل ۶۲ — صورت جوان — عمل رضای عباسی مجموعه رابینو

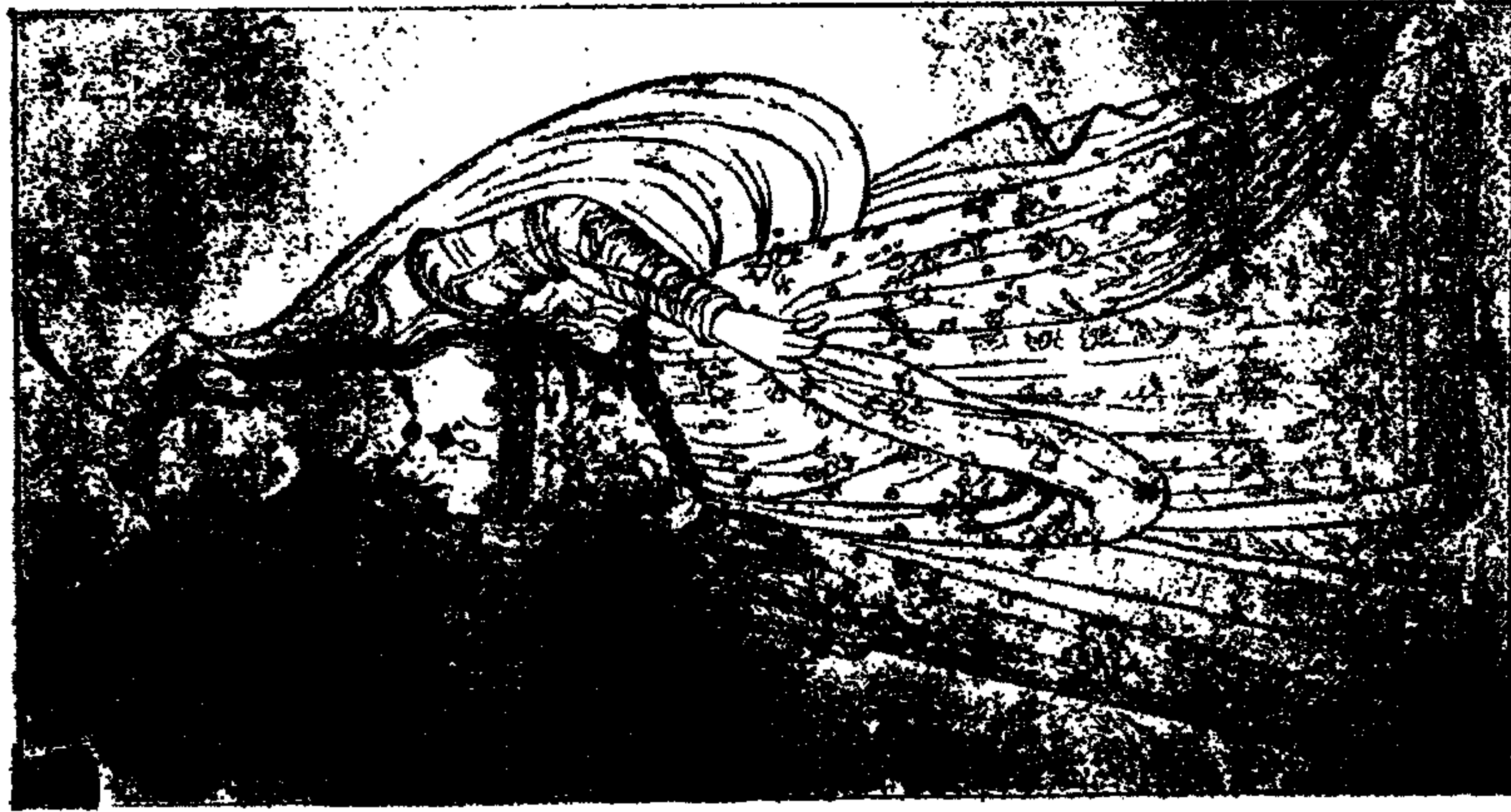


شکل۶۸—صورت مردی که‌نشسته‌مورخ سال ۱۰۷۴هجری مجموعه مسترراپینو



شکل۶۹ — صورت بانو مورخ سال ۱۰۶۷ هجری مجموعه مستر راپینو

تابلوی ۵۴



شکل ۷۰ – تصویر بانو با لباس اروپائی – قرن ۱۲ هجری
بامضای خواجه شادمان نقاش مجموعه اولی هرس

نمیتوان آنرا بصور نسخه های دیگرکه در ادوار گذشته جهت عین قصه تهیه‌شده پیوست نمود.

اشخاص دراین تصاویر نه تنها عادی بوده بلکه آنانرا باشخاصی که درنقاشی‌ها ورسوم مستقله منسوب برضای عباسی دیده میشوند شباهت است و برای رنگها ابداع و تناسبی درترکیب آن نیست.

درکلکسیون مستر رابینو (Rabinn) موجوده درقاهره دوصورت است که بر آن امضای (رضا عباسی) رقم شده و یکی از آندو جوانی را نشان میدهدکه زیر شاخه درختی نشسته و سر او باندازه کمی بجانب دوش‌وشانه چپ وی متمایل است ودر جلوآن دو ظرف دیده میشود که روی یکی از آنها صورت انسان و حیوانی ترسیم گردیده(۱) ودرتصویر دویم درنیمه بالای صورت تصویر بانوئی است که برسر آن گل و پرها نصب شده(۲).

استادساکسیان‌عقیده دارد بسیاری از رسوم وتصاویرکه دکترساردرالبوم خود گرد آورده و منسوب برضای عباسی دانسته بعضی از آنان کار های رضا است و برخی دیگرعمل آقا رضا وبعضی‌هم ازعملیات معین نقاش وپارهٔ دیگر ازجمله کارهای نقاشان ناشناخت میباشد وهم دیده میشود مزایا ورجحانی راکه دراین روش وطراز برضای عباسی داده‌اند این امتیاز شامل نقاش‌دیگری هم خواهد شدکه به حیدر نقاش موسوم است واونسخه خطی از منظومه خمسه نظامی راکه درکتابخانه ملی پاریس وجود داردبین سالیان ۱۰۳۰و۱۰۳٤(۱٦۲۰-۱٦۲٤)تصویرکشیده. (۳)

در هرصورت فن نقاشی ایرانی در نیمه دوم قرن یازدهم هجری (۱۷م) و در قرن۱۲ه (۱۸) تأثیری تمام‌بطرز واسلوب‌نقاشی رضای عباسی پیداکرده و در خدمت این استاد شاگردانی بودندکه بروش وسبك او رفتار مینمودند و مهمتر ازهمه آنها

---

۱ - ملاحظه شود بتابلوی ٤۹ شکل ٦۲ و مراجعه به Wiet : L'Exposition persane de 1931 ص ۸۲ - ۸۳

۲ - ملاحظه شود بتابلوی ٤۹ شکل ٦۲ و مراجعه به Wiet : ibid ص ۸۳

۳ - مراجعه شود به Sakisian : La Miniature Persane ص ۱۳۵ و مابعد آن

معین نقاش است که درنیمه دوم قرن۱۱ه (۱۷) کارمیکرده ودرسالهای اولیه از قرن ۱۲ه (۱۸م) چیزی‌راکه ما ازاو میشناسیم صورتی است که برای استاد خودکشیده و چند صورت دیگراست که یکی ازآنان درمجموعه مستر(راپینو) موجود است . در این صفحه صورت جوانی‌کشیده شده‌که خروسی را دربغل‌گرفته ومیبرد وتاریخ آن ۱۰۶۷و(۱٦٥٦ م) است(۱)

ازشاگردان رضا عباسی چهارنفردیگرندکه‌آنها : افضل محمد قاسم تبریزی - محمد یوسف - محمد علی تبریزی میباشند.

شاه عباس دوم

(۱۰۵۲-۱۰۷٦) - (۱٦٤۲-۱٦٦٦)

شاه عباس دوم مشوق ومروج اسلوب نقاشی غرب وفنون صورت‌کشی‌اروپائی بوده من جمله او (محمد زمان) نقاش را بروم فرستاده تا درآنجا مطالعات نموده و هنرخودرا تکمیل نماید.

ظاهراین‌است‌که نقاش مذکور درآنجاکیش‌مسیحی را اختیار نموده بعدازآن بهند رفته وبآنجا پناهنده شده پس‌ازآن درحدود (۱۰۸۷) (۱٦۷٦) بایران برگشته و بتصویر سه صفحه سفید ازکتاب خمسه نظامی‌که برای شاه طهماسب تهیه شده ود پرداخته‌که این‌کتاب درحدودصدسال پیش‌از آن‌درست شده وتصویرش‌ناتمام‌مانده بود واکنون نسخه مذکور درموزه بریتانیا است .

دراین صورت و درغیرآن تاثیر فنون اروپائی در عمل این نقاش و دیگران از کسانیکه علم نقاشی را درایتالیا فراگرفته‌اند ظاهرمیشود و بیشترچیزی‌که این‌اثررا نشان میدهد ترسیم صور خاندان مقدسه و قدیسین یاکشیش‌ها و فرشتگان وغیره از مناظرمذهبی مسیحی است .(۲)

۱- ملاحظه شود بتابلوی ۵۲ شکل ٦۷ ومراجعه به Wiet . ibid ص ٨٤

۲ - مراجعه شود به Binyon, Wilkinson & Gray : ibid ص ۱٦۱ - ۱٦۲ و ArnolaPain ting in Islam ۱٤۸-۱٤۹ ومقاله استاد مارکوفنش - Journal of the American Oriental Society ج ٥٤ سال ۱۹۲٥ ص ۱۰٦ - ۱۰۹

با این وصف قرن دوازدهم هجری (۱۸ میلادی) بواسطه تاثیرات اروپائی و اشکالات سیاسی که در ایران رخ نموده اعلام فنا و اضمحلال نقاشی ایران را داده و برای بعدازآن در دوره (فتحعلی شاه) و آخر قرن ۱۲هجری (۱۸م) و اول قرن ۱۳ (۱۹ میلادی) فنی قابل توجه وکاری مورد اهمیت بنظر ما نرسیده و آنچه که دراین دوره عمل وانجام یافته از نقاشی های رنك و روغنی وتابلو پرده های بزرك است که صنعت ورنك اروپائی آنان زیاد ازصنعت وصبغه ایرانی خواهد بود.

ما درفصول این کتاب موضوع ظهور وپیدایش فن نقاشی را درنزد ایرانیان وارسی وتتبع نموده و روزگارهائی راکه فن مذکور دراین سرزمین گذرانده تااینکه پیروی وتمایل اروپائی وغرب بآن خاتمه داده بانیایش وتفریظ ازتقلید نیاکانی موروثی همه را بمورد رسیدگی وتحقیق آورده ودیده ایم که چگونه مجال پیشرفت وترقی درایران نسبت باین فن محصور و مسور بوده مخصوصاً ازاین جهت که نقاشی وتصویر دراین کشور بلکه درتمام دنیای اسلامی بواسطه تعبیرات احساساتی ومذهبی وعقایددینی[۱] حرمت یافته وممنوع بود و بااینکه ایرانیان فن مذکوررا ازهنروفنون شرقی بارث برده وقریحه واستعداد ذاتی در آن داشته اند که آنرا ازتقلید طبیعت وبیان اسرار هستی بنحوی که ما درفنون اروپائی مشاهده مینمائیم دورنموده معذلك نقاشی ایرانی درعالم خصوصیت خود بمقامی رسیده که بالاتر ازآن تصورنمیرود وبرای این فن درقسمت رنك آمیزی وترکیب رنگها پیشرفتها وموفقیتی است که شناسنده آن کسانی خواهندبود که دچار شگفت و حیرت از تماشای نسخه های خطی و مجموعات آثاری گردیده اند. ستایش خدایرا که این نامه انجام یافت.

۳ـ بعضی از نقادان در نقاشی ایرانی عیبی که گرفته اند آن است که انجام این عمل توضیح از برای شرح دادن مطالب مندرجه در صفحات نسخه های خطی وحکایات معروفه ازحادثه وپیش آمد ها میباشد درصورتیکه ازروی حقیقت این موضوع مورد انتقاد وعیب جوئی نیست بویژه وقتی ما این نکته را یادآورشویم که بیشترچیزی راکه بزرگان هنرپیشه و نقاشان ایتالیائی از کشیدن صورت ها درنظر گرفته اند برای توضیح مطلب و شرح دادن حوادث کتاب مقدس یا افسانه و موهومات پیشین بوده دیگر مجالی از برای انتقاد نخواهد بود.

مدارك و مراجع كتاب

۱ ـ كتاب التصوير عندالعرب احمد تيمور پاشا ـ نسخه خطی که نمونه آن در مجله الهلال انتشار یافته .

۲ ـ بنیون هنرپیشه دکتراحمد زکی ابوشادی ـ مقاله انتشاری مجله المقتطف شماره آوریل ۱۹۳۵

۳ ـ الفن اسلامی فی مصر دکتر زکی محمد حسن (از مطبوعات دارالاثار ـ العربیه، که جزء اول آن منتشرشده .

٤ ـ كتاب الاسلام والحضارة العربیه استاد محمدکردعلی .

ارنولد ، نقاشی دراسلام اکسفرد۱۹۲۸

آثار ساسانیان وهنرهای زیبای مانی در ایران .

نقاشی نیو کاستل در تین ۱۹۲٤

دستورات قدیم وجدید درصنایع ملل اسلامی، لندن۱۹۲۸

ارنولد و گروهمان كتاب اسلامی،لندن ۱۹۲۹

بینین ل. صنعت آسیائی درموزه بریتانی وصنایع آسیائی جلد٦ پاریس ۱۹۰۵

منظومات نظامی،لندن ۹۲۸

بنین و ویلکنسن و گرای نقاشی مینیاتوری ایران،اکسفرد۱۹۳۳

بلشه تذهیب و رنگ آمیزی های کتب خطی شرقی ـ اعراب ـ ترکها وایرانیان ـ کتابخانه ملی پاریس ۱۹۲۹ نقاشی اسلامی،لندن ۱۹۲۹

کماراسووامی مینیاتور های شرقی از مجموعه گلوبو درموزه صنایع مستظرفه بستن وهنرهای آسیائی قرن۱۳،پاریس ۱۹۱۹

کریسوئل ـ مخزن کتب (کتابشناسی) ازنقاشی صنعت محمدیان ،لندن ۱۹۱۲

دیز ـ تاریخ اسلامی ولکر ـ برلن ۱۹۱۷ عنصر نقاشی ایرانی .

دیماند ـ رساله محمدیان درصنعت تزیینی نیویورك ۱۹۳۰

کلوك ودیز ـ افسانه های اسلامی، برلن ۱۹۳۵
گرای ـ نقاشی ایرانی، لندن۱۹۳۰
گروسه ـ تمدن شرقی، پاریس۱۹۲۹
هرتسفلد ـ آثار سامرا برلن ۱۹۲۷
هوارت ـ خط و مینیاتورهای شرقی اسلامی، پاریس ۱۹۰۸
کونل ـ مینیاتورکاری اسلامی شرق، برلن ۱۹۲۲
مارتن ـ مینیاتور نقاشی و نقاشان ایرانی ـ هند ـ ترکیه از قرن هشتم تا قرن هیجدهم میلادی، لندن۱۹۱۲
میژن ـ رساله صنعت اسلامی دو جلد، پاریس ۱۹۲۷
ساکیسان ـ مینیاتور ایرانی از قرن ۱۲ تا ۱۷م، پاریس۱۹۲۹
سارومیتویخ ـ کارهای رضای عباسی، مونشن ۱۹۱۴
شولز ـ مینیاتورهای اسلامی ایران، لیپزیك ۱۹۱۴
اسشوکن ایوان ـ مینیاتورهای اسلامی ایرانی، کتابخانه قاهره (هنرهای‌زیبا)
ویلکن سن ـ شاهنامه فردوسی، لندن ۱۹۳۱

فهرست اعلام کتاب

فهرست تابلوها وتصاویر

فهرست کتاب

مقدمه مترجم و تقریظ ها

صفحه

بقلم مترجم

پایان کتاب

بسمه تعالی

اکنون که ترجمه کتاب گرانبهای (تاریخ نقاشی در ایران) بپایان رسید اندیشه بدان کشید که صفحاتی چند راجع بمحتویات بعضی از کتابخانه های پایتخت بنوبت خود بعنوان پایان‌کتاب ضمیمه وپیوست سازد .

دراینجا گفته میشود که استاد دانشمند دکتر زکی محمد حسن در اثر تالیف این‌کتاب خدمتی بزرگ وشایسته نسبت بمیهن ما انجام داده و ازسرزمین وادی نیل این هدیه نفیس را بجهانیان تقدیم نموده و این زحمت وهمت ایشان مخصوصاً مورد تقدیر ومنظور و نظر اولیای وزارت فرهنگ ایران شده وبتصدیق و گواهی استادان فنی وهنرمندان ودانایان، مؤلف محترم درمجموعه مزبور بدقایق و نکاتی راجع باین فن متوجه شده که کمتر کسی بآنها پی برده وبهترین‌سبك را درکلاس‌بندی‌آن ایجاد نموده لیکن باید دانست برای‌مانمونه کار ومفاخراساتیدو هنرمندان دوره و اعصار قرون‌سالفه و ادوارگذشته وحال دراین سرزمین بسیار وآثارهنری ایشان در مخازن و کتابخانه‌های‌مهم‌ایران‌ازقبیل کتابخانه‌دربارشاهنشاهی‌و کتابخانه آستان قدس رضوی وکتابخانه ملی و موزه وکتابخانه مدرسه سپهسالار بالاخره درکتابخانه های شخصی عمده مانندکتابخانه آقای حاج حسین آقا ملك وکتابخانه مرحوم حاج سید نصرالله تقوی و دیگران بیشمار است بطوری‌که هرقسمتی بیننده را دچار حیرت نموده و از دیدن هر کدام دیده حالت جذبه و بهت ازکاروکردار این سرآمدان هنر ولطایف و ظرایف‌عمل ایشان پیدا خواهدنمود ومیتوان گفت‌که شخص دربرابرتماشای هرهنری فریفته و مدهوش و بالاخره دلباخته و مبهوت میگرددکه آیا این هنروران بزرك و استادان توانا چگونه این همه بدایع وهنریدی را بکاربرده وخامه سحرطرازایشان

بدینسان آثار بدیعه و اعمال ظریفه وحیرت‌اوررا نگاشته و پرداخته اند وآنان وچه فکرهای باریك ودقیق را پیروی وتعقیب نموده وازعالم اندیشه بمعرض شهود آورده اندکه فقط هرکدام تنها بقریحه واستعداد خاص ایرانی وهوش سرشار هنروران این کشور باستانی اختصاص دارد .

ما اگر بخواهیم اسامی کتب قدیمه وصور بدیعه بعضی ازکتابخانه های مرکزی (پایتخت) ایرانرا بمورد بیان ونگارش بیاوریم ودراطراف هریك ازآنان قلمفرسائی کنیم فی‌الواقع بایستی خود دراین باب کتابها بنویسیم ومجلداتی ترتیب دهیم .

چه خوب بود موقعی که دو استاد دانشمند دکتر عبدالوهاب عزام و استاد عبدالحمید عبادی برای شرکت در جشن هزارمین سال حکیم سخندان ابوالقاسم فردوسی سفری باین سامان نموده ودرآثار زیبا وعمارات دلگشا و ابنیه فرح افزا و معماری های مهمه ما مشاهداتی مینمودند درآنوقت استاد هنرپیشه آقای دکتر زکی محمد حسن هم باآندو هموطن‌محترم خود همراه بوده درکتب مخطوطه وپرده‌های نقاشی ومرقعات‌محفوظه درکتابخانه‌ها وغیره اینجا مطالعات ومشاهداتی‌میکرد وبعداً این مولفه نفیس وگرانبهای خودراکه‌درآثار تصاویر ونقاشی باستان ایران اختصاص داده اند محتوی بسیاری از نفایس و ظرایف دوره باستان و زمان کنونی کشور ما مینمودند وبرمزایا ومحسنات و زیبائی وظرافت کتاب خود می‌افزودند باید دانست توجه خاصی‌راکه امروزه ازطرف دولت شاهنشاهی ایران نسبت ببسط وترویج هنر وصنعت میشود و از تشویقی‌که از اساتید وکارکنان و صاحبان هنر بعمل میآید هم اکنون نمیتوان گفت‌که ایران امروزی در ابراز قریحه و ذوق و استعداد واظهار هنر وصنعت‌ازایران باستان کمترواستادان آن فرومایه تر از اساتید گذشته وپیشین باشد بلکه بااین روشی‌که فعلا پیروی و تعقیب میشود و قدمهائی که در راه پیشرفت و ترقیات این کشور میدارند امید است که ایران بالا ترین مقام مجد و عظمت و اعلی مراتب بزرگی و افتخار را درتحت توجه شاهنشاه جوان هنردوست ومیهن‌خواه خود دردنیای متمدن امروزی احراز نماید .

این‌همه نمایشگاه های فنی و صنعتی‌که درپایتخت ودیگر شهرهای این کشور

درتمام جریان سنوات بمورد نمایش گذاشته میشود و سرکشی ومواظبت و بازدید و مراقبت وتشویقی که ازطرف شاهنشاه محبوب ما بعمل میآید یقیناً طولی نمیکشد که سرافتخار ایران وایرانیان باعلی درجه برتری واعتبار خواهد رسید.

باش تا صبح دولتت بدمد   کاین هنوز ازنتایج سحراست

اینک چند نمونه ازآثار نفیسه وکتب مخطوطه ایران بدست آورده وعکس برداری نموده بعنوان هدیه بمقام وزیر دانشمند و محبوب فرهنگ آقای مسعود کیهان درخاتمه این کتاب میافزاید ضمناً شرحی برای بیان وتوضیح آن نفایس نگاشته وتقدیم میدارد.

ازجمله نفایس منتخبه تصویری است که درنسخه خطی قدیمی دیوان امیرخسرو دهلوی مورخ ۸۸٦ هجری مدرسه عالی سپهسالار طهران (دانشکده معقول و منقول) بخط میرعلی مشهدی کاتب معروف است که آنرا یگانه استاد مشهور (بهزاد نقاش) برای (سلطان حسین بایقرا) درکتاب مذکور ترسیم نموده و دربالای صفحه تصویر کتیبه ایست که باخط نسخ اعلا طلائی ومتن لاجوردی این عبارت نگاشته شده.

(باشارة السلطان الاعظم والخاقان المعظم ابوالغازی سلطان حسین خلدالله ملکه فی شهورسنه ست وثمانین وثمانمأئة).

این صفحه مجلس بزمی زنانه است که برای شاه برپاشده ودرآن کمال وجدو طرب وحالت رقص ونشاط وخوشی وانبساط رانشان داده وشاه درصفه بالا جلوس نموده ومشغول باده گساری است وزنان خواننده ونوازنده برای او درساز ونوازند و جمعی اززنان دیگر باالبسه رنگارنگ قراردارند درضمن رنگ آمیزی متناسب صورتگر توانا منتهای قدرت ومهارت را بخرج داده و در ریزه کاری ومینیاتورسازی آن نهایت دقایق قلمی و طراحی را ازگل سازی وطلاریزی ورنگ آمیزی رعایت کرده

بیان دقایق و نکات و ظرافت و زیبائی این کار جز بدیدن و حیرت نمودن از آن نشاید.

شاهکار دیگر بهزاد که آن استاد زبردست بسبک چینی نقاشی نموده ودرآن

۱ــ تصویر ۱ از دیوان خطی امیرخسرو دهلوی

داد هنر داده دوصفحهٔ اول کتاب خمسه نظامی قدیمتر مدرسه سپهسالار است (۱) که نسخه مزبور بخط خوش کاتبی شیرازی که نام آن محکوك است و در سنه احد عشرو تسعمائه هجری (۹۱۱) انجام گرفته ومقارن باسنوات آخر سلطنت سلطان حسین بایقرا است (۹۱۳)

این کتاب بقلم توانای بهزاد در ۳۵ مجلس بسبك اعلی چینی نقاشی شده وهر صفحه از تصویر آن نمونهٔ بزرگی از صنعت وهنر این استاد است وارقرینه برمیآید که این نسخه برای سلطان مذکور تهیه شده

بدیعتر ازهمه دوصفحه اول کتاب است که نگارنده از آن عکس برداری نموده وجزء متمم کتاب « تاریخ نقاشی در ایران » قرار داده چیزی که باعث تاسف است این دوصفحه در اثر کثرت استعمال وقدمت قدری از صور آن سوده و محو گردیده وعکس برداری با اینکه دومرتبه بدان مبادرت نمود بخوبی انجام نگرفت ولیکن نفاست کتاب وظرافت و زیبائی نقاشی وصنعت ممتاز آن بجای خود محرز و محفوظ است وطلاکاری و رنك آمیزی وزینت و زیبائی آن بوصف نیاید .

دراین دوصفحه برابر یکدیگر « بهزاد » وضعیت دوره سلطنت خوش وزمان راحت ورفاهیت « سلطان حسین بایقرا » رامجسم نموده ودرپنجردیف قرار داده

ردیف اول - پوش و سراپرده جلال وعظمت شاه است که ببهترین طرحی آنرا نقاشی کرده و سلطان در زیر سراپرده روی تخت سلطنت جلوس نموده و در برابرش وزیر باتدبیر او امیرعلی شیرنوائی و یکی از بزرگان دیگر که شاه بآن دو اذن جلوس داده نشسته، درطرف دیگرشاه چند نفر از خادمان و گزیدگان شاهی ایستاده اند .

ردیف دوم - جمعی از ارباب هنر و کمال در طرفی ایستاده و اوضاع راتماشا مینمایند ودرطرف دیگرمجلس رقص و بزم طرب وباده گساری است که در آن تشویق شاه را ازارباب کمال وادب نمایش داده وخوشی وعشرت عموم را نشان میدهد.

ردیف سوم - در جلو یکی ازکمانداران شاهی است که کمانی در دست گرفته

---

۱ - تصویر ۲ و۳ از خمسه نظامی قدیمی

و عده از مقصرین را بادست بسته بجانب محاکم یا زندان میبرند و در دنبال آنان دو نفر از بازداران شاهی است و درطرف دیگر دوتن از شکارچیان اند که دویلنك را بزنجیر کشیده و در بالای سرایشان دونفر از شاطران ویساولان شاهی قرار گرفته که هر کدام تبرزینی بدست دارند و این ردیف طرز مجازات و وضع یاسا و جلوگیری از جنایات را خاطر نشان میسازد و این وضعیت حالت روحی مملکت و جلوگیری از متمردین و سرکشان را میرساند و میفهماند که شاه نافرمانان را مانند ددودام بدینگونه مطیع فرمان نموده و شکار مینماید و از مجازات و تنبیه ایشان فرو گذار نمیکند.

ردیف ٤ ـ نیز سیاست و جلوگیری و اجرای یاسا و قانون را حکایت میکند که یکی چوبی در دست گرفته و چنگ تن را تحت تنبیه و سیاست آورده و پارهٔ بشفاعت برخاسته ویکنفر ازمیر آخوران شاهی است که عنان اسب را دردست گرفته و خود در جلو آن پیادهٔ ایستاده

ردیف ٥ ـ صورت مؤدیان عواید دیوانی و مالیات دهندگان یا برندگان تحف و هدایا را نشان میدهد که هر کدام طبقی را در دست گرفته زر و سیم وجواهر بهدیه و تقدیم میبرند و در جلو آنها کمانداری است که حفظ و حراست و موجبات امنیت کشور را حکایت میکند.

نفایس کتابخانه مدرسه سپهسالار زیاده و بسیار است و برای نگارنده ممکن نیست که تواند در این مختصر بذکر آن پرداخته یا عکسهائی چند از آنها تدارك نماید لیکن بمضمون مالایدرك کله لایترك کله والمیسور لایترك بالمعسور اینك شش صفحه از کتاب زیبا ونسخه گرانبهای دومین خمسه نظامی این کتابخانه که در ۱۳۱٤ خورشیدی آنرا بنمایشگاه صنعتی ایران درلنینگراد جزء ظرایف برده وجلب توجه سرامدان هنر وصنعت اروپا در آنجا بخود نموده دراین مورد عکس برداری کرده و تقدیم میدارد.

این نسخه شاید بهترین نسخه دنیا وزیبا ترین نمونه باشد که از کتاب خمسه

نظامی تهیه و تصویر شده

نسخه مذکور دارای ۳۱ صفحه مجلس بی بدیل و نقاشی بی‌نظیراست که بقلم میرك و بهزاد وسلطان محمد ودیگر استادان عالی رتبه زمان شاه طهماسب صفوی صورت‌کشی و تزیین شده وبهترین صنعت نقاشی و مینیاتورکاری در آن انجام گرفته وبخط کاتبی شیرازی که بازدست خطاکاری نام آنرا محو نموده درسنه‌ست و خمسین وتسعمائه ۹۵٦ هجری تمام‌گردیده

دوصفحه اول آن درسرلوحهٔ مصور ومذهب بمتن فیروزهٔ ولاجوردی وطلائی وبوته های قشنك رنگارنك است که درصفحه اول آن این رباعی بخط نسخ زیبا وبرجسته الوان باخطی بسیار خوب ومرغوب ترسیم شده

گنجینه کشای گنجه آن مؤبد راد ‧ کامد اینك سخنوران را استاد

در یای معانی از گهر کرد تهی روزی که بنای بنج کنجینه نهاد

در صفحه برابر نیز با اوصاف مذکور و تزیینات تمام این رباعی مسطوراست:

خمسه که بمخزنش بودزیب‌تمام ازخسروُوشیرینش‌فزون گشت‌نظام

لیلی‌مجنون‌وهفت پیکرزعقب تاریخ سکندرش دهد ختم کلام

در تجلید این کتاب و صحافی و تذهیب آن منتهای ظرفت‌کاری‌وکمال مهارت استادی را بکار برده‌اندکه خود بهترین شاهکار این هنر و پیشه ظریف و زیبااست و برای آن‌ارج وبهائی‌که درخور و شایسته باشد بآسانی نتوان تعیین نمود .

خلاصه و توصیف صفحات و مجالس تصاویر این‌کتاب با این مختصر بوصف نیاید و باید هرکس که آنرا دید بر آثار صنعتی بدیع و هنریدی اساتید بزرك آن هزاران تحسین و آفرین و دست مریزاد گوید .

بطوریکه از قرنیه معلوم میشوداین‌کتاب هم مانندکتاب خمسه نظامی موجود در موزه بریتانیا برای‌کتابخانه شاه طهماسب اول صفوی تهیه شده و بواسطه اینکه هفتسال‌بعدازخمسه موزه نامبرده نگاشته و ترسیم گردیده مسلماًدرظرافت ونفاست و بها واهمیت بالاتر از آن خواهدبودبویژه‌ازحیث‌تصویر که‌خمسه نظامی‌موزه بریتانیا



تصویر اول بزم زنانه برای سلطان حسین بایقرا ازدیوان خطی امیر خسرو دهلوی کتابخانه مدرسه سپهسالار تهران مورخ ۸۸۶ هجری



تصویر ۲ ــ مجلس سلطان حسین بایقرا از خمسه نظامی قدیمی نسخه خطی مدرسه سپهسالار تهران مورخ ۹۱۱ هجری



تصویر ۳ ـ مجلس سلطان‌حسین بایقرا از خمسهٔ نظامی قدیمی نسخه خطی

را چهارده صورت مجلس است و این نسخه را ۳۱ صفحه تصویر اعلی و ممتاز میباشد و تشخیص و بقایای مزایا و محسنات آنرا بعهده بینندگان کتاب واگذار مینمائیم.

در اینجا شش صفحه از تصاویر کتاب مذکور عکس برداری شده.

تصویر اول ـ صورت فیلقوس یافیلیپ است که باحاضرین رکاب وسواران خود بالای سر زن مرده وطفل نوزا وی آمده که طفل انگشت خود در دهان گذاشته و بجای پستان میمکد و امر دادن او چاکران خود جهت دفن زن وازخاك برداشتن طفل و پرورش دادن او و ولیعهد نمودن وی پس از آن میباشد (۱)

تصویر دوم ـ صفحه ایست از شرفنامه خمسه نظامی که در آن میدان جنك اسکندر را با دارا نشان میدهد. در اینجا اسکندر بر اسبی که دارای برگستوان است سوار و سپاهیان او بکار نبرد و کارزار اشتغال دارند نقاش بامهارت استادی خود وضعیت میدان جنك را در نهایت خوبی مجسم نموده و در برابر اسکندر و دارا سلطان مدعی و متخاصم او است که تخت مجلل و با شکوه ویرا بفیل زده وسپاهیان اسب سوار با او رواند ودرصف دیگر جنك مغلوبه جنك آوران و کمانداران است که درقسمت بالا بجنك وجدال و تیراندازی بیکدیگر مشغولند دربالا طبالان و شیپورچیان رعد داران وغیره ازطرفین سپاهیان میباشد. (۲)

تصویر سوم ـ صفحه ایست که اسکندر سر کشته دارا آمده وسر اوراازخاك برداشته وبزانو نهاده اظهار تاسف وتحسر ازقتل دارا مینماید وبالای سروی پرچم شاهی سایه افکنده وسران سپاه پیاده دربرابر ایستاده ودسته اسب سوار وفیل سوار بحالت بهت وحیرت وضعیت را نگرانند و دوتن کشندگان دارا: ماهیار و جانوسپار را گرفته و دستهای آنهارا بپشت بسته، در برابر اسکندر واداشته اند و در قسمت بالای صفحه طبالان وبعضی ازپاسبانان وپیش جنگان اندکه بحالت آشفته گی دیده میشوند (۳)

تصویر چهارم ـ صورت اسکندر در شکارگاه وصید افکنی او در میان گوزنان

۱ـ تصویر چهارم ـ از کتاب شرفنامه خمسهٔ نظامی مدرسه سپهسالار

۲ـ تصویر پنجم از کتاب سرفنامه خمسه نظامی

۳ـ تصویر ششم از کتاب شرفنامه خمسه نظامی

و آهوان است که حالات مختلفه هریك از آنان را از فرار و اضطراب احوال دراین مجلس نشان داده وسواران شکارچی دیگر دربالاکه آنها نیز بصید شکاراشتغال دارند واوضاع طبیعی کوه و دشت وعرصه بیابان را با ریزه کاری فنی وحسن سلیقه باستادی نشان میدهد . (۱)

تصویر پنجم - صورت اسکندر و خضر والیاس در ظلمات است که اسکندر برمرکب راهوار خود سوار و موکب شاهی از وزراء وسران سپاه با وی همراهند و مشغول راه نوردی است و خضر والیاس بلب آب حیات رسیده از اسب پیاده شده در لب چشمه آب زندگانی جلوس نموده اند و ماهی خشك از دست ایشان بآب افتاده وحیات تازه یافته ونوشیدن آندو از آب زندگانی ومحروم شدن اسکندر ازنوشیدن آب است . (۲)

تصویر ششم - بهترین صفحه نقاشی است که در آن مراسم تشییع جنازه اسکندر را تصویر کرده دربالا زنان عزاداررا درغرفات بانهایت زیبائی وظرافت ترسیم وتزیین نموده و ارائه میدهد که چگونه هر کدام اظهار اندوه و حسرت مینمایند و در متن صفحه درب وابواب وصفه ورواق وکاخ باعظمت شاهی را نشان داده که دربرابر آنوجوه اعیان ورجال محترم هریك از تأسف نموده ودربی اعتباری دنیا بایکدیگر سخن میرانند و دستهٔ از زنان در جلو آنان با چادرهای سفید نشسته و نوحه سرائی میکنند ودرمیان صفحه تابوت مجلل و باشکوه اسکندر است که چهارتن پایه تابوت را بدوش گرفته وجمعی ازسران و بزرگان خاصه وسروران روان اند ، دراینجا دست اسکندراز گوشه تابوت بیرون آمده ونمایان است که تهی دست رفتن اورا ازاین خاکدان نشان میدهد .

شمع و مشعل زیادی در موقع این تشییع فروزان و از غم مرگ اوگدازان و سوزانند ودرجلو همه منادیان مرگند که برشترها سوار و دستها را بربناگوش نهاده خبر مرگ اسکندر را اعلام مینمایند .(۳)

۱- تصویر هفتم - از کتاب شرفنامه خمسه نظامی مدرسه سپهسالار تهران
۲- تصویرهشتم - از کتاب شرفنامه
۳- تصویر نهم - از کتاب خمسه نظامی

خلاصه آنکه بقدری این وضعیت را مجسم نموده که بوصف نمی‌آید.

نگارنده بعضی از نفایس این کتابخانه و اسامی و اوصاف نسخه های مصور و گرانبهای کتابخانه مدرسه‌را در کتاب« تاریخ مدرسه سپهسالار» تألیف خود که‌تاریخی جامع و مشتمل برفهرست وقایع امروزی و شرح حال مفصل مرحوم حاجی میرزا حسینخان سپهسالاروتراجم بعضی از رجال معاصراو و تاریخچه بنای مسجد و مدرسه وطرز معماری آن و تمام تشکیلات قدیمه وجدیده از اول تاکنون این‌مؤسسه میباشد گنجانیده و فهرست بعضی ازکتب مانند شاهنامه های خطی و با تصاویر این کتابخانه و دیوان عماد فقیه مورخ ۷٦۳ وکتاب یوسف زلیخای چاپی ونسخه‌کلیله ودمنه‌آن با مجلس تصویر ودیوان مکرر ومصور امیرخسرو دهلوی وحیات‌الحیوان دمیری و تاج المآثرحسن بسطامی و منظومه سلاطین آن در تاریخ مغول با۲۱ مجلس تصویر اعلی وکتاب های مصورآتشکده‌آذر ومثنوی مصور نفایس امیرخسرو دهلوی با چهار مجلس تصویر مورخ ۸۸٤ بخط میرعلی‌خطاط مشهدی وکتاب آثارالباقیه بیرونی‌آن با۲٦صورت چینی ممتاز ودیوان فغانی و بهرامیه‌امیرخسرو وحدیقه حکیم سنائی و مرقعات نفیسه وگرانبها در۳٦مجلد ودیگر طرائف وظرائف وافتخارات تاریخی این مؤسسه‌رادرآن‌تاریخ‌بمورد نگارش‌آورده وامیداست‌که باهمت اولیای امور مدرسه بزودی طبع وانتشار یابد.

ازآثار نفیسه نقاشی در ایران حواشی مرقع گلشن است‌که از جمله ظرائف ونفایس عجیبه‌کتابخانه دربار شاهنشاهی ایران واقعه در عمارت کاخ‌گلستان است و کتابخانه مزبورمحتوی بسیاری ازکتب ممتازه ویادگارهای آثاربدیعه خطوط ونقوش و تصاویر و تذهیب شاهکارهای استادان عالیرتبه از نقاشان و خطاطین و مذهبین و غیره است.

مرقع گلشن را در سنه ۱۹۳۱ میلادی ازایران بلندن فرستاده و در نمایشگاه ایران درلندن بمعرض نمایش‌گذاشته بودند.

دراینمرقع دوصفحه ایست‌که سلطان‌حسین بایقرا را درباغ خود نشان میدهد وصفحاتی‌درآن‌است‌که‌به بهزاد وعبدالصمدنقاش‌نسبت داده‌اند ونیز بسیاری‌ازشاهکارها

مدیر آن اندازه و بخانم او بتصاویر زیادی از این مرقع برداشته و درج نموده‌اند و ما در اینجا از درج تصاویر صرف نظر نموده و توجه خوانندگان را بجانب آن کتاب نفیس معطوف می‌داریم.

علاوه بر این درموقع مذکور از عملیات یدی و نمونه هنرهای نقاشی دولت نقاش دوره جهانگیر از نواده‌های امیر تیمور بسیار است.

جهانگیر عشق وعلاقه زیادی بجمع آوری آثار صنعتی داشته و از دوره پدر و جدش نقاشی‌های بدیعه وزیبائی از اساتید بیادگار برده بود اودستور داده تا آن خطوط ونقوش را درمجموعهٔ گرد آوردند که اکنون البومی دربرلن موسوم بآلبوم جهانگیر است: کونل Kunhel وگوئتز Goetz درآن مطالعاتی نموده اند.

درمرقع گلشن چندفقره هم از کار منوهر نقاش باامضاء او وجود دارد واو در دوره اکبروجهانگیر وشاه جهان نواده های تیمور ازنقاشان مشهور بوده وآثار یدی او درتیمورنامه و بابرنامه واکبرنامه بسیار است.

در اینموقع صورت بشنداس نقاش معروف هندی دربار اکبر و جهانگیر کشیده شده که او باخان عالم سفیرجهانگیر بایران واصفهان آمده وبخدمت شاه عباس رسیده وجهانگیر درنامهٔ از او معرفی کرده که خان عالم را با بشنداس نقاش بایران فرستادم تاصورت شاه عباس راکشیده که هرکس او را دیده شباهت تمام آنرا تصدیق مینماید.

دراینموقع حواشی از عمل آقا رضا است که نمونه کامل نقاشی است و نهایت زیبائی و ظرافت را داراست و متن آن بخط علی کاتب سلطانی خطاط معروف است جهانگیر دستورداده که قطعات پراکنده را دراین مرقع بصورتی بهم پیوسته درآورده و براوراقی بقطع متساوی بچسبانند واختلاف پهنای حواشی را با نقوش وگل و بوته وآثارطبیعی وصورت اشخاص وغیره ترسیم نمایند لذا حاشیه هرقطعه را باقلم کمرنك وملایم تصویر کشیده و با الوان متناسب و طلاکاری آنرا آرایش و زینت داده.

آقا رضا بمجالسی خوش داشته که درآن بانوان درباریان وخدمه بوده وهریك بکاری مشغول باشند و نیز بمجلس غذا خوری وشکار و مجالس طرب وتفریح حرم‌نشینان علاقه داشته.



تصویر چهارم ــ صورت فیلیپ بالای سرزن مرده و بچه آن از خمسه نظامی



تصویر پنجم میدان جنگ اسکندر با دارا از کتاب شرفنامه خمسه نظامی نسخهٔ خطی مدرسه سپهسالار



تصویر ششم اسکندر بسر کشته دارا از کتاب شرفنامه مدرسه سپهسالار



تصویر هفتم صورت اسکندر در شکار گاه از کتاب شرفنامه خمسه نظامی مدرسه سپهسالار



تصویر هشتم ـ صورت اسکندر و خضر و الیاس در ظلمات از کتاب شرفنامه خمسه نظامی خطی



تصویر نهم مراسم تشییع جنازه اسکندر از نسخه خطی خمسه نظامی مدرسه سپهسالار تهران

وآثارهنری و فنی آقا رضا هراتی نقاش دراینموقع وجود داردکه امضای او در ضمن صفحات مسطور وتصاویر او دارای آب ورنك مات وکم جلوه است .

درکتاب آثار ایران (۱) نشریات موزه واداره باستان شناسی تألیف مسیو گدار مدیر موزه ازکارهای دولت تصویریکی ازشاهزادگان جوان است که لباس سفید دربر وگردن بندی از مروارید بگردن وگوشواره های الماس درگوش و در برابر رحلی زانو زده که کتابی روی آن نهاده و باآلتی خطوطی رسم میدهد ودرکنار آن کتابی باجای آن قرارگرفته ورقم دولت درآن نگاشته

ودر مقابل این تصویر صورت مولانا عبدالرحمن جامی است که کتابی درجلو خود نهاده و امضای دولت درآن است .

مولانا بصورت پیری با محاسن سفید و عمامه کوچك ژولیده وقبای ساده تیره خاکستری نشسته وشالی بر کمر دارد .

در صفحه دیگر مردی است با محاسن سیاه و موی بلند پریشان سر و ردائی بخود پیچیده که بسرزانو نشسته باقلمی از پرغاز « مخالف عادت شرقی که باقلم نی کار میکنند » درطوماری مشغول بکار است .

روی این طومار امضای آقا رضای نقاش است که آنرا در اکبریه ۲۸رمضان ۱۰۰۸ تصویر نموده .

دربرابر آن صورت جوانی است که روی قطعاتی از خزه یا تخته سنك نشسته و با لباسی کمرنك بالوان نارنجی و سبزوگلهای سرخ رنگین وکتابی در دست داردکه هم در روی آن امضای آقا رضا مندرج است .

خلاصه چنانکه نگاشته شد نفایس و ظرایف کتابخانه های ایران نهایت بسیار وافزون ازاحصاء وآمار ست ونگارنده برای رعایت اختصاربدین قدردراینجا اکتفانمود.

تهران ۱۸ اردی بهشت ماه ۱۳۲۹ خورشیدی

ا . سحاب

۱ــ جلد اول آثارایران تألیف مسیو گدار رئیس موزه باستان که در پنج جلد انتشار یافته وبزبان فرانسه نگاشته است ودوجلد آن بفارسی ترجمه شده